



نخستین نهضت سراسری کتابخوانی سپاه برگزار می‌شود

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۰۶ | دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴ | ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

۲ نگاه رضا صامی‌راد | بدعهدی تکراری! | ۴ راهبرد نوید کمالی | مهندسان پشت پرده سیاست‌ها | ۱۲ فرهنگ آرش فهیم | ارسال تصویری منفی!

قتل عمد!

آمریکا برجام را کشت و اروپا آن را دفن کرد



ماشهای بر روی افکار عمومی!



JCPOA

2015-2025



سرنوشت مذاکره

تأملی در عبرت‌ها و درس‌های فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک

تریون رسوایی!



رامین نصیری
کارشناس سیاسی

«سازمان ملل متحد» جایی است که سران کشورها برای طرح دیدگاه‌ها و دفاع از منافع ملی خود در برابر جامعه جهانی گردهم می‌آیند؛ اما صحنه‌ای که امسال در نیویورک و هنگام سخنرانی «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی رقم خورد، معنایی فراتر از یک رویداد سیاسی داشت. سالن‌هایی که خالی شد، نمایندگانی که از جا برخاستند و میکروفن‌هایی که عملاً نتانیاهو را تنها گذاشتند، همه نشانه‌ای روشن بود از انزوای بی‌سابقه رژیمی که امروز بیش از هر زمان دیگری در تاریخ، مشروعیت خود را از دست داده است.

آنچه رخ داد، فقط یک حرکت اعتراضی نمادین نبود؛ بلکه بازتابی از واقعیت تلخی بود که سال‌هاست رژیم صهیونیستی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. جنایات گسترده در غزه، محاصره غیرانسانی میلیون‌ها فلسطینی، تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی، ترور نجیبگان و خبرنگاران و استفاده بی‌پروا از سلاح‌های کشتار جمعی علیه غیرنظامیان، دیگر قابل پنهان‌سازی نیست. این بار، نه رسانه‌های همسو با تل‌آویو توانستند روایت‌سازی کنند و نه لابی‌های پرنفوذ قادر بودند سکوتی مصنوعی ایجاد کنند. خروج نمایندگان کشورها از سالن، به زبان بی‌زبانی فریاد زد که جامعه جهانی حاضر نیست برای شنیدن توجیهات یک رژیم اشغالگر و آپارتایدی که نسل‌کشی می‌کند و به جنایت دست می‌زند و تجاوزگری پیشه اوست، وقت بگذارد.

این در حالی است که رژیم ملعون صهیونی طی دهه‌های گذشته کوشیده است با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و حمایت قدرت‌های غربی، چهره‌ای دموکراتیک از خود به نمایش بگذارد و اعتباری برای خود دست و پا کند. اما خون کودکان غزه، آوارگی میلیون‌ها فلسطینی و ویرانی بیمارستان‌ها و مدارس، هر روز پرده‌ای دیگر از جنایت و خیانت صهیونیست‌ها را کنار می‌زند.

انزوای نتانیاهو در سازمان ملل نشان داد، رژیم نه تنها با بحران مشروعیت منطقه‌ای روبه‌روست، بلکه در سطح جهانی نیز یک رژیم مغفور شناخته می‌شود. حتی بسیاری از دولت‌های غربی که تا دیروز بی‌قید و شرط از تل‌آویو حمایت می‌کردند، اکنون زیر فشار افکار عمومی خود ناچارند فاصله بگیرند. دانشگاه‌ها، پارلمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی در اروپا و آمریکا، بارها خواستار تحریم و انزوای رژیم صهیونیستی شده‌اند و صحنه خالی شدن سالن سازمان ملل، بازتاب دیپلماتیک همان موج اجتماعی (بایکوت، تحریم و انزوای رژیم BDS) است.

از سوی دیگر، حواشی و اتفاقات نشست سالانه کشورهای عضو سازمان ملل جالب توجه بود. سخنرانی رئیس‌جمهور ترکیه پس از مدت معینی قطع شد. میکروفن او به صورت خودکار خاموش شد، اگرچه اداره ارتباطات ترکیه سعی کرد توضیح دهد که این امر بر اثر گذر از زمان مجاز سخنرانی و تشویق حضار اتفاق افتاده است، اما این توضیح، چندان با واقعیت تصویری آن جلسه هم‌خوانی نداشت. چرا که آن تنها مورد نبود؛ در همان اجلاس، نتایجی منتشر شد که از وقوع اختلالات صوتی در سخنان رئیس‌جمهور اندونزی و برخی دیگر از رهبران حکایت داشت. میکروفن برخی ناظران نیز ناگهان خاموش شد آن هم درست در میانه بحث حساس غزه و اعلام حمایت‌ها. در پایان باید گفت، درست است که شاید صداها را قطع کرد، اما هرگز نمی‌توان حقیقت را خاموش کرد.

قتل عمد!

جهان، پایان اهرم‌های فشار مؤثر غرب علیه ایران و... گفتنی است، با چند اقدام اصولی و کارشناسی به راحتی می‌توان از این وضعیت عبور کرد و حتی تهدید را به فرصت تبدیل کرد. ابتدا باید گفت استفاده از ادبیات مقصرنمایی داخلی و مقصر جلوه دادن یکدیگر در فضای سیاسی (از جمله انداختن تقصیر به گردن مذاکره‌کنندگان برجام یا بالعکس کسانی که قطعنامه‌ها در دوره آنها صادر شد) نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه فضای کشور را دو قطبی کرده، دشمن را در رسیدن به هدف مهم که همان تخریب انسجام ملی است، کمک می‌کند. الحق و الانصاف دولت همه تلاش خود را به کار بست تا مکانیسم‌هاش فعال نشود و در این راه با همه پیشنهادهای ارائه شده منطقی طرف‌ها، از جمله مذاکره مستقیم با آمریکا در قالب ۵+۱ موافقت کرد؛ اما طرف غربی حاضر به همراهی و تعامل نشد. پس در این وضعیت توصیه می‌شود، رسانه‌ها به منظور تقویت انسجام داخلی و کاهش سوءتفاهم‌ها برای افکار عمومی روشن کنند که ایران همه تلاش خود را در مسیر دیپلماسی با تأکید بر حفظ حق غنی‌سازی خود به عمل آورد؛ اما زیاده‌خواهی و بدعهدی طرف‌های مقابل مانع از حصول نتیجه‌شد. ضمن کاربست توصیه‌بیان‌شده در باب حفظ انسجام ملی حال از فرصت‌های پیش‌رو باید بهترین استفاده و بهره‌برداری را برد.

۱- بهره‌برداری از نارضایتی جهانی علیه ترامپ، مانند سیاست‌های یک‌جانبه در اوکراین، قانون مهاجرت، قانون تعرفه‌ها و حمایت همه‌جانبه از رژیم کودک‌کش و تروریستی صهیونیستی. در این برهه زمانی فرصتی برای ایران است، زیرا بهره‌برداری از این شکاف‌ها با دیپلماسی فعال می‌تواند حمایت بسیاری از کشورها را به فرصتی استراتژیک تبدیل کند. برای نمونه، فاصله‌گیری هند از اطاعت‌پذیری آمریکا مصادق خوبی است که با برخی از کشورهای دیگر انجام داد. براساس آمار رسمی وزارت بازرگانی هند این کشور یک محموله نفت خام به



علی قاسمی
تحلیل‌گر ارشد اقتصادی

سرانجام پس از گذشت چند سال و همکاری همه‌جانبه حتی فراتر از عرف رایج با آژانس انرژی اتمی، سه کشور «انگلیس»، «آلمان» و «فرانسه» با متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به نقض توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ (برجام) و طرح ادعاهای بی‌اساس وبدون اشاره به خروج یک‌طرفه آمریکا از این توافق در سال ۲۰۱۸ و همچنین نقض‌های طرف‌های اروپایی، هم‌راستا با کارزار «فشار حداکثری» آمریکا علیه ایران، روند ۳۰ روزه فعال‌سازی مکانیسم‌هاش (اسنپ‌بک) را آغاز کردند. دستگاه دیپلماسی ایران در این فرایند زمانی به طرق گوناگون، با متولیان امر و مرتبطان موضوع هسته‌ای و کشورهای متعدد مذاکره کرد؛ اما به دلیل زیاده‌خواهی‌های آمریکا و کشورهای اروپایی وضع اینگونه رقم خورد و مسیر تعامل به بن‌بست کشیده شد. در این شرایط و با توجه به فضای بین‌المللی پیرامون ایران و موضوع بازگشت تحریم‌ها، همه مردم و دغدغه‌مندان به نظام مقدس جمهوری اسلامی، به ویژه رسانه‌ها می‌توانند همچون گذشته با ایفای نقشی مسئولانه در ایجاد آرامش در فضای داخلی و رساندن پیام مظلومیت و حقانیت ملت ایران به جهان کوشا باشند و دلایل کم‌اثری فعال شدن مکانیسم‌هاش را به شرح زیر بیان کنند:

اختلاف گسترده بین ۱۵ عضو شورای امنیت؛ چهار مخالف و دو متنع، پایین بودن سطح فنی تحریم‌های شورا ذیل فعالیت هسته‌ای که ۲۰۰ مورد است نسبت به تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا که حدود ۲۰۰۰ مورد است، تمرکز تحریم‌های شورا بر عملیات‌های هسته‌ای و نظامی، سازگاری اقتصاد ایران با نظام تحریم‌ها با توجه به سابقه خنثی‌سازی تحریم‌ها، تثبیت مشتریان نفتی ایران، افزایش دلارزدایی از معاملات نفتی در



علی حیدری
سردبیر

فعال شدن مکانیسم اسنپ‌بک، با بسترسازی‌های روانی آن از مدت‌ها پیش فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. روشن است که این اقدام، که از سوی تروئیکای اروپایی و بدون توجه به نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیگیری شده، بیش از آنکه جنبه حقوقی و عملی داشته باشد، تلاشی برای اعمال فشار روانی بر ملت ایران است. در این میان جریان معاند و غرب‌گرا با سوارشدن بر موج نگرانی تحمیل شده به افکار عمومی، تلاش دارند تا بازگشت تحریم‌ها را به یک «شوک تاریخی و جدی در بازارها» تبدیل کنند و به آن در جهت پیشبرد خط عملیات روانی «هجمه به سیاست‌های کلان رهبر معظم انقلاب» و «ترسیم چشم‌انداز تاریک از آینده معیشتی مردم در راستای کاهش همدلی عمومی با



رضا صارمی راد
کارشناس مسائل بین‌الملل

رأی‌گیری روز جمعه، چهارم مهرماه در شورای امنیت درباره طرح روسیه و چین مبنی بر تعویق فعال‌سازی «مکانیسم‌هاش» با رأی منفی کشورهای غربی بار دیگر بی‌فایده بودن مذاکرات ایران با آمریکا و غربی‌ها را نشان داد؛ زیرا با وجود اینکه ایران و آژانس در مصر توافق کردند که وضعیت اورانیم‌های ۶۰ درصد ایران روشن شود و بازرس‌های آژانس در اسرع وقت شروع شود؛ ولی غربی‌ها به وعده خود عمل نکردند و مکانیسم بازگشت تحریم‌های شش‌گانه قبل از برجام را فعال کردند؛ این اولین و آخرین باری نخواهد بود که آمریکا و غربی‌ها به عهدشکنی خود روی می‌آورند. در تاریخ ۴۷ ساله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این اتفاق بارها رخ داده است که به بعضی از این موارد در ادامه اشاره می‌کنیم.

در جریان مذاکرات ایران و آمریکا در دوره ریاست جمهوری کارتر بر سر آزادی گروگان‌های آمریکایی، طرف آمریکایی متعهد شد که اموال و نقدینگی ایران را آزاد کند و در امور داخلی ایران

آمریکا برجام را کشت و اروپا آن را دفن کرد

ارزش ۱۱۱ میلیون دلار از ایران وارد کرد. این واردات در شرایطی صورت می‌گیرد که هند از سال ۲۰۱۸ و پس از خروج آمریکا از برجام، تحت فشار واشنگتن، خرید نفت از ایران را متوقف کرده بود. اقدام هند را می‌توان نشانه‌ای از فاصله‌گیری تدریجی کشورهای مهم از سیاست‌های تحریمی آمریکا تفسیر کرد. با همین نگاه به نظر می‌رسد پیامد اصلی فعال‌سازی مکانیسم‌هاش در حال حاضر، بیشتر از لحاظ روانی و معطوف به بازارهای داخلی ایران است تا ایجاد اختلال جدی در کانال‌های صادراتی نفت. ۲- یکی از راهکارهای ایران برای عبور از دوره کنونی، اتخاذ راهبردهای خلاقانه و منطبق با شرایط است. اتخاذ سیاست اِیهام استراتژیک، یکی از روش‌هایی است که می‌تواند محاسبات طرف‌های مقابل را به اشتباه بیندازد. البته، به موازات آن، انجام یکسری اقدامات منسجم و هماهنگ در سطح حاکمیت برای این منظور ضروری است.

۳- پیوستن به ائتلاف‌های نوظهور در کنار گسترش همکاری با چین و روسیه می‌تواند نه تنها پیامدهای تحریم‌ها را کاهش دهد، بلکه لزوماً به شکل‌گیری نظم جدیدی منجر شود. داشتن ابتکار عمل در سیاست خارجی، سیال بودن راه‌های دور زدن تحریم‌ها، بستن پیمان‌های ارزی و پولی جدید با سایر کشورها و اقداماتی از این دست می‌تواند راه‌های مقابله با کارزار فشار حداکثری باشد.

۴- تداوم دیپلماسی فعال و عملیاتی حتی با عملیاتی شدن اسنپ‌بک، پیش‌تر در فناوری‌های روز نظامی و دفاعی، از پیش‌نیازهای لازم برای ایستادگی و موفقیت در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا و اروپا خواهد بود. داشتن ایده‌های ترکیبی در میدان و دیپلماسی می‌تواند قدرت آفندی کشور را ارتقا بخشد و از آن به‌عنوان قدرت چانه‌زنی در مناسبات و معادلات بهره‌برداری کرد. ۵- بر خورد قضایی برای برهم‌زدنندگان امنیت روانی جامعه؛ پس از اقدام یک‌جانبه اعضای اروپایی برجام در اعمال غیرقانونی مکانیسم‌هاش، برخی

خصمانه و غیرقابل اعتماد آمریکا و متحدانش است. اکنون، فعال شدن اسنپ‌بک، هر چند بار روانی سنگینی دارد، اما از نظر عملی، تأثیر آن کمتر از تحریم‌های یک‌جانبه دولت آمریکاست. بسیاری از کارشناسان معتقدند که این قطعنامه‌ها، به‌ویژه در شرایطی که اجماع بین‌المللی درباره آنها وجود ندارد، بیشتر جنبه نمادین دارند و هدفشان تضعیف روحیه مقاومت است. وگرنه ملت ایران یکبار طعم تلخ این تحریم‌ها را چشیده و احیای آنها پدیده جدیدی نیست. در چنین شرایطی، آنچه می‌تواند کشور را از این گردنه عبور دهد، همان سه‌گانه‌ای است که رهبر معظم انقلاب همواره بر آن تأکید داشته‌اند: هوشیاری، صبر و مقاومت.

رهبر حکیم انقلاب اسلامی بارها فرموده‌اند: «دشمن در پی تسلیم ملت ایران است، اما ملت ایران اهل تسلیم نیست.» این رهنمود، نه تنها یک شعار، بلکه راهبردی عملی برای عبور از بحران‌هاست. ملت ایران، بارها در تاریخ خود نشان داده که در برابر فشارهای خارجی، با اتکا به توان داخلی، مسیر پیشرفت را ادامه می‌دهد. از دوران دفاع مقدس تا

بدعهدی تکراری!

پیشنهاد کرد که در قبال خروج اورانیم‌های غنی‌سازی شده ایران از کشورمان تحریم‌های آمریکابر داشته‌شود. توافقات در این زمینه در مراحل نهایی بود که به‌صورت ناگهانی آمریکایی‌ها روند کار را متوقف کردند و به دنبال آن شدیدترین تحریم‌های اقتصادی را علیه ایران تا آن زمان وضع کردند. در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی ایران مذاکرات گسترده‌ای را با غرب در قالب گروه ۵+۱ انجام داد که به امضای توافقی به نام برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام منجر شد که غربی‌ها متعهد شدند در قبال اقدامات اعتمادساز ایران، بخش عمده‌ای از تحریم‌های خود علیه کشورمان را لغو کنند؛ ولی به فاصله کوتاهی بعد از امضای توافق بار دیگر آمریکایی‌ها تحریم‌های جدیدی را در حوزه‌های غیر مذاکره شده علیه ایران اعمال کردند که اعتراض جمهوری اسلامی هم بر این موارد تأثیر گذار نبود و در نهایت با به قدرت رسیدن ترامپ آمریکا به صورت یکجانبه از برجام خارج شد و تحریم‌های جدیدی را تحت عنوان فشار حداکثری علیه ایران وضع کرد. زمانی که بایلدن در سال ۲۰۲۰ به ریاست‌جمهوری آمریکارسید، همه تصور می‌کردند با توجه به نطق‌های انتخاباتی خود به مجرد ورود به کاخ سفید به برجام باز می‌گردد؛ ولی جالب اینجاست که بایلدن نه تنها به برجام برنگشت؛ بلکه تحریم‌های

سایت‌ها و کانال‌های تلگرامی با انتشار اخباری امنیت روانی جامعه را برهم زدند. با توجه به جو روانی ایجاد شده پس از اقدام غیرقانونی اعمال مکانیسم‌هاش از سوی کشورهای اروپایی عضو برجام برخی کانال‌ها و سایت‌های خبری با فاصله بسیار اندک از رأی‌گیری در شورای امنیت سازمان ملل اقدام به تولید محتوای حساسیت برانگیز درباره افزایش قیمت‌ها کردند. اگر چه دادستانی تهران ضمن رصد فضای مجازی برای منتشرکنندگان ادعای مورد اشاره برونده قضایی تشکیل داد، اما همچنان باید رصد و مراقبت در این بخش صورت بگیرد.

۶- استراتژی هوشمندانه، مانند اقتصاد مقاومتی می‌تواند تعادل قدرت را بازسازی کند. فشار حداکثری دوره جدید که با اسنپ‌بک آغاز می‌شود در دل تحریم‌ها هم می‌توان فرصت‌سازی کرد. تحریم‌ها می‌توانند محرکی برای اقتصاد مقاومتی باشند تا این راهبرد چندین ساله به عملیاتی شدن نزدیک‌تر شود.

۷- گسترش تجارت غیر نفتی با چین (افزایش ۳۰ درصدی حجم تجارت دوجانبه در ۲۰۲۵) و روسیه (توافق‌های تهاتری در چارچوب بریکس)، مسیرهای دور زدن تحریم‌ها را هموار کرده است. وابستگی کمتر به دلار از طریق استفاده از یوان و روبل، نه تنها تهدید را خنثی می‌کند، بلکه ایران را به هاب ژئوپلیتیکی شرق تبدیل می‌کند.

در پایان باید بیان کرد، بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران با حمایت اروپایی، حمایت آشکار از رژیم اشغالگر صهیونیستی به شمار می‌آید و نشانه‌ای از شکست تجاوز اخیر علیه ایران است. اگر دشمن به اهدافش در جنگ ۱۲ روزه رسیده بود، به فعال‌سازی دوباره تحریم‌ها نیازی نبود. این اقدام همچنین نشان می‌دهد، فرانسه و بیشتر کشورهای اروپایی همچنان در هر شکل ممکن از دشمن صهیونیستی حمایت می‌کنند.

عبور از تحریم‌های نفتی، از پیشرفت‌های علمی در حوزه نانو و پزشکی تا دستیابی به فناوری هسته‌ای، همه و همه گواهی بر این حقیقت‌اند.

امروز نیز، با حفظ انسجام ملی، تقویت دیپلماسی فعال، و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، می‌توان از این مرحله عبور کرد. راه و راهکار هم کم نیست؛ تنوع‌بخشی به مبادی تجارت، تقویت پیمان‌های پولی دوجانبه، توسعه ظرفیت‌های تولید داخلی در کنار مراقبت جدی نسبت به عدم دامن‌زدن به مطالبات اقتصادی خارج از ظرفیت عملیاتی کشور به همراه افتاع افکار عمومی بذای همراهی با سیاست‌ها و برنامه‌های متناسب دولت برای عبور از این مرحله کمک شایانی خواهد کرد.

بهره‌سخن اینکه اسنپ‌بک، هر چند نامی سنگین دارد، اما با هوشیاری و مقاومت ملت و تدبیر و مدیریت دولتمردان می‌تواند به فرصتی برای تقویت استقلال و اقتدار ملی تبدیل شود. از این بزنگاه نیز به سلامت عبور خواهیم کرد، به شرط آنکه همچون گذشته، با صلابت و امید، در مسیر عزت باقی بمانیم؛ بدون شک نصرت الهی هم همه‌ها را ملت بزرگ و مسلمان ایران خواهد بود.

جدید دیگری را هم علیه ما وضع کرد و در نهایت ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود اعلام کرد که مایل است با ایران مذاکره کند و حتی نامه‌ای هم خدمت‌رهبر معظم انقلاب نوشت. جمهوری اسلامی هم بار دیگر برای نشان دادن حسن نیت خود حاضر شد مذاکرات غیر مستقیم ما در کشور عمان با طرف

آمریکایی برگزار کند. غافل از اینکه مذاکرات یک عملیات فریب است و حصد فاصل دور پنجم و ششم مذاکرات ایران و آمریکا، رژیم صهیونیستی خاک کشورمان را مورد تجاوز قرار داد. خط آب این‌ا تاریخچه آمریکا قابل اعتماد است و آیا اساساً از مذاکره با این کشور جز ضرر چیزی برای کشور ما به دنبال خواهد داشت. در پایان تونیت سایت رهبر معظم انقلاب پس از پایان جلسه شورای امنیت سازمان ملل و عدم رأی به طرح پیشنهادی روسیه و چین را می‌آوریم که نوشته‌اند: «طرف مقابل ما در همه چیز خلف وعده می‌کند در همه چیز دروغ می‌گوید و با فریب وقت می‌بوی وقت تهدید نظامی می‌کند اگر دست‌شان برسد اشخاص ما همچون شهید سلیمانی را ترور یا مراکز هسته‌ای را بمباران می‌کند با این طرف نمی‌شود مذاکره کرد نمی‌شود با اطمینان و اعتماد نشست و قرار گذاشت.»

صخره مقاومت

غروب سوم مهرماه ۱۴۰۴ (۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵)، هنگامی که خورشید در خلیج بیروت غروب می کرد، صخره الروشه، آن نماد استوار لبنان، به صحنه‌ای از نور، حماسه و اراده بدل شد. هزاران نفر از شیعیان، از محله‌های جنوبی ضاحیه تا روستاهای دورافتاده بقاع، گرد هم آمدند تا سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله را گرامی بدارند. تصاویر عظیم شهید سیدحسن نصرالله و سیده‌هاشم صفی‌الدین بر صخره تابانده شد و جمعیت، با شعارهای وحدت و پایداری، فریاد می‌زدند: «مقاومت، روح پتنده لبنان است!» این مراسم، با مجوز محدود برگزار شده بود. اما این لحظه‌های نورانی به سرعت زیر سایه‌ای سنگین قرار گرفت. «نواف سلام» نخست‌وزیر لبنان که به نزدیکی با غرب و به‌ویژه آمریکا شهره است، این تجمع را «تخطی آشکار» خواند و خواستار دستگیری برگزارکنندگان شد. او این مراسم را «انقلابی غیرقانونی» نامید و وزرای کشور، دادگستری و دفاع را به اقدام سریع فراخواند. این واکنش تند، نشانه‌ای از شکاف عمیق داخلی و تلاش دولت برای اجرای دستورات خارجی است؛ دستوری که هدفش شکستن ستون فقرات مقاومت و تسلیم لبنان به خواست‌های رژیم صهیونی است.

هراس از نصرالله

برای درک این تقابل، باید به نقش تاریخی سیدحسن نصر الله نگریست. او که در سپتامبر ۲۰۲۴ در عملیات تروریستی رژیم صهیونی به شهادت رسید، نه تنها رهبر حزب‌الله، بلکه نماد ایستادگی لبنان بود. نصرالله در سال ۲۰۰۰ جنوب لبنان را از اشغال آزاد کرد و در جنگ‌های بعدی، حزب‌الله را به دژی نفوذناپذیر بدل کرد. شهادتش، همراه با هزاران لبنانی دیگر، زخمی عمیق بر جامعه شیعی وارد کرد، اما به جای تسلیم، موجی از همبستگی آفرید. مراسم‌های پراکنده در ضاحیه، حاره حریک و بقاع، با وجود محدودیت‌های دولتی، آرام و معنوی برگزار شد و بر وحدت ملی تأکید داشت. این همبستگی برای دولت سلام، که از ژانویه ۲۰۲۵ با حمایت آمریکا و عربستان به قدرت رسید، تهدیدی بزرگ است. خروج وزرای حزب‌الله و جنبش امل از جلسات کابینه بر سر موضوع خلع سلاح، نشانه این شکاف است. واکنش تند سلام به مراسم صخره الروشه، تلاشی برای سرکوب نمادهای مقاومت است؛ تلاشی که از هراس عمیق دولت از نفوذ معنوی نصرالله و محبوبیت حزب‌الله سرچشمه می‌گیرد.

سایه نفوذ خارجی

ممنوعیت مراسم نصرالله، بخشی از طرحی گسترده‌تر با فشارهای خارجی است. ایالات متحده، از طریق «توماس باراک» فرستاده ویژه‌اش، خلع سلاح حزب‌الله را پیش شرط کمک‌های اقتصادی از قطر و عربستان قرار داده است. باراک لبنان را «زمین



بازی» برای مهار حزب‌الله خواند و خواستار پایان نقش این حزب در دفاع از جنوب شد. این طرح، که در تابستان ۲۰۲۵ تدوین شد، ارتش لبنان را موظف به «پاکسازی» مناطق جنوبی، بیروت و بقاع از سلاح‌های مقاومت تا پایان سال کرده است. این فشارها، در راستای منافع رژیم صهیونیستی است که با نقض آتش‌بس ۲۰۲۴، حملات پهبادی و بمباران را ادامه می‌دهد. دولت سلام، که بر «اصلاحات امنیتی» تأکید دارد، به مهره‌ای در این بازی بدل شده است. این دولت، به جای حل بحران اقتصادی با تورم ۲۰۰ درصدی و فروپاشی زیرساخت‌ها، سیاست‌هایی را پیش می‌برد که تمامیت ارضی لبنان را تهدید می‌کند. حملات اخیر رژیم صهیونیستی، مانند بمباران بنی جیل، نشان می‌دهد خلع سلاح، نه امنیت، بلکه دعوتی به تجاوزات بیشتر است.

مقاومت و مدارا

جامعه شیعی، با هدایت حزب‌الله، مسیر مدارا و پایداری را برگزیده است. «شیخ نعیم قاسم» تأکید کرد، مقاومت تا پایان اشغال ادامه خواهد داشت. حزب‌الله، که در انتخابات ۲۰۲۵ حمایت گسترده‌ای کسب کرد، از رویارویی با دولت پرهیز می‌کند تا وحدت ملی حفظ شود. این گروه با شبکه خدمات اجتماعی، از بیمارستان‌ها تا کمک‌های معیشتی، گفت‌وگوی ملی را تقویت می‌کند، اما خلع سلاح را خط قرمز می‌داند.

قهرمانی آزادگان جهان!

یک گروه حاشیه‌ای به بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار قدرت لبنان تبدیل کرد.

یکی دیگر از ابتکارات سیاسی نصرالله، تشکیل ائتلاف فراگیر ۸ مارس بود. پس از پیروزی‌های نظامی حزب‌الله در سال ۲۰۰۴ و عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان و همچنین موفقیت در تبادول اسرا در سال ۲۰۰۴، محبوبیت نصرالله و حزب‌الله در لبنان افزایش یافت. این محبوبیت، نگرانی‌هایی را برای نیروهای نزدیک به غرب، آمریکا و عربستان ایجاد کرد. ترور «رفیق حریری»، نخست‌وزیر وقت لبنان در سال ۲۰۰۵، بهانه‌ای شد تا مخالفان حزب‌الله، انگشت اتهام را به سمت این جنبش و سوریه نشانه بگیرند. در پاسخ، مخالفان مقاومت با راهاندازی «انقلاب سدر» خواستار خروج نیروهای سوری از لبنان و خلع سلاح حزب‌الله شدند. نصرالله که خطر از دست دادن خیابان‌های لبنان را به‌خوبی درک می‌کرد، در ۸ مارس ۲۰۰۵ فراخوانی برای تجمع طرفداران مقاومت داد. نتیجه، حضور نزدیک به یک میلیون نفر در خیابان‌های بیروت بود که به تشکیل گیری ائتلاف ۸ مارس منجر شد. نکته قابل توجه دیگر، توانایی نصرالله در تبدیل مخالفان قدیمی به متحدان بود. نمونه بارز این موضوع، «میشل عون» فرمانده سابق ارتش لبنان بود که در دهه ۱۹۸۰ با نیروهای شیعه و فلسطینی درگیر بود و پس از درگیری با نظام «حافظ اسد» به فرانسه تبعید شده بود. نصرالله با ایزنی‌های هوشمندانه، زمینه بازگشت عون به لبنان را فراهم کرد و در سال ۲۰۰۶، طی تقاضی در کلیسای مار مخایل، عون به ائتلاف ۸ مارس پیوست. این ائتلاف بعدها به انتخاب عون به‌عنوان رئیس جمهور لبنان در سال ۲۰۱۶ منجر شد. جریان المرده به رهبری سلیمان فرنجه نیز نمونه دیگری از گروه‌های مسیحی بود که با هدایت نصرالله به مقاومت پیوست. این گروه‌ها در جنگ ۲۰۰۶ حمایت‌های قابل توجهی از حزب‌الله و آوارگان شیعه ارانه کردند.

از گروه چریکی به شبه‌ارتش

زمانی که نصرالله در سال ۱۹۹۲ رهبری حزب‌الله را بر عهده گرفت، این گروه از نظر نظامی تنها به سلاح‌های سبک و موشک‌های کاتیوشا محدود بود. توافق طائف در سال ۱۹۸۹، خلع سلاح همه گروه‌های شبه‌نظامی را الزامی کرده بود، اما حزب‌الله به دلیل نقشش در مقاومت علیه اشغالگری رژیم صهیونی، از این قاعده مستثنی شد. با این حال، یک سال پس از انتخاب نصرالله، حزب‌الله در سال ۱۹۹۳ با رژیم صهیونی وارد نبردی سخت شد.

در این درگیری، پس از حمله رژیم صهیونی به یک روستای آوارگان در مرز لبنان، حزب‌الله برای اولین بار با موشک‌های کاتیوشا مناطق مرزی و شهری رژیم صهیونی را هدف قرار داد. «نیکلاس بلافورد» پژوهشگر غربی، در کتاب خود درباره این نبرد

نصرالله

ویژه اولین سالگرد شهادت دبیر کل حزب الله لبنان

«سیدحسن نصرالله» نامی که با مقاومت و ایستادگی در برابر اشغالگری گره خورده، از محله‌های فقیرنشین شرق بیروت برخاست و به نمادی جهانی برای مبارزه با ظلم تبدیل شد. او که ریشه در روستای بازوره در جنوب لبنان داشت، از کودکی با رنج‌ها و محرومیت‌های جامعه شیعه لبنان آشنا بود. خانواده‌اش به دلیل اشغال جنوب لبنان به دست رژیم صهیونی به بیروت مهاجرت کرده بودند، جایی که فقر و محرومیت، هویت اولیه نصرالله را شکل داد. این تجربه‌های تلخ، بدر مبارزه‌ای را در او کاشت که ابتدا محلی بود، اما به تدریج به آرمانی جهانی بدل شد.

از جوانی تا تأسیس حزب‌الله

شهید نصرالله در سال‌های نوجوانی به جنبش امل پیوست، جایی که مفاهیم عدالت اجتماعی و مقاومت را از طریق اندیشه‌های امام موسی صدر و آموزش‌های شهید سیدعباس موسوی فراگرفت. این دو شخصیت، که خود از شاگردان آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر بودند، نقش مهمی در شکل‌گیری نگاه مبارزاتی نصرالله داشتند. اما ربوده شدن امام موسی صدر در لیبی و اختلافات ایدئولوژیک در جنبش امل، نصرالله و یارانش را به سمت تأسیس حزب‌الله سوق داد. در آن زمان، لبنان درگیر جنگ داخلی و اشغال بخش‌هایی از خاک خود به دست رژیم صهیونی بود. حزب‌الله در چنین فضایی متولد شد؛ نه به منزله یک سازمان بین‌المللی، بلکه با هدف پاسخی به اشغالگری و مظلومیت شیعیان لبنان. حزب‌الله در ابتدا با هدف دفاع از جنوب لبنان و مبارزه با اشغالگران صهیونیستی و مزدوران‌شان، مانند ارتش لبنان جنوبی به رهبری «آنتوان لحد» شکل گرفت. جنگ داخلی لبنان که از سال ۱۳۵۴ آغاز شده بود، به تدریج به برادرکشی میان گروه‌های گوناگون تبدیل شد. این درگیری‌ها، که با دخالت‌های خارجی و قدرت‌طلبی‌های داخلی تشدیدشده‌بود، حزب‌الله و جنبش امل را نیز درگیر خود کرد؛ اما با امضای پیمان طائف در سال ۱۳۶۸، جنگ داخلی پایان یافت و حزب‌الله به رهبری «سیدعباس موسوی» وارد مرحله جدیدی شد. پس از شهادت موسوی در سال ۱۳۷۰، نصرالله جوان به عنوان دبیرکل انتخاب شد. او با درس گرفتن از تجربه‌های جنگ داخلی، اتحاد میان گروه‌های شیعی را تقویت و حزب‌الله را به نیرویی محوری در لبنان تبدیل کرد.

نقطه عطف مقاومت

سیدحسن نصرالله با رهبری هوشمندانه‌اش، حزب‌الله را از یک گروه چریکی به نیرویی سازمان‌یافته و تأثیرگذار تبدیل کرد. پس از ۱۸ سال مبارزه بی‌وقفه، حزب‌الله در ۵ خرداد ۱۳۷۹ موفق شد جنوب لبنان را از اشغال رژیم صهیونی آزاد کند. این پیروزی نه تنها خاک لبنان را آزاد کرد، بلکه افسانه شکست‌ناپذیری ارتش رژیم صهیونی را نیز در هم شکست. شهید نصرالله با درک اهمیت حضور در ساختار سیاسی، حزب‌الله را در سال ۱۳۷۱ وارد انتخابات پارلمانی کرد. این تصمیم منجر به کسب ۱۲ کرسی در مجلس شد و حزب‌الله را به یک بازیگر سیاسی قدرتمند تبدیل کرد. او همچنین نهادهای خدماتی، آموزشی و فرهنگی را تأسیس کرد تا حزب‌الله به «دولتی در سایه» بدل شود که هم در خدمت‌رسانی به مردم فعال بود، هم اسلحه در دست داشت و هم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی پایتخت نقش ایفا می‌کرد. شهید نصرالله با تأکید بر وحدت ملی، تلاش کرد حزب‌الله را نه فقط نماینده شیعیان، بلکه مدافع همه لبنانی‌ها معرفی کند. این رویکرد، محبوبیت حزب‌الله را در میان طوایف گوناگون لبنان، از شیعه و سنی تا مسیحی و دروزی افزایش داد.

چالش‌های سیاسی و فتنه‌های خارجی

آزادی جنوب لبنان، حزب‌الله را به الگویی برای مقاومت در منطقه تبدیل کرد. ایسن موفقیت،

۳

پیوست

شماره ۱۲۰۶ | دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴

صداقت

مبارزه بی‌وقفه

نگاهی به زندگی سیدحسن نصرالله، از خاک لبنان تا قله‌های مقاومت

الهام‌بخش انتفاضه‌های فلسطینی شد و جایگاه حزب‌الله را به منزله یک نیروی منطقه‌ای تثبیت کرد؛ اما ایسن محبوبیت، دشمنان را به تکاپو واداشت. ترور «رفیق حریری»، نخست‌وزیر پیشین لبنان در ۲۶ بهمن ۱۳۸۳، موجی از اتهامات علیه حزب‌الله به راه انداخت. شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۱۵۹۵ خواستار خلع سلاح حزب‌الله شد، اما نصرالله با تأکید بر نقش مقاومت در دفاع از امنیت ملی لبنان، این درخواست را رد کرد. او در سخنرانی‌هایش استدلال می‌کرد که خلع سلاح حزب‌الله به معنای تضعیف لبنان در برابر تهدیدهای خارجی است. در همین زمان، حزب‌الله با تکیه بر حمایت مردمی، توانست در ۸ مارس ۱۳۸۳ تظاهرات عظیمی را در بیروت سازماندهی کند. این نمایش قدرت، پاسخی به مخالفانی بود که در ۱۴ مارس همان سال به خیابان‌ها آمده بودند. این تنش‌ها عمق شکاف‌های سیاسی در لبنان را نشان می‌داد، اما نصرالله با درایت، مانع از تبدیل شدن این اختلافات به درگیری‌های داخلی شد.

نمایش قدرت مقاومت

جنگ ۳۳ روزه در سال ۱۳۸۵، آزمونی بزرگ برای حزب‌الله بود. در حالی که لبنان از نظر سیاسی ملتهب بود و ارتش سوریه پس از سه دهه از این کشور خارج شده بود، رژیم صهیونی حملات گسترده‌ای را علیه لبنان آغاز کرد. حزب‌الله با استفاده از تاکتیک‌های چریکی و تسلیحات پیشرفته، مقاومت کرد و ضربات سنگینی به ارتش رژیم صهیونیستی وارد آورد. نابودی ناو صهیونی در ساحل بیروت و انهدام تانک‌های مرکاوا در جنوب لبنان، قدرت نظامی حزب‌الله را به رخ کشید. این جنگ، که در لبنان به «جنگ تموز» معروف است، نه تنها طرح «خاورمیانه جدید» آمریکا و رژیم صهیونی را ناکام گذاشت، بلکه حزب‌الله را به نماد مقاومت در جهان عرب تبدیل کرد.

راهبرد حفظ محور مقاومت

حضور حزب‌الله در جنگ‌های سوریه و عراق و در برابر نیروهای داعش، تصمیم استراتژیکی بود که نصرالله برای حفظ محور مقاومت اتخاذ کرد. شهید نصرالله این تصمیم را با هدف دفاع از مظلومان منطقه و جلوگیری از گسترش تروریسم اتخاذ کرد. این اقدام توانایی‌های نظامی حزب‌الله را تقویت کرد و جایگاه آن را به منزله یک بازیگر کلیدی در معادلات منطقه‌ای تثبیت کرد.

حمایت از فلسطین

در ۱۶ مهر ۱۴۰۲، پس از عملیات «طوفان الاقصی» با تلاش حماس، حزب‌الله به دستور نصرالله وارد نبرد با رژیم صهیونی در مرزهای لبنان شد. نصرالله این عملیات را «زلزله‌ای» در ساختار سیاسی و نظامی رژیم صهیونی توصیف و اعلام کرد، جبهه لبنان برای حمایت از مقاومت فلسطین فعال شده است. او با ارائه آمار‌هایی نشان داد، حضور حزب‌الله در مرز، یک‌سوم ارتش رژیم صهیونی را به خود مشغول کرده و شهرک‌های شمالی فلسطین اشغالی را خالی از سکنه کرده است. این اقدامات، فشار بر حماس در غزه را کاهش داد و توان تل آویویرای تمرکز بر جنگ غزه را تضعیف کرد.

میراث ماندگار

در مهر ۱۴۰۳، رژیم صهیونی با حملاتی وحشیانه، از انفجار پیچ‌های دستکاری‌شده تا بمباران گسترده لبنان، تلاش کرد حزب‌الله را تضعیف کند. در ششم مهر، تانیا‌هو دستور بمباران محل حضور نصرالله با ۸۰ تن بمب سنگرشکن را صادر کرد. سیدحسن نصرالله پس از ۳۲ سال رهبری، به شهادت رسید؛ اما میراث او، مقاومتی بود که نه تنها لبنان را آزاد کرد، بلکه الهام‌بخش مبارزه برای آزادی فلسطین شد. رزمندگان حزب‌الله، همان‌گونه که نصرالله گفته بود، تحت هر سنگ و آواری به حمایت از فلسطین ادامه دادند.

دیگران**قلمرو پیچیده سیاست گذاری!****هانتز رئا**

تحلیلگر سایت StatePress

در عرصه سیاست گذاری، بازیگرانی تأثیرگذار، اما اغلب ناشناس حضور دارند که با عنوان «سیاست‌آفرین» شناخته می‌شوند؛ اینان کارگزاران تغییری هستند که با وجود نقش کلیدی‌شان در شکل‌دهی به قوانین و مقررات، تعریف دقیق و جامعی از جایگاهشان حتی در میان متخصصان وجود ندارد. سیاست‌آفرینان، همانند همتایان خود در دنیای تجارت، با سرمایه‌گذاری منابع ارزشمندی، چون «زمان، انرژی، اعتبار و گاهی پول» تلاش می‌کنند ایده‌های خود را به سیاست‌های اجرایی تبدیل کنند، با این امید که در آینده به بازگشتی مطلوب، اعم از تحقق یک هدف اجتماعی یا کسب نفوذ راهبردی دست یابند. این مفهوم که اولین بار «جان کینگدان»، دانشمند علوم سیاسی آن را مطرح کرد، بخش وسیعی از افراد، از دانشمندان و پژوهشگران متخصص گرفته تا مقامات منتخب و فعالان اجتماعی دغدغه‌مند را در بر می‌گیرد. ویژگی مشترک و محوری همه آنها، تلاش مستمر برای شناسایی و بهره‌برداری از پنجره‌های فرصت‌سیاستی و پیشبرد دستورکارهای‌شان در زمان مناسب است. نمونه بارز یک سیاست‌آفرین موفق، «آرتور روزنفلد» فیزیکدانی بود که دریافت بسا افزایش بهره‌وری انرژی در یخچال‌ها می‌توان ایالت کالیفرنیا را از ساخت پر هزینه و پرخطر نیروگاه‌های هسته‌ای جدید بی‌نیاز کرد. او با پیگیری بی‌وقفه و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی هوشمندانه، نه تنها استانداردها را برای بهینه‌سازی مصرف انرژی تغییر داد، بلکه مدل سودآوری شرکت‌های برق را نیز به گونه‌ای متحول کرد که بر کاهش مصرف متمرکز شوند تا فروش بیشتر برق.

اهمیت نقش سیاست‌آفرینان زمانی آشکارتر می‌شود که به محدودیت‌های ساختاری و زمانی سیاست‌گذاران رسمی توجه کنیم. به گفته «اریکا گلدمن» مدیر سیاست‌گذاری علم در فدراسیون دانشمندان آمریکا، سیاست‌گذاران افرادی فوق‌العاده پرمشغله هستند و هر دقیقه از روزشان با جلسات متعدد پر شده است. یک کارمند ارشد در کشوره ممکن است مسئولیت رسیدگی به بیش از ده حوزه سیاستی را بر عهده داشته باشد. این تراکم کاری و گستردگی موضوعات، یک خلا اطلاعاتی و زمانی ایجاد می‌کند که سیاست‌آفرینان با ارائه تحلیل‌های متمرکز، شواهد علمی و راه‌حل‌های آماده، آن را به شکلی کارآمد پر می‌کنند. در واقع، هنر یک سیاست‌آفرین، «بازاریابی برای پژوهش‌های خود» نزد سیاست‌گذاران و تبدیل دانش تخصصی به یک روایت سیاسی قابل فهم و قانع‌کننده است. به تعبیر «مایکل مینتروم»، استاد سیاست‌گذاری عمومی، برای تأثیرگذاری نیازی نیست که یک دانشمند برجسته و شاخص باشد؛ بلکه می‌توان از سطح محلی و با تعریف یک هدف مشخص و دست‌یافتنی شروع کرد. این افراد شاید در ابتدا چندان سیاسی نباشند، اما برای موفقیت در پیشبرد اهدافشان، ناگزیرند مهارت‌های کنشگری سیاسی را بیاموزند. با وجود این تأثیرگذاری مستند، ابهام در مورد چستی این نقش و چگونگی ورود به آن همچنان پابرجاست. برخلاف سایر جایگاه‌های بانفوذ در ساختار قدرت، مسیر تبدیل شدن به یک سیاست‌آفرین و صلاحیت‌های مورد نیاز آن مبهم باقی مانده است؛ وضعیتی که برای نقشی که در میانه دو دنیای دقیق علم و سیاست قرار گرفته، بسیار غیرعادی و تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد.

بررسی نقش سیاست‌آفرینان در فرایند سیاست‌گذاری

تخصیص منابع عمومی بر خوردار است؛ مانند هیئت دولت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا اعضای شوراهای عالی. عملکرد این نهادها در چارچوب قوانین و مقررات مشخص و در معرض نظارت عمومی و نهادهی قرار دارد. در مقابل، سیاست‌آفرین لزوماً جایگاه رسمی و قدرت قانونی ندارد و محتوای عضو خانواده یک سیاست‌گذار یا مقام مسئول باشد؛ در واقع او یک کارگزار تغییر است که با شناسایی یک مسئله یا شکاف سیاستی یا یک مسئله مغفول‌مانده، تلاش می‌کند آن را به دغدغه عمومی تبدیل کرده و راه‌حل مدنظر خود را به سیاست‌گذاران بقبولاند. ابزارهای او نه قدرت قانونی، بلکه قدرت اقناع، شبکه‌سازی، روایت‌پردازی جذاب، ارائه شواهد گزینشی یا جامع و ایجاد ائتلاف‌های راهبردی حول موضوع هدف است. در این زمینه نظریه «جریان‌های چندگانه» که «جان کینگدان» ارائه کرده، این فرایند را به‌خوبی توصیف می‌کند. از منظر او، تغییرات سیاستی بزرگ زمانی رخ می‌دهد که سه جریان مستقل («شناسایی یک مشکل»، «راه‌حل» (وجود گزینه‌های سیاستی مشخص) و «سیاست» (فضای سیاسی مساعد) در یک «پنجره فرصت» با یکدیگر تلاقی کنند. هنر و مهارت سیاست‌آفرین، رصد کردن محیط و شناسایی این پنجره‌های فرصت و سپس، پیوند زدن سریع این سه جریان به یکدیگر است. بنابراین، سیاست‌آفرینان در مراحل حساس پیشادستورکار و تدوین گزینه‌ها نقشی حیاتی دارند، درحالی‌که سیاست‌گذاران در مرحله تصمیم‌گیری نهایی و اجرای سیاست ایفای نقش می‌کنند.

◆ قهرمان نوآور یا اسیر ساختارها؟

تحلیل نقش سیاست‌آفرینان، ما را به یکی از مناقشات بنیادین در علوم اجتماعی، یعنی تقابل میان «عاملیت فردی» و «ساختارهای حاکم»، رهنمون می‌کند. آیا سیاست‌آفرین یک قهرمان نوآور و کنشگر آزاد است که می‌تواند تاریخ را رقم بزند، یا مهرهای منفعل در یک بازی بزرگ‌تر است که قواعد آن را ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تعیین می‌کنند؟ در این زمینه، مقاله «نقش سیاست‌آفرینان در فرایند سیاست‌گذاری؛ بررسی تقابل عوامل فردی و ساختاری» اثر «علی خواجه نائینی» منتشر شده در فصلنامه «سیاست» خواندنی است. بر اساس پژوهش خواجه نائینی برخی چارچوب‌های نظری، مانند الگوی کینگدان، بر قدرت، خلاقیت و اراده فردی سیاست‌آفرین در شکل‌دهی به سرنوشت سیاست‌ها تأکید دارند. از این منظر، تاریخ سیاست‌گذاری، تاریخ تلاش‌ها و موفقیت‌ها یا شکست‌های افراد برجسته است. در مقابل، نظریاتی مانند «چارچوب ائتلاف حامی» بر نقش مسلط ساختارهای نهادی، نظام‌های اعتقادی ریشه‌دار و توزیع قدرت میان ائتلاف‌های رقیب تأکید ورزیده و معتقدند، کنشگران در چارچوب‌های از پیش تعیین‌شده‌ای عمل می‌کنند

که آزادی عمل آنها را به‌شدت محدود می‌کند. از این دیدگاه، تغییرات سیاستی معمولاً کند، تدریجی و حاصل یادگیری درون ائتلاف‌ها یا شوک‌های بیرونی به سیستم است، نه صرفاً اراده یک فرد. اما واقعیت، همچون همیشه، در میانه این دو طیف قرار دارد. یک سیاست‌آفرین موفق، فردی است که ضمن برخورداری از مهارت‌های فردی، مانند کاریزما، پشتکار و تفکر راهبردی، شناخت عمیق و دقیقی از ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اداری حاکم دارد. او می‌داند چگونه از فرصت‌ها، شکاف‌ها و تضادهای موجود در این ساختارها برای پیشبرد اهداف خود بهره‌برداری کند. او نه یک بازیگر کاملاً آزاد است که بتواند هر آنچه می‌خواهد به کرسی بنشاند و نه یک مهره منفعل؛ بلکه یک استراتژیست هوشمند است که در یک زمین بازی با قواعد مشخص، بهترین حرکت ممکن را برای رسیدن به هدف طراحی و اجرا می‌کند.

◆ منافع شخصی در مقابل منافع ملی!

پر واضح است که هر پدیده‌ای آسیب‌هایی هم دارد؛ بنابراین، آسیب‌شناسی این پدیده در نظام حکمرانی کشورمان اهمیت مضاعف می‌یابد. در غیاب سازوکارهای نهادینه‌شده، شفاف و رقابتی برای کانالیزه کردن ایده‌های سیاستی (مانند اکوسیستم اندیشکده‌ای)، میدان برای انواع سیاست‌آفرینان باز است. اما در حالی که مرزهای این نقش مبهم باشد، افراد و گروه‌هایی می‌توانند با تکیه بر قدرت مالی، نفوذ رسانه‌ای یا رانت‌های سیاسی و روابط خونی و خانوادگی، در جایگاه سیاست‌آفرین قرار گیرند، بدون آنکه از تخصص، تعهد به منافع ملی یا فهم راهبردی لازم برخوردار باشند. خطر اصلی و راهبردی زمانی پدیدار می‌شود که یک سیاست‌آفرین دچار «تعارض منافع» باشد؛ یعنی منافع شخصی، خانوادگی، صنفی یا جناحی او در تضاد بنیادین با منافع کلان ملی قرار گیرد. در چنین وضعیتی، حتی اگر فرد نیت سونی نداشته باشد، به‌صورت ناخودآگاه یا بر اساس سوگیری‌های شناختی، راه‌حلی را ترویج خواهد داد که در وهله اول تأمین‌کننده منافع گروهی خاص است، هر چند در کوتاه‌مدت یا بلندمدت به شاکله اقتصاد، امنیت یا انسجام اجتماعی کشورمان لطمه بزند. این پدیده که از آن با عنوان «تسخیر سیاست» نیز یاد می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای حکمرانی خوب است. تجربیات جهانی و داخلی مملو از سیاست‌هایی است که در لابی‌گری و نفوذ سیاست‌آفرینان دچار تعارض منافع ریشه داشته است؛ از وضع تعرفه‌های تجاری که به سود یک صنعت ناکارآمد و به زیان عموم مصرف‌کنندگان تمام شده، تا تصویب طرح‌های توسعه‌ای که منافع زیست‌محیطی بلندمدت و حقوق نسل‌های آینده را قربانی سود کوتاه‌مدت پیمانکاران و گروه‌های خاص کرده است؛ مانند بسیاری از پروژه‌های سدسازی و انتقال آب بین حوضه‌ای در دهه‌های

◆ اندیشکده**سیاست‌گذاری نقشه می‌خواهد!**

خاص وابسته کند، یک اصلاح ساختاری که یک نهاد امنیتی کلیدی را تضعیف کند، یا یک روایت تاریخی که به شکاف‌های اجتماعی دامن بزند. سیاست‌آفرین در این سناریو، نه یک خائن، بلکه یک اسب تروآی فکری است که بدون آنکه خود بداند، حامل یک دستور کار پنهان است.

از این‌رو، شناسایی و شناخت دقیق اکوسیستم سیاست‌آفرینی کشور، یک ضرورت انکارناپذیر برای دستگاه‌های مسئول در حوزه امنیت ملی است. این شناخت به معنای ایجاد یک نقشه راهبردی از جریان ایده‌ها است. باید مشخص شود که بازیگران کلیدی این عرصه چه کسانی هستند، شبکه‌های ارتباطی آنها چیست، منابع مالی و فکری‌شان از کجا تأمین می‌شود و چه ایده‌هایی را در کدام حوزه‌ها ترویج می‌کنند. این اقدام، یک عملیات ضدجاسوسی معمول نیست، بلکه یک اقدام هوشمند راهبردی برای صیانت از زیرساخت‌های حیاتی شناختی کشور است. هدف، ایجاد شفافیت در اکوسیستم ایده‌پردازی است تا مشخص شود هر ایده‌ای از کدام آبشخور

گذشته که امروز عوارض آن گریبانگیر کشور و ملت است.

◆ مسیر پیش‌رو

در جمع‌بندی آنچه بیان شد باید گفت، سیاست‌آفرینی یک واقعیت انکارناپذیر و وجه مغفول در تحلیل‌های رایج سیاست‌گذاری است. پویایی، نوآوری و کارآمدی هر نظام سیاسی، به توانایی آن در جذب، پالایش و به‌کارگیری ایده‌های خلاقانه سیاست‌آفرینان بستگی دارد. با این حال، مهم‌ترین شاخصه برای ارزیابی سیاست‌آفرین و اعتبارسنجی ایده او، نه صرفاً هوش، خلاقیت یا قدرت شبکه‌سازی، بلکه میزان همسویی عمیق، مستدل و اثبات‌شده‌وی با «منافع ملی» است. بر این اساس، ضروری است نظام حکمرانی کشورمان با درک این پیچیدگی، گام‌های راهبردی مشخصی را در دستور کار قرار دهد.

نخست، باید با تقویت نظام‌مند اندیشکده‌های مستقل و مراکز پژوهشی تخصصی متصل به نهادهای حاکمیتی، کانال‌های رسمی، شفاف و رقابتی برای دریافت و پالایش ایده‌های سیاستی ایجاد کرد. این کار با ایجاد یک بazar ایده‌های سالم، از انکای خطرناک به کنشگران غیررسمی و فاقدشناسنامه‌می‌کاهد.

دوم، تدوین و اجرای قوانین سخت‌گیرانه برای شناسایی، اعلام و مدیریت تعارض منافع برای تمام افرادی که در حلقه‌های مشورتی، کارشناسی و فرایندهای تدوین سیاست مشارکت دارند، امری حیاتی و فوری است. انتصاب یا به‌کارگیری افرادی که منافع شخصی، خانوادگی یا گروهی‌شان با مسئولیت ملی آنها در تضاد قرار دارد، یکی از بزرگ‌ترین خطاهای راهبردی است که می‌تواند اعتماد عمومی و بنیان‌های امنیت ملی را دچار فرسایش کند. برای نمونه، اگر کسب‌وکار و منافع اقتصادی من نگارنده و بستگانم مبتنی بر کسب پورسانت قطع درختان و فروش چوب آنها باشد، به‌کارگیری من به عنوان دبیر یا رئیس شورای عالی صیانت از جنگل‌ها و درختان یک خطای راهبردی خواهد بود! به طور کلی هدف از ذکر این مثال کنایه‌آمیز بیان این نکته است که سیاست‌گذاران و مدیران ارشد خود باید به این توانمندی تحلیلی مجهز شوند که در مواجهه با هر طرح یا ایده سیاستی، پیش از هر چیز این سؤال بنیادین را بپرسند: «این سیاست قرار است کدام مسئله واقعی ملی را حل کند؟ چه کسانی از آن نفع می‌برند و هزینه‌های پیدا و پنهان آن در بلندمدت متوجه چه کسانی خواهد بود؟». بدون شک آینده کشورمان بیش از آنکه به تصمیمات درست لحظه‌ای وابسته باشد، به ایجاد ساختاری سالم، کارآمد و شفاف برای «ساختن» این تصمیمات وابسته است؛ ساختاری که در آن، صدای سیاست‌آفرینان متخصص و متعهد به منافع ملی، بلندتر و رساتر از هیاهوی گروه‌های ذی‌نفع و حاملان منافع خاص جناحی و جریانی شنیده‌شود.

فکری سیراب می‌شود.

نکته کلیدی و ظریف در این میان، ایجاد توازنی هوشمندانه میان «امنیت» و «نوآوری» است. هدف از این شناخت راهبردی، به هیچ وجه تحدید فضای خلاقیت، سرکوب ایده‌های نو یا ایجاد یک محیط امنیتی بسته نیست. چنین رویکردی خود یک تهدید امنیتی بزرگ‌تر است، زیرا کشور را به رکود راهبردی و ناتوانی در حل مسائل مبتلا می‌کند که این‌خودبزرگ‌ترین پیروزی برای دشمن است. برعکس، هدف، ایمن‌سازی این فضاست تا سیاست‌آفرینان اصیل و دغدغه‌مند بتوانند در محیطی سالم و شفاف فعالیت کنند و نظام تصمیم‌گیری کشور از آفت ایده‌های مسموم و جهت‌دهی شده بیگانگان مصون بماند. صیانت از فرایند سیاست‌گذاری، به معنای بستن پنجره‌ها نیست، بلکه به معنای نصب توری‌های هوشمندی است که اجازه می‌دهد هوای تازه نوآوری وارد شود، اما از ورود حشرات موزی نفوذ جلوگیری می‌کند. این امر، لازم‌ه حکمرانی امن و پویا در عصر پیچیده کنونی است.



فریدون حیدری حویق
کارشناس سیاسی

در ادبیات نوین حکمرانی، سیاست‌آفرینان موتورهای محرک نوآوری و کارگزاران اصلی تحول شناخته می‌شوند. این کنشگران، با شناسایی مسائل مغفول و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه، خون تازه‌ای به رگ‌های نظام تصمیم‌گیری تزریق می‌کنند و از این منظر، یک دارایی راهبردی برای پویایی و حل مشکلات کشور به شمار می‌آیند؛ اما از منظر امنیت ملی، هر کانال تأثیرگذاری غیررسمی و قدرتمندی، به‌طور بالقوه می‌تواند به یک نقطه آسیب‌پذیر تبدیل شود. در پارادایم جنگ ترکیبی، که در آن نبردها بیش از آنکه در میدان‌های نظامی رخ دهند، در عرصه‌های شناختی و ادراکی جریان دارند، تأثیرگذاری بر فرایند تفکر و صورت‌بندی گزینه‌ها در یک کشور هدف، ارزشی به‌مراتب بالاتر از عملیات‌های معمول

تحول توازن قوا در غرب آسیا

صبح صادق توافق امنیتی پاکستان- عربستان را واکاوی می کند

زهر ا توحیدیان

دبیر گروه بین الملل

در منطقه پرتلاطم غرب آسیا، هر روز یک شگفتانه جدید رونمایی می‌شود و کارشناسان و ناظران را متعجب می‌کند. آخرین مورد آن، اعلام «توافقتنامه دوجانبه استراتژیک دفاعی» جدید ازسوی عربستان سعودی و پاکستان است. این پیمان که طی دیدار نخست‌وزیر «شهbaz شریف» با تشریفات قابل توجهی در ریاض رسمیت یافت، فراتر از کلیشه‌های معمول اعلامیه‌های همکاری امنیتی و شامل تعهدی گسترده به دفاع متقابل است، و اگرچه متن آن منتشر نشده، برخی مقامات از دو طرف اشاره کردند که این معامله شامل تأمین بازدارندگی هسته‌ای گسترده می‌شود.

پاکستان، که یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌های دائمی جهان را در اختیار دارد، از دهه ۱۹۷۰ نیروهای نظامی قابل توجهی را در عربستان مستقر کرده و در موافقی به بیش از ده هزار نفر نیز رسیده است. نیروهای پاکستانی در طول جنگ خلیج فارس در دفاع از قلمرو و اماکن مقدس عربستان کمک کردند. همچنین، گزارش شده است پاکستان به طور مستمر نیروهایی را در نقش‌های آموزشی و مشاوره‌ای اعزام می‌کند که تعداد آنها امروزه بالغ بر

۱۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. ریاض نیز متقابلاً با ارائه نفت و وام در دوران فشار اقتصادی به اسلام‌آباد کمک کرده است. سؤال این است که این معامله از کجا سرچشمه گرفته و چرا اکنون رقم خورده است؟

اندیشکده «بروکینگز» در پاسخ به این پرسش می‌نویسد: «وسوسه‌انگیز است که این توافق جدید را پاسخی مستقیم به رویدادهای اخیر بدانیم، به ویژه حمله اسرائیل به قطر. این حمله، ترس ریاض درباره استفاده جسورانه اسرائیل از زور و تمایل ظاهری آمریکا را برای مهار نکردن اسرائیل، حتی زمانی که علیه یک شریک امنیتی کلیدی منطقه‌ای آمریکا و یک «متحد اصلی غیر ناتو» عمل می‌کند، برانگیخت. از سوی دیگر، سعودی‌ها به شدت از ماهیت دمدمی مزاحی فرآیند تصمیم‌گیری آمریکا در قبال غرب آسیا آگاه هستند؛ اگر تاکنون عربستان از رویکرد ترامپ علیه دیگر شرکای امنیتی و اقتصادی آمریکا، جان سالم به در برده، تنها به این دلیل است که مزایای اقتصادی بیشتری دارند.»

به نوشته این اندیشکده، برای پاکستان، منطق کاملاً متفاوت، اما به همان اندازه قانع‌کننده است. رهبری نظامی پاکستان درباره احتمال اتکای بیش از حد به یک حامی واحد، یعنی چین مضطرب بوده است. همچنین تعلیق فروش نظامی آمریکا

تحلیل

پهپاد جهانی!

تلاش کشورها برای کپی برداری از شاهد ایران

را «اقتصادی» و دارای نیازهای لجستیکی اندک توصیف می‌کند. «اروهد»، یک پهپاد هجومی دوربرد ساخته «گریفون ایروسیپس»، دارای شکل بال مثلثی مشابه شاهد است. شرکت مذکور می‌گوید این پهپاد برای تولید انبوه ساخته شده و می‌تواند به روش‌های گوناگون پرتاب شود.

روزنامه آمریکایی گزارش داد، پهپادهای شاهد و تقلیدکنندگان‌شان چنان همه‌گیر شده‌اند که شرکت‌هایی از جمله «گریفون» و شرکت سوئدی «ساب» اکنون پهپادهایی برای تمرین هدف‌گیری می‌فروشند که شبیه عملکرد تسلیحات ایرانی هستند؛ اما نیروی کار و مواد گران‌قیمت برای همه سازندگان پهپاد در غرب مشکل‌ساز است.

به گزارش وال‌استریت ژورنال، برخی کارشناسان نظامی، استفاده روسیه از شاهد‌ها در اوکراین نشان می‌دهد که غرب به گزینه‌های شبیه شاهد نیاز دارد تا موشک‌هایی که هر یک بیش از یک میلیون دلار هزینه دارند و بیش از یک سال برای ساخت زمان می‌برند.

به پاکستان و کاهش کمک‌های اقتصادی به این کشور، همراه با تلاش‌های هند برای پرورش روابط اقتصادی عمیق‌تر با کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس، اسلام‌آباد را منزوی کرده است. به زعم پاکستان، این پیمان ممکن است حمایت مالی پایدارتر و متنوع‌تری از عربستان سعودی را نهادینه کند؛ تعامل ریاض با دهلی نو در زمینه‌های دفاعی، فناوری و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را کاهش دهد؛ فرصت‌های جدیدی برای اعمال نفوذ بر هند در یک بحران دوجانبه ایجاد کند و به مردم خود و سایر کشورهای منطقه نشان دهد که مجموعه‌ای از شرکای خوب را ایجاد کرده و برای کمک‌های اقتصادی و امنیتی بیش از حد به چین وابسته نیست. به گفته تحلیل‌گران، صرف‌نظر از اینکه تفاهم دوجانبه هسته‌ای در کار باشد یا نباشد، پیمان اخیر دوجانبه می‌تواند دو پیامد استراتژیک داشته باشد؛ اول، ابهام در مورد بُعد هسته‌ای این توافق امنیتی، نوعی بازدارندگی خاص خود را ایجاد می‌کند که می‌تواند برای هر دو طرف تا حدودی مفید باشد.

دوم، این توافق می‌تواند به تقویت نوعی از ساختارهای نهادینه‌شده نظامی و اشتراک‌گذاری اطلاعات کمک کند که همکاری هسته‌ای را در درازمدت محتمل‌تر می‌کند، حتی اگر آن همکاری

پنجره

پشتیبانی از دشمن!

آمریکا با استار لینک در لبنان به دنبال چیست؟

به عنوان یک نمای اقتصادی ارائه می‌شود که می‌تواند نقش‌های نظامی و اطلاعاتی را پنهان کند. وقتی اینترنت دیگر از سوی دولت کنترل نشود و از طریق ماهواره‌های آمریکایی عبور کند، چه کسی می‌تواند تضمین کند که داده‌های لبنان بخشی از بانک داده آمریکا و رژیم صهیونیستی نشود؟

تجربیات در چندین کشور ثابت کرده است، این فناوری می‌تواند به سرعت به ابزاری مؤثر در میدان نبرد تبدیل شود. قابل توجه‌ترین مورد اوکراین است. این تجربه باعث شده است که کارشناسان، استارلینک را یک ابزار نظامی تمام عیار ببینند، حتی اگر در پوشش خدمات اینترنتی برای شهروندان باشد.

«رامسی ابوحمدان» عضو کمیسیون رسانه و ارتباطات پارلمانی، در گفت‌وگو با «المیادین» تأکید کرد، تجربیات قبلی در فلسطین اشغالی و ایران به وضوح نشان می‌دهد که چگونه از دستگاه‌های استارلینک در لحظات حساس تجاوز استفاده شده و این خطر «عمومی و واقعی» است.

کابینه لبنان در اقدامی که جنجال گسترده‌ای را برانگیخت، اعطای مجوز به استارلینک برای راه‌اندازی سرویس اینترنت ماهواره‌ای در این کشور را تصویب کرد. اگرچه به نظر می‌رسد این اقدام یک پیشرفت فناوری است که از مدت‌ها مورد انتظار بوده است، موجی از نگرانی‌های امنیتی و اطلاعاتی را به ویژه با توجه به تجاوز مداوم رژیم صهیونیستی به لبنان ایجاد می‌کند.

«المیادین» در گزارشی نوشت، آیا اینترنت ماهواره‌ای به یک کریدور جاسوسی جدید تبدیل می‌شود که از طریق دروازه فناوری به لبنان نفوذ می‌کند؟ در فناوری استارلینک هزاران ماهواره کوچک در مدار پایین زمین با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و اینترنت سریعی را در اختیار کاربران قرار می‌دهند که قادر به ارائه سرعت‌هایی بیش از ۱۵۰ مگابیت در ثانیه است.

با این حال، این ظاهر فریبنده، ابعاد دیگر را پنهان می‌کند. به نظر نمی‌رسد استارلینک یک سرویس صرفاً غیرنظامی باشد؛ بلکه

سردمداران ترور

«استیون والت» استاد سرشناس روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد، گفت: «قتل چارلی کرک و تلاش ناموفق اسرائیل در اجرای بمبارانی در قطر با هدف ترور چند مقام ارشد حماس را می‌توان نشانه‌ای از فرسایش کلی هنجارها در سیاست معاصر، چه بین کشورها و چه در درون آنها و تمایل به در نظر گرفتن وی مجازات نشدن سران دولت‌ها با وجود دست زدن به قتل‌ها و خشونت‌های سیاسی را یک «استاندارد دوگانه» خواند و تصریح کرد: «ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در عصر معاصر، سردمدار رویکرد ترور در جهان بوده‌اند.»



ناتو یعنی آمریکا

«کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، تصریح کرد: «بدون آمریکا ناتویی وجود ندارد. آمریکا بزرگ‌ترین متحد ناتوست و وقتی از نقش ناتو سخن می‌گوییم، یعنی نقش آمریکا نیز مطرح است.» او به فشارهای ترامپ برای قطع کامل واردات نفت و گاز روسیه اشاره کرد و افزود: «اروپا خرید انرژی از مسکو را ۸۰ درصد کاهش داده است و اگر سایر کشورها همین مسیر را دنبال کنند، جنگ زودتر به پایان می‌رسد.» به گفته این مقام اروپایی، آمریکا می‌تواند از نفوذ خود برای متقاعد کردن کشورهای، چون مجارستان و اسلواکی برای قطع وابستگی به انرژی روسیه استفاده کند.



می‌ترسیم!

«احمد الشرع» که خود را رئیس دولت انتقالی سوریه معرفی کرده است، هشدار داد: «در صورتی که دمشق یک توافق امنیتی را با اسرائیل امضا نکند، تنش‌ها بر منطقه حاکم خواهند شد.» وی افزود: «ما کسانی نیستیم که برای اسرائیل دردسر و مشکل ایجاد می‌کنند، ما از اسرائیل می‌ترسیم. خطرات زیادی در ارتباط با تأخیر اسرائیل در مذاکرات و نقض مستمر حریم هوایی ما و تعرض به خاک کشورمان از سوی آن وجود دارد.» او همچنین مخالفت خود را با تقسیم شدن کشور سوریه ابراز داشت و گفت: «هر صحبتی درباره تقسیم سوریه، به عراق و ترکیه نیز آسیب وارد خواهد کرد.»



پیشخوان

ترامپ علیه منتقدان



هفته‌نامه «اکنونیست» با اشاره به شکایت متعدد تیم ترامپ از رسانه‌های منتقد دولت نوشت: «میل ترامپ برای کنترل آنچه مردم درباره او می‌بینند و می‌خوانند، آشکار است. او مشتاق توجه است و انتظار فرآیندهای دارد که این توجه، شامل تمجید و ستایش باشد.»

به نوشته این هفته‌نامه، یکی از تخصص‌های ترامپ زورگویی و تهدید است. وال‌استریت ژورنال به دلیل انتشار گزارشی درباره ترامپ و جفری اپستین که مجرم جنسی بود، تحت تعقیب قضایی قرار گرفته است. این پرونده‌ها از نظر قانونی ضعیف هستند، اما می‌توانند اثر خفقان‌آوری داشته باشند، زیرا دفاع در برابر آنها پرهزینه است. اکنونیست افزود: «سلاح دیگر، مالکیت است. ترامپ اولین رئیس‌جمهور آمریکایی است که سرویس خبری شخصی خود، «تروث سوشال» را دارد و آخرین سلاح، استفاده از نقاط فشار است. دو شبکه، ای‌بی‌سی و سی‌بی‌اس، پرونده‌های چندمیلیون دلاری را که می‌توانستند در آنها پیروز شوند، با ترامپ مصالحه کردند، زیرا از تلافی مقامات نظارتی که ممکن بود میلیاردها دلار برای‌شان هزینه داشته باشد، می‌ترسیدند. اما ترامپ آفتدر که به نظر می‌رسد قوی نیست. اخبار تلویزیونی، مرد سالخورده‌ای را که در کاخ سفید کنترل از راه دور در دست دارد، وسواس‌گونه مشغول می‌کند، اما این رسانه‌ها بیشتر به این دلیل آسیب‌پذیرند که صنعتی در حال افول هستند.»

آمریکا، الگوی سرکوب!



روزنامه «واشنگتن پست» نوشت: «دولت ترامپ طرحی را برای اصلاح اساسی سیستم جهانی پناهجویان و پناهندگان ارائه کرده که به گفته منتقدان، ممکن است به دولت‌ها اجازه دهد افراد را به کشورهایی اخراج کنند که ممکن است در معرض شکنجه قرار گیرند. مدافعان حقوق پناهندگان گفتند این طرح به معنای رد ضمنی یکی از مفاهیم کلیدی سیستم فعلی، یعنی منع اخراج است که بر اساس آن افراد را نمی‌توان به مکان‌هایی بازگرداند که احتمال دارد تحت آزار یا شکنجه قرار گیرند.» به نوشته این روزنامه، طرح مذکور یکی از واضح‌ترین نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد آمریکا تحت رهبری ترامپ امیدوار است نه تنها از نظم بین‌المللی کنار بکشد، بلکه آن را به شکلی چشمگیر تغییر دهد. این طرح همچنین نشان می‌دهد که دولت ترامپ قصد دارد یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل داخلی خود یعنی مهاجرت را به عرصه جهانی بکشد. این روزنامه افزود: «ترامپ اسکان پناهندگان در آمریکا را تقریباً به صفر است. طرح پیشنهادی دولت ترامپ احتمالاً الهام‌بخش دیگر رهبران جهان خواهد بود.»

یادداشت

مدیریت دولتی
مانع جهش تولید

رحمان سعادت

کارشناس اقتصادی



آنچه از میراث مدیریت دولتی برای ما باقی مانده است، چیزی جز از بین رفتن فرصت‌های رشد و جهش اقتصادی نبوده و این روند عملاً هیچ امتیاز خاصی نصیب اقتصاد ایران نکرده است. با اینکه در دنیای امروز توسعه‌یافته‌ترین کشورها متوجه‌شده‌اند تمرکز دولت بر اقتصاد و تصدی‌گری دولت در بخش‌های گوناگون اقتصادی فرصت‌های رشد و توسعه کشور را از بین می‌برد، اما به دلیل بسیاری از مسائل که بیشتر در توزیع رانت و امتیازهای دولتی ریشه دارد، بخش قابل توجهی از اقتصاد ایران همچنان دولتی است. به نظر نگارنده به جز تصدی‌گری و ورود دولت در برخی بخش‌های حساس که نهادهای بالادستی به دلیل حساسیت‌های ویژه و ملی بودن آن تعیین کرده‌اند، سایر حوزه‌ها در مدت مشخص با نظارت‌های ویژه و تعیین واگذاری در سالم و شفاف‌ترین شکل ممکن باید به بخش خصوصی واقعی یا همان بخش مردمی کارآمد واگذار شود.

در مدل و شیوه واگذاری نیز سخن برای گفتن بسیار است؛ زیرا برخی از واگذاری‌ها نه تنها روند خصوصی‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد ایران را دچار تکانه‌های خطرناکی کرده؛ بلکه ضربات بسیار مهلکی به رشد و توسعه واحدهایی زد که قرار بود با خصوصی‌سازی عملکرد بهتر و بهینه‌تری در مقایسه با گذشته داشته باشند.

خصوصی‌سازی غیر سالم که با توزیع رانت و سفارش‌های ویژه انجام می‌شود، بهتر است صورت نگیرد و آن بخش در دست دولت باقی بماند؛ زیرا کوچک‌سازی دولت به معنای خصولتی‌سازی نیست. خصولتی‌هایی که خسارت‌های متعددی به روند تولید کشور زدند و موجب بیکاری و اعتراض بسیاری از کارگران شدند، در اقتصاد ایران دیگر به بهانه کوچک‌سازی و واگذاری بنگاه‌های دولتی نباید تکرار شود؛ زیرا این موضوع خسارت محض در وجه مختلف است.

بی‌شک، باید به سمت توسعه اقتصاد با کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت برویم. این روند باید با شفافیت و اعطای مشوق‌هایی حتی به کارکنان و مدیران دولتی برای خروج از بدنه دولت و پیوستن به بخش خصوصی برای توسعه بیشتر کار و افزایش بهره‌وری داده شود.

مشوق‌هایی که افراد توانمند را برای کار و تولید جذب می‌کند. مدیران توانمند در بخش خصوصی می‌توانند توانایی خود را به منصه ظهور برسانند و مدیران ناکارآمد رانتی نیز به سرعت از چرخه کار کنار زده می‌شوند تا جای آنها را مدیران خلاقیتی پر کنند که ایده‌های بسیار نوین و درآمدزایی برای حوزه کاری خود دارند.

امیدواریم در این مقطع حساس اقتصادی کشور که به دلیل تشدید تحریم‌ها و تنش‌های سیاسی و نظامی شاهد ناپایداری‌هایی هستیم، این موضوع برگ برنده و بخشی از ماجرای باشد که می‌تواند دارندگان سرمایه را جذب کند؛ به این معنا که آنها حداقل از بُعد داخلی با تصدی‌گری و سنگ‌اندازی دولت دچار تنگنا نباشند؛ زیرا در بُعد خارجی فشارها زیاد است. بنابراین نباید از همه طرف فشار بر بخش خصوصی زیاد شود، بلکه با کوچک و چابک‌سازی دولت می‌توانیم بخشی از فشار بر تجار و سرمایه‌داران و فعالان بخش تولید را کاهش دهیم و آنها را متقاعد کنیم که کنار رفتن دولت از مدیریت اقتصاد راه را برای حضور آنها در اقتصاد باز کرده و بخشی از فشار بر آنها کاهش یافته است.

عضو اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با صبح صادق

بخش خصوصی
توان حل ناترازی‌ها را دارد!

جز تغییر فهم دولت نداریم.» وی خاطر نشان کرد: «برای تغییر درک دولت لازم است سمینارها، نشست‌ها و جلسات هم‌اندیشی برگزار شود تا دولت متوجه شود رشد و توسعه اقتصادی در گرو کوچک‌سازی خودش است. بی‌تردید قدرت دولت به مالکیت نیست؛ بلکه قدرت دولت در جای دیگر در تسهیل‌گری و تقویت بخش خصوصی و اقتصاد ملی است.»

این کارشناس تجارت خارجی معتقد است: «دولتی قوی است که کشوری قوی ساخته است. دولت باید با کوچک‌سازی خود و حتی شرکت‌ها و نهادهای دولتی و حاکمیتی موانع پیش روی توسعه اقتصاد را بردارد.»

این عضو اتاق بازرگانی ایران یادآور شد: «کوچک‌سازی دولت به معنای ورود مدیران نخبه و مجربی است که جز به افزایش بهره‌وری در کار و تولید نمی‌اندیشند. مدیران وابسته‌ای که در زمینه مدیریت خود اطلاعات و توانمندی لازم را ندارند، باید از آن بخش‌ها که عموماً نیز بخش‌های مهم و حساس اقتصادی هستند، کنار گذاشته شوند تا اقتصاد با ایده‌های نوین و روش‌های مدیریت موفقیت‌آمیز توسعه‌یابد.»

وی در ادامه بحث تأکید کرد: «فرصت‌های بسیاری به دلیل دولتی بودن اقتصاد از دست رفته است. ایران می‌توانست قطب تولید و صادرات منطقه باشد و با توجه به اینکه ایران را چهارراه جهان می‌نامند، در بسیاری از امور و حوزه‌ها در آمدن‌زایی می‌داند و در واقع وجود این مالکیت را امتیازی برای خود قلمداد می‌کند، طبیعی است که اجازه‌واگذاری این حوزه‌ها به بخش خصوصی داده نشده و امکانی برای توسعه کشور با حضور بخش خصوصی فراهم نمی‌شود؛ بنابراین، برای حل این موضوع چاره‌ای

دولت و مدیران بالاسری می‌توانند چنین امتیاز و مشوقی به مدیران بدهند؛ اما این کار باید ناظر بر شروطی باشد که منابع ملی اتلاف نشود.»

این کارشناس و تحلیلگر تجارت خارجی خاطر نشان کرد: «کشور در حوزه‌های گوناگون، به‌خصوص توسعه انرژی نیازمند حضور متخصصان امر، سرمایه‌گذاران و بخش خصوصی و مردمی است و این موضوع تنها در صورتی محقق می‌شود که دولت کوچک شده و راه برای حضور بخش خصوصی و مردمی در اقتصاد باز شود.»

عضو اتاق بازرگانی ایران یادآور شد: «بسیاری از مشکلات مرتبط با انرژی کشور، از جمله تأمین برق، گاز و... را می‌توان با حضور بخش خصوصی حل کرد. با توجه به وجود منابع عظیم انرژی و مواهب طبیعی قابل توجهی که خداوند به ایران و ایرانی بخشیده است، اگر بخش خصوصی پای کار بیاید، می‌تواند این منابع و ظرفیت‌ها را به ثروت ملی تبدیل کند.»

وی در این باره افزود: «دولتی بودن باعث شده با وجود داشتن این ثروت‌های خدادادی در حوزه انرژی فقیر و نیازمند واردات شویم؛ در حالی که ذخایر بزرگ انرژی برگ برنده این کشور است و می‌تواند ضمن ایجاد ثروت برای ما موتور مولد صنعت و تولید کشور شود.»

حمیدرضا صالحی معتقد است: «موانع بسیاری باعث کوچک‌سازی دولت شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به دیوان‌سالاری بزرگ دولت اشاره کرد. وقتی دولت مالکیت را برای خود امتیاز و قدرت می‌داند و در واقع وجود این مالکیت را امتیازی برای خود قلمداد می‌کند، طبیعی است که اجازه‌واگذاری این حوزه‌ها به بخش خصوصی داده نشده و امکانی برای توسعه کشور با حضور بخش خصوصی فراهم نمی‌شود؛ بنابراین، برای حل این موضوع چاره‌ای

مشکلاتی که نه فقط در حوزه اقتصاد، بلکه آثار منفی خود را در بخش‌های اجتماعی و حتی سیاسی نیز به نمایش گذاشته است. از این رو، دولت برای حل این مسائل باید کوچک‌سازی را در دستور کار خود قرار دهد.»

صالحی معتقد است: «ورود بخش خصوصی به اقتصاد به منزله حل مشکلات بی‌شماری به ویژه حل کمبودها یا ناترازی‌های مربوط به حوزه انرژی است؛ چرا که متأسفانه دولت‌ها تا کنون به بخش خصوصی اجازه ارائه راه حل برای حل مشکلات را نداده‌اند. برای نمونه، برای تأمین برق و حل مشکل ناترازی آن از سوی بخش خصوصی راهکارهایی با تأکید بر خروج وزارت نیرو از تجارت برق، به دولت ارائه شد؛ اما وزارت نیرو پیشنهاد بخش خصوصی را نپذیرفت و حاضر به همکاری نشد؛ لذا مردم ناترازی یا کمبود برق را بیشتر از سال‌های گذشته تجربه کردند که یکی از دلایل این موضوع را می‌توان انحصار دولت و حضور نداشتن بخش خصوصی در این قسمت دانست.»

عضو اتاق بازرگانی ایران معتقد است: «بسیاری از مدیرانی که پیش پای خصوصی‌سازی سنگ‌اندازی می‌کنند، به دلیل نفوذ و درآمدی است که از تداوم این انحصارها کسب می‌کنند و همین امر موجب شده است موانع خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت شوند. بخشی از مدیران رانتی و سفارشی که خود قادر به بهره‌وری بیشتر در کار نیستند، با سنگ‌اندازی‌ها موانع کوچک‌سازی و خصوصی‌سازی می‌شوند. لذا دولت تا این مسئله را حل نکند، نمی‌تواند در حوزه کوچک‌سازی خود تصمیمات درست و قاطعی بگیرد.»

صالحی معتقد است: «اگر مدیری در بخش دولتی توانمندی ارتقای کار را دارد، می‌تواند همان بخش را به صورت خصوصی اداره کند، یعنی

ساحل عباسی

خبرنگار

«حمیدرضا صالحی» گفت: «کوچک‌سازی دولت به معنای ورود مدیران نخبه و مجربی است که جز به افزایش بهره‌وری در کار و تولید نمی‌اندیشند. در واقع برای تحقق این امر باید مدیران وابسته‌ای که در زمینه مدیریت خود اطلاعات و توانمندی ندارند، از آن بخش‌ها که عموماً بخش‌های مهم و حساس اقتصادی است، کنار گذاشته شوند.»

کارشناس تجارت خارجی در گفت‌وگو با «صبح صادق» ناظر بر این موضوع که اراده دولت بر کوچک‌سازی نهادهای دولتی اگر اراده‌ای قوی و واقعی باشد، دستاوردهای ویژه‌ای به‌خصوص در توسعه برای اقتصاد کشور خواهد داشت، گفت: «در گذشته و طی دولت‌های مختلف بارها و بارها مسئولان دولتی از اهمیت کوچک‌سازی دولت سخن گفته‌اند، اما هیچ دولتی تاکنون اراده و جسارت انجام این امر بسیار مهم و اثرگذار را در اقتصاد ایران نداشته است. در حالی رئیس‌جمهور در هفته‌های گذشته از لزوم کوچک‌سازی دولت سخن گفت که همه می‌دانیم اداره دولتی اقتصاد چیزی جز تحمیل ضرر و زیان برای اقتصاد و مردم نداشته است.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «کوچک‌سازی دولت جز کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد معنا و مفهومی ندارد. در صورتی که دولت تصدی‌گری خود را در بسیاری از بخش‌ها کاهش دهد، بخش خصوصی آماده به کار و سرمایه‌گذاری ورود می‌کند و کار را به بهترین وجه ممکن در دست می‌گیرد.»

حمیدرضا صالحی تأکید کرد: «در این موضوع تردیدی نیست که اکنون بخش خصوصی آماده حل تمام مسائل و معضلات اقتصادی کشور است،

شاخص

ضربه سنگین

انجمن صنایع دارویی تحقیق محور آلمان در بیانیه‌ای هشدار داد، تصمیم «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، درباره اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی برای واردات محصولات دارویی، می‌تواند «ضربه سنگینی» به شرکت‌های داروسازی آلمان وارد کند. این انجمن که دفتر مرکزی آن در برلین قرار دارد، اعلام کرد، این تصمیم با توافق‌های پیشین میان آمریکا و اتحادیه اروپا که سقف تعرفه‌ها را ۱۵ درصد تعیین کرده بودند، در تضاد است. به گفته این انجمن، اجرای این تعرفه‌ها می‌تواند «تأثیر جدی روی زنجیره‌های تأمین بین‌المللی» داشته و مراقبت از بیماران را هم در آمریکا و هم در اروپا به خطر می‌اندازد.



منهای نفت

طلای سبز

برخی از شهرستان‌ها به تازگی به ظرفیت‌های خود پی برده‌اند که یکی از آنها شهرستان ورامین است. در حال حاضر، حدود ۸۵۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی ورامین زیر کشت پسته قرار دارد که سالانه بیش از ۱۲ هزار تن محصول از این باغات برداشت می‌شود و بخش زیادی از آن به کشورهای گوناگون صادر می‌شود. روی آوردن شهرستان ورامین به این محصول توانسته ضمن اشتغال‌زایی و سودآوری بیشتر برای تولیدکنندگان و ارزآوری به کشور، در سطح جهانی جایگاهی برای خود معرفی کند؛ مطمئناً تشکیل تعاونی‌های تخصصی و نهادهای پشتیبان در حوزه پسته می‌تواند مسیر توسعه و صادرات این محصول استراتژیک را هموارتر کند.



افزوده

رقابت

رقابت اقتصادی در بازارها روی می‌دهد که مکان ملاقات عرضه‌کنندگان و خریداران است. معمولاً چندین فروشنده برای جذب پیشنهادهای مناسب از سوی خریداران احتمالی با یکدیگر رقابت می‌کنند. رقابت سه ویژگی دارد که عبارت است از: «شمار فروشنندگان بالا، کالا یا خدماتی که فروخته می‌شود مشابه هم هستند و فروشنندگان اضافی می‌توانند به آزادی وارد بازار شوند.» رقابت در علم اقتصاد بین فروشنندگان در تلاش برای دستیابی به اهدافی چون سود فزاینده، سهم بازار، و حجم فروش از طریق تغییر دادن عناصر ترکیب بازاریابی انجام می‌گیرد: قیمت، کیفیت محصول، توزیع و تبلیغ.



آینده‌نگری و تلاش برای تغییر

عبدالرضا سمیعی

کارشناس علوم اسلامی

بحث «آینده‌نگری» یکی از ویژگی‌های مهمی است که قرآن کریم بارها انسان را به آن دعوت کرده و غفلت از آن را نشانه ناپختگی و سقوط می‌داند. انسان موجودی است که میان گذشته، حال و آینده زندگی می‌کند؛ گذشته برای او تجربه است، حال میدان عمل است و آینده صحنه نتایج و دستاوردهاست.

خداوند در آیه ۱۸ سوره حشر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و هر کسی بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است...»؛ در این آیه «غد» یا فردا، تنها به‌معنای آینده دنیوی نیست؛ بلکه معنای اخروی را هم شامل می‌شود و در واقع قرآن کریم از انسان می‌خواهد که مسئولیت آینده خود را هم در این دنیا و هم در آخرت بر عهده گیرد و از اکنون برای آن برنامه‌ریزی کند. آینده‌نگری در قرآن با مفهوم «تقوا» گره خورده است. در آیه ۱۹۷ سوره بقره، خداوند در سیاق مناسک حج می‌فرماید: «توشه بردارید که بهترین توشه پرهیزگاری است و از من پروا کنید ای خردمندان». در اینجا توشه‌ای که برای آینده لازم است، بیش از هر چیز معنوی است؛ یعنی تقوا و پرهیزگاری. با این حال، همین تعبیر «تزووا» یادآور می‌شود که انسان باید در زندگی نیز به فکر آینده باشد و در سفر دنیا و آخرت بدون زاد و توشه نماند. نمونه‌های تاریخی قرآن به روشنی نشان می‌دهد، آینده‌نگری تا چه اندازه حیاتی است. داستان حضرت یوسف(ع) از برجسته‌ترین آنهاست. او خواب پادشاه مصر را چنین تفسیر کرد که هفت سال فراوانی و سپس هفت سال قحطی در پیش است. سپس برنامه‌ای تدوین (یوسف/۴۷-۴۸) و دستورالعمل‌هایی صادر کرد. این روایت نه‌تنها نشان‌دهنده وحی و الهام است؛ بلکه به روشنی اهمیت آینده‌نگری اقتصادی و اجتماعی را بیان می‌کند. جامعه‌ای که به فکر آینده نباشد، در بحران‌ها نابود خواهد شد. قرآن همچنین با بیان سرگذشت اقوام گذشته، آینده‌نگری را به‌معنای عبرت‌آموزی از تاریخ معرفی می‌کند. قرآن به ما می‌آموزد که آینده امت‌ها با اعمال‌شان پیوند دارد و هیچ امتی از سرنوشت تاریخی خود مصون نیست مگر آنکه با تقوا و اصلاح راه خود را تغییر دهد. قرآن کریم آینده‌نگری را تنها در سطح فردی و معنوی نمی‌بیند؛ بلکه به صراحت به حوزه اجتماعی و نظامی هم تعمیم می‌دهد. در آیه ۶۰ سوره انفال می‌خوانیم: «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِزْطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوا اللَّهَ وَعَدُواكُمْ»؛ این آیه صریح‌ترین دستور به آینده‌نگری نظامی و آماده بودن در برابر تهدیدهاست. جامعه‌ای که بی‌برنامه و بدون آمادگی زندگی کند محکوم به شکست است. در کنار این نگاه مثبت و سازنده به آینده، باید به تفاوت میان آینده‌نگری، پیش‌بینی و پیش‌گویی توجه داشت. پیش‌گویی معمولاً به معنای ادعای خبر دادن قطعی از آینده بدون دلیل عقلی یا وحیانی است. قرآن می‌گوید: «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ»(نمل/۶۵)؛ بنابراین هرگونه ادعای پیش‌گویی، اگر به‌وحی الهی مستند نباشد، خرافه‌ای بیش نیست. مؤمن آینده‌نگر کسی است که با تکیه بر ایمان و خرد، پیامد کارهای خود را می‌سنجد و برای آن برنامه‌ریزی و تلاش می‌کند.

فداها ابوها

گفتاری از **حجت‌الاسلام والمسلمین محرابیان**

كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ» از ایشان نیز نقل شده است. در یکی از احادیث به نقل از حضرت صدیقه کبری(س) فرمودند: «أَلَا مَن مَاتَ، عَلَي حَبِّ آلِ مُحَمَّدٍ، مَاتَ شَهِيدًا» هر کسی که بر محبت آل پیامبر از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است. این روایت مشهور است به «سلسلةالنور».

عده‌ای از مردم قم خدمت امام رضا(ع) شرفیاب شده و گفتند که ما اهل قم هستیم. امام فرمودند: «مَرْحَبًا بِكُمْ وَ أَهْلًا»؛ خوش آمدید. سپس فرمودند: «فَأَنْتُمْ بِشَيْعَتِنَا حَقًّا، يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ تُزَوَّرُونَ فِيهِ تَرْيِبِي بَطْوَاسُ»؛ شما به راستی از شیعیان ما هستید، به‌زودی زمانی فرا می‌رسد که شما در شهر طوس (خراسان) مرا زیارت می‌کنید [اینجا امام(ع) خبر از شهادت و مدفن خود می‌دهند]. امام(ع) در ادامه می‌فرمایند: «أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ عَلَى غُشْلِ خَرَجٍ مِنْ دُنُوهِ كَيْزِمَ وَلَدْنَهُ أُمَّهُ»؛ اگر کسی در حالی که غسل کرده به زیارت من شرفیاب شود، از گناهانش خارج می‌شود. مانند روزی که از مادر زاده شده است. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶۹)

می‌شوند که موسی بن جعفر(ع) به سفر رفته‌اند. می‌گویند ما تا شبانگاه صبر می‌کنیم تا ایشان بیایند و جواب سؤالات ما را بدهند، چون به این جواب نیاز داریم، ضمن آنکه فردا باید بازگردیم. سؤالات خود را نوشتند و به اهل خانه حضرت(ع) دادند. صبح فردا آمدند و دیدند که امام(ع) هنوز نیامده است. با کمال تعجب برگه سؤالات خود را دیدند که جواب داده شده است. جواب‌ها را می‌بینند و راضی می‌شوند و باز می‌گردند. در مسیر بازگشت، امام موسی کاظم(ع) را دیدند. به خدمت امام(ع) رسیدند و اتفاقی را که افتاده برای ایشان بیان کردند. گفتند که یکی از اهل بیت شما سؤالات ما را پاسخ داده است. امام(ع) برگه را دیدند. هنگامی که پاسخ سؤالات را نگاه کردند، متوجه شدند که این پاسخ‌های دقیق و صحیح از جانب حضرت معصومه(س) است. حضرت سه بار فرمودند: «فداها ابوها» پدرش فدایش شود. این مقام علمی حضرت معصومه(س) است. بیش از ۱۵ حدیث از حضرت معصومه(س) نقل شده است. روایت شریف غدیر و عبارت «مَن



رفت، معصوم دیگری باید او را تجهیز کند، یعنی غسل، کفن و دفن او را انجام دهد. این قاعده‌ای است که در میان اهل بیت(ع) نیز مشاهده شده و بُعد مسافت، اسارت و... در انجام آن هیچ نقشی ندارد...

یکی از شباهت‌های حضرت معصومه(س) با حضرت زینب(س) در مقام علمی ایشان است. حضرت زینب(س) در کوفه مجلس درس و بحث داشتند و قرآن تفسیر می‌کردند که این از جایگاه علمی حضرت زینب(س) حکایت دارد.... یک روز هم امام موسی کاظم(ع) در سفر بودند. عده‌ای از شیعیان امام به مدینه آمدند تا سؤالات خود را از امام(ع) بپرسند. به خانه حضرت که می‌رسند، مطلع

علم لدنی در اختیار کیست؟

سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



واژه «لَدُنْ» در قرآن، به اشکال گوناگون، از جمله «لَدُنَّا»، «لَدُنْكَ»، «لَدُنَّا»، «لَدُنِي» آمده است و در ارتباط با نسبت دادن چیزی به «جانب خداوند» استفاده می‌شود (برای نمونه، «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» در آیه ۶۵ سوره کهف). این آیه به داستان خضر نسبت داده شده و در آن خداوند می‌گوید که به آن بنده، «رحمت» از نزد خویش داده و «علمی» از نزد خود (لَدُنَّا) تعلیم داده است. این «علم من لدنًا» به‌صورت برجسته در تفسیرها و کلام اسلامی به «علم لدنی» تعبیر شده و یکی از مفاهیم مهم معرفت‌شناسی دینی است. از مصادیق برجسته، آیه ۶۵ سوره کهف است: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»؛ مفسران عمدتاً «رحمت» را به‌معنای نبوت، ولایت یا فیوضات الهی تفسیر کرده‌اند و «علم لدنًا» را به علم غیب یا دانشی که از مبدأ الهی صادر می‌شود، نسبت داده‌اند. تفاسیر دیگری نیز این علم را در زمره افاضات خداوندی و انوار الهی دانسته‌اند. به عقیده برخی علما، این علم معادل عقل کل، عصمت از خطا و علم به امور ماورائی است که انبیاء و اولیا به

راه شهود، مکاشفه یا فیضی غیرمادی می‌دانند. ملاصدرا در «حکمت اشراق»، علم لدنی را علمی می‌داند که بدون تأمل و فکر و محاسبه، از جانب خداوند به نفس ناطقه عطا می‌شود؛ یعنی علم حضوری است. او این حالت را در سطوح عالی نفس می‌داند که نفس بتواند در سیر عرفانی با ادراک مستقیم از حقیقت متصل شود. در میان عرفا، تقسیماتی برای علم آمده است: علم خفی، علم جلی، علم لدنی و منشأ علم لدنی را همان آیه ۶۵ سوره کهف دانسته‌اند. در اندیشه امام خمینی(ره) علم نبوی و شأن پیامبر نسبت به انسان‌های عادی با تأکید بر دریافت آقائی از عالم غیب مطرح می‌شود. ایشان حدیث مشهور «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا» را محور قرار داده و پیامبر(ص) را شهری از علم دانسته و امیرالمؤمنین(ع) را در ورودی آن. حضرت امام(ره) معتقدند کسانی که وارد آن شهر می‌شوند، با کسب اجازه از صاحبان علم (پیامبر و اهل بیت) از نسیم عالم امر بهره‌مند می‌شوند. در تبیینی عرفانی، امام خمینی(ره) علم پیامبر اسلام(ص) را به نور تشبیه می‌کنند و ارتباط آن را با آیه نور (آیه ۳۵ سوره نور) می‌دانند: همان‌گونه که خداوند نور آسمان‌ها و زمین است، پیامبر مظهر نور الهی است و علمش نیز «مصباح» و «مشکات» است که در سینه علی(ع) جای گرفت.

«علم لدنی» بر فضیلت انسان‌هایی که با

آن دست می‌یابند. همچنین، بعضی معاصران علم لدنی را منحصر به انبیا دانسته‌اند. مرحوم نراقی(ره) نیز تقسیم‌بندی‌هایی برای علوم غیبی ارائه داده است و یکی از دسته‌هایی را علمی دانسته که از قول خدا به بشر اعطا شده است و آن را عالی‌ترین علم خوانده است. علامه طباطبایی(ره) در تفسیر «المیزان» تأکید می‌کند که این علم در قلمرو الهی است و «حس و فکر» در حصول آن نقشی ندارد. طبق نظر او، «من لدنًا» به منزله خاستگاه علم است و درک آن فراتر از کسب و تجربه است؛ همچنین وی تفسیر آیه را مرتبط با «تأویل حوادث» می‌داند. در کلام اسلامی، مسئله انتقال علم غیب و تدخّل خداوند در افاضه علم به انسان، موضوع بحثی مهم بوده است. شیخ صدوق در کتاب «توحید» دو گونه علم را مطرح می‌کند: علم خاص که حتی ملانکه و پیامبران از آن بی‌اطلاع هستند و علم عام که ملانکه و پیامبران نیز از آن برخوردارند؛ یعنی برخی جنبه‌های غیب فقط نزد خداوند باقی است. شیخ حر عاملی نیز به مشابهِت افزوده است که پیامبران و ائمه به برخی اسرار غیبی آگاه می‌شوند؛ اما علم غیب مطلق، نزد خداست. از دیدگاه فلاسفه و متکلمین، مهم‌ترین چالش این است که چگونه دانشی که در عین حال غیبی و غیر اکتسابی است، به انسان منتقل می‌شود بدون آنکه ابزار عادی ذهنی دخیل باشد؟ برخی عرفا چنین علم را از

موسیقی در مسجد!

پرسش: برای مقابله با تهاجم فرهنگ غیر اسلامی، حدود سی دانش آموز را از گروه ابتدایی و متوسطه به شکل گروه سرود در مسجد جمع کرده‌ایم که این افراد درس‌هایی از قرآن کریم، احکام و اخلاق اسلامی را به مقتضای سن و سطح فکری‌شان فرا می‌گیرند. اقدام به این کار چه حکمی دارد؟ استفاده از آلت موسیقی توسط گروه چه حکمی دارد؟ انجام تمرین به‌وسیله آن در مسجد با رعایت موازین شرعی و مقررات مربوطه و متعارف رادیو و تلویزیون و وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران دارای چه حکمی است؟

پاسخ: تعلیم قرآن و احکام و آموزش اخلاق اسلامی و تمرین سرودهای مذهبی و انقلابی در مسجد اشکال ندارد، ولی در هر حال مراعات شأن، قداست و جایگاه مسجد واجب است و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد پرهیز شود و مزاحمت نمازگزاران جایز نیست.

آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای

اجوبه الاستفتائات، سؤال ۳۹۷

حکم الهی

در ۱۲ ربیع‌الثانی سال اول هجری، پیامبر(ص) به امر الهی رکعات نمازها را افزایش داد: ظهر، عصر و عشا، هر کدام دو رکعت و مغرب یک رکعت افزوده شد. روایات مختلف فلسفه این افزایش را توضیح داده‌اند؛ امام سجاد(ع) می‌فرمایند، در مدینه و زمانی که دعوت عمومی به اسلام آشکار شد و اسلام قوت یافت و خداوند (عزوجل) جهاد را بر مسلمانان واجب فرمود، رسول خدا(ص) هفت رکعت به نمازهای شبانه‌روز افزود. پیامبر(ص) به تعلیم الهی، به مصالح و ملاک‌ها و مناظ‌های احکام آگاه بود و عمل ایشان نیز مورد امضا و تأیید خداوند قرار گرفت.



زرنگی در معصیت؟!

آیت‌الله سیدرضا بهاء‌الدینی(ره): اگر می‌خواهی خدای تعالی به تو کمک کند، با حرف نمی‌شود؛ در خلوت و جلوت باید مُحَرَمات الهی را ترک کرد. باید توطئه‌ها، دروغ‌گویی‌ها، تهمت‌ها، کم‌فروشی‌ها، کلاه‌گذاری‌ها و شیطنت‌ها را که اسمش را عقل گذاشته‌ایم کنار بگذاریم. عقل آن است که تو را از آتش نجات دهد، خدای تعالی شما را با بصیرت عقلی نورانی کند؛ همان نوری که قرآن می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ این نور را خاموش نکنید. این زرنگی‌ها را کنار بگذارید. اینها نازرنگی است. اگر زرنک هستید، در دستگاه خدا زرنک باشید.



۸ پرونده
شماره ۱۲۰۶ / دوشنبه ۷ مهر ۱۳۰۴
 <i>صداقت</i>
نگاهی به بریز و پباش های شرکت‌های دولتی در فوتبال ایران

میدان هزینه‌های بی‌حساب!

در دهه اخیر، فوتبال ایران شاهد حضور گسترده شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی بزرگ در تیمداری بوده است. از صنایع فولاد و خودروسازی تا هلدینگ‌های نفت و پتروشیمی، همه وارد لیگ شده‌اند و میلیاردها تومان در تیم‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ اما بررسی عملکرد این شرکت‌ها نشان می‌دهد، تیمداری بیشتر به اپزری برای تبلیغات و گردش مالی تبدیل شده است و نه توسعه واقعی فوتبال و ورزش پایه. این گزارش قصد دارد نشان دهد که چگونه ورود شرکت‌ها بدون برنامه و نظارت، موجب خرید بازیکنان گران‌قیمت، افزایش نقش دلالان و ناپایداری میان باشگاه‌ها شده است؛ همچنین تأثیر این مدل بر فوتبال خصوصی و فرصت‌های توسعه ورزش پایه و ضرورت اصلاحات جدی در ساختار اقتصادی فوتبال ایران بررسی می‌شود.

● تیمداری بدون مأموریت ورزشی
شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی که وارد فوتبال می‌شوند، اغلب مأموریت ورزشی مشخصی ندارند. هدف اصلی آنها نه توسعه ورزش، بلکه دیده شدن رسانه‌ای و افزایش پرستیژ برند است. منابع عظیم مالی صرف خرید بازیکن و مربی می‌شود، بدون آنکه برنامه‌ای برای ایجاد آکادمی، استعدادیابی یا توسعه فوتبال پایه داشته باشند. نتیجه این رویکرد، بی‌ثباتی در تیم‌ها و نبود اثرگذاری مثبت بلندمدت بر لیگ فوتبال کشور است. تیم‌ها پس از چند فصل، با بدهی مشکلات مدیریتی مواجه می‌شوند، در حالی که اثرات اجتماعی و ورزشی ملموسی به جای نگذاشته‌اند.

● خرید بازیکن به جای ساختن آکادمی
بیشتر شرکت‌ها ترجیح می‌دهند بازیکنان آماده و گران‌قیمت را جذب کنند تا تیم خود را سریع‌آزوبی کنند. این روش کوتاه‌مدت، مانع سرمایه‌گذاری در آکادمی و زیرساخت‌های ورزش پایه می‌شود. بدون ایجاد پایگاه توسعه استعدادها، آینده فوتبال کشور دچار رکود و ناپایداری خواهد شد. آکادمی‌ها و کمپ‌های ورزشی، افزون بر کشف استعدادهای جدید، موجب کاهش وابستگی به خرید بازیکنان گران و افزایش ثبات مالی باشگاه‌ها می‌شوند. متمرکز نبودن در این بخش، بزرگ‌ترین نقطه ضعف مدل تیمداری فعلی است.

● رقابت در گرانی، نه کیفیت
حضور چندین هلدینگ و شرکت بزرگ موجب شده است رقابت اصلی میان باشگاه‌ها، بر سر جذب بازیکنان گران باشد و نه کیفیت بازی و عملکرد تیم. این مسئله تورم مصنوعی در بازار فوتبال و افزایش فشار مالی بر باشگاه‌ها را به دنبال داشته است. باشگاه‌های کوچک و خصوصی نمی‌توانند با این حجم هزینه رقابت کنند و مجبور به فروش استعدادهای خود می‌شوند. نتیجه، تمرکز قدرت و ثروت در چند باشگاه بزرگ و کاهش تعادل لیگ است.

● از فولاد و خودرو تا نفت و پتروشیمی
مرور لیگ برتر ایران نشان می‌دهد، تقریباً همه صنایع بزرگ وارد تیمداری شده‌اند. هر یک با بودجه‌های متفاوت، بازیکنان را جذب کرده و در نقل و انتقالات فعال هستند. این حضور گسترده، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در توسعه فوتبال حرفه‌ای را از باشگاه‌های مستقل و خصوصی گرفته و نابرابری شدیدی میان تیم‌ها ایجاد کرده است.

● بدهی؛ میراث مشترک تیمداری دولتی
مدیریت منابع مالی در باشگاه‌های تحت

پروژه‌های نیمه‌تمام!

مروری بر سایه هزینه‌های هزاران میلیاردی فوتبال بر اقتصاد ایران

بازیکنان فوتبال ایران در جریان تمرین در ورزشگاه آزادی

اغلب نتیجه مورد انتظار را نمی‌دهند، در حالی که ساخت کمپ‌های آموزشی و آکادمی‌های تخصصی می‌توانست در مناطق محروم کشور سرمایه‌گذاری مؤثرتری باشد.

● هزینه‌های بی‌نمر و جریبه‌های فیفا
فسخ‌های یک‌طرفه قراردادها و پرونده‌های انباشته در فیفا بار سنگینی روی باشگاه‌ها گذاشته است. آمارها نشان می‌دهد باشگاه‌های ایرانی تنها در سه سال گذشته بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان بابت جریمه و پرداخت به بازیکنان و مربیان خارجی ناکارآمد هزینه کرده‌اند.

این هزینه‌ها نه تنها بازده ورزشی نداشته، بلکه نقدهای کارشناسی نشان می‌دهد چنین خرج‌هایی به «پول سوخته» تبدیل شده‌اند. باشگاه‌ها با تمرکز صرف روی قراردادهای پرهزینه و بازیکنان خارجی، به جای سرمایه‌گذاری در آموزش پایه و توسعه استعدادهای داخلی، پول‌ها را صرف هزینه‌های جاری کرده‌اند. این چرخه نهم‌ها سودی برای فوتبال ایران نداشته، بلکه آینده تیم‌ها و فوتبال ملی را هم تهدید می‌کند.

● میلیاردها هزینه از جیب شرکت‌های دولتی
باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال همچنان به وزارت ورزش و جوانان وابسته هستند و بخش بزرگی از هزینه‌هایشان را شرکت‌های دولتی با زیرمجموعه و وزارتخانه‌ها تأمین می‌کنند. برای نمونه، شرکت ایران‌خودرو و سایپا در سال‌های اخیر کمک‌های مالی قابل توجهی به استقلال داشته‌اند، فولاد مبارکه اصفهان بودجه سپاهان را تأمین می‌کند و شرکت‌های بزرگ پتروشیمی و فولادی نیز از تیم‌های جنوبی حمایت می‌کنند. در یک برآورد، تنها در یک فصل بیش از ۲۵۰۰ میلیارد تومان صرف پرداخت دستمزدها، جذب بازیکنان خارجی و هزینه‌های جاری این دو تیم پایتخت شده است.

این حجم عظیم هزینه‌کرد وقتی کنار پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام

قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده اختلاف شدید اولویت‌هاست. دهه‌ها مدرسه،

بیمارستان و پروژه آبرسانی در کشور به دلیل نبود اعتبار کامل نشده‌اند، در حالی که همین بودجه‌های میلیاردی در فوتبال صرف هزینه‌هایی افزون بر کاهش بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری، افزایش انتقاد رسانه‌ها و افزایش بی‌اعتناسی هواداران و رسانه‌ها به تیمداری شرکت‌ها را به دنبال دارد.

● اسپانسرهایی با بودجه عمومی
ظاهر ماجرا قراردادهای اسپانسری است، اما واقعیت این است که بیشتر این اسپانسر‌ها خود شرکت‌های دولتی یا شبه‌دولتی هستند. همراه اول و ایرانسل، هر سال صدها میلیارد تومان برای تبلیغات روی پیراهن پرسپولیس و استقلال هزینه می‌کنند؛ پولی که در اصل از جیب مشترکان و درآمدهای عمومی برداشت می‌شود. برای نمونه، قرارداد همراه اول با پرسپولیس تنها در یک فصل نزدیک به ۳۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

این مدل هزینه‌کرد نه تنها شفاف نیست، بلکه نشان می‌دهد

منابع عمومی به جای توسعه زیرساخت‌های ورزشی و آموزشی و رقابت‌های مصرفی در فوتبال اختصاص یافته است. بخش قابل توجهی از این بودجه صرف جذب بازیکنان خارجی می‌شود که به سرمایه‌گذاری مولد تبدیل می‌شوند.



دلالتان

برنده می‌شوند!



بازیکنان فوتبال ایران در جریان بازی با تیم ملی فوتبال ایران

بازار فوتبال، و بی‌ثباتی مالی باشگاه‌ها تنها بخشی از این اثرات است. این مشکلات موجب می‌شوند فوتبال به جای تولید سرگرمی و ارتقای ورزش ملی، به محلی برای گردش مالی بدون بازده و اتلاف منابع عمومی تبدیل شود.

افزایش بدهی‌ها و مدیریت غیر شفاف همچنین موجب کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی در فوتبال می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاران تمایل ندارند در بازاری که قوانین شفاف و نظارت کافی ندارد، فعالیت کنند. این امر در بلندمدت مانع توسعه حرفه‌ای لیگ برتر و فوتبال پایه خواهد شد.

● مقایسه با الگوهای موفق جهانی
در کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری در فوتبال با شفافیت و چارچوب قانونی همراه است. شرکت‌ها موظفند بخشی از منابع خود را صرف آکادمی‌ها، زیرساخت‌ها و توسعه ورزش پایه کنند و حضور دلالان و ایجنش‌ها محدود و قانونمند است. این مدل باعث می‌شود منابع مالی شرکت‌ها علاوه بر تبلیغات و برندینگ، اثرات مثبت پایدار اجتماعی و ورزشی ایجاد کند و الیگ‌ها با ثبات و رقابتی سالم اداره شوند.

تجربه این کشورها نشان می‌دهد، شفافیت مالی، نظارت مستقل و سرمایه‌گذاری در توسعه فوتبال پایه، نه تنها بازده اقتصادی بالایی ایجاد می‌کند، بلکه اعتماد هواداران و کیفیت لیگ را افزایش می‌دهد.

● صدای افکار عمومی
هواداران فوتبال و رسانه‌ها به‌طور مستمر نسبت به هزینه‌های کلان، نقش دلالان و بی‌عدالتی در لیگ اعتراض کرده‌اند. آنها خواستار شفافیت مالی و نظارت حرفه‌ای بر باشگاه‌ها و قراردادها هستند. این انتقادها نشان می‌دهد، ادامه وضعیت فعلی، نهم‌ها به فوتبال، بلکه به سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی آسیب می‌زند.

شفاف‌سازی مالی و ایجاد ساختارهای نظارتی مستقل، تنها راه بازگرداندن اعتماد و جلوگیری از سوءاستفاده‌های اقتصادی است. بدون این اقدامات، منابع عظیم اقتصادی صرف فعالیت‌های کوتاه‌مدت و بدون اثر مثبت خواهند شد.

● هزینه‌های کلان بدون بازده اجتماعی
هزینه‌های میلیاردی در فوتبال ایران، به‌ویژه آسوسی شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها، اغلب هیچ اثر مثبت اجتماعی یا ورزشی به همراه ندارد. تیمداری به جای ایجاد آکادمی، توسعه استعدادهای پایه و کمک به مناطق محروم، صرف خرید بازیکن و تبلیغات کوتاه‌مدت می‌شود و ضمن کاهش پادزهی سرمایه‌گذاری، موجب شکل‌گیری نابرابری شدید بین تیم‌های پرهزینه و باشگاه‌های مستقل شده است.

انتقاد کارشناسان از این مدل نشان می‌دهد، فوتبال ایران بیش از آنکه به یک عرصه رقابتی سالم تبدیل شود، به ابزاری برای گردش مالی و تبلیغات شرکت‌ها و هلدینگ‌ها تبدیل شده است. در نتیجه، اعتماد هواداران کاهش یافته و پرسش‌های جدی در باره عدالت و مسئولیت اجتماعی در ورزش مطرح شده است.

● اثرات توری می‌بازار فوتبال
قراردادهای خارج از ارزش و هزینه‌های غیر واقعی بازار فوتبال ایران را دچار تورم شدید کرده است. ارزش بازیکنان، حقوق مربیان و بودجه تیم‌ها به‌صورت مصنوعی افزایش یافته و باشگاه‌های کوچک توان رقابت با تیم‌های بزرگ را ندارند. این وضعیت فوتبال ایران را شبیه به یک بازار سفته‌بازی کرده است تا یک لیگ حرفه‌ای.

این شرایط ثبات لیگ و رقابت سالم را مختل کرده و موجب افزایش فاصله میان تیم‌های ثروتمند و باشگاه‌های مستقل شده است. از طرف دیگر، هزینه‌های نجومی برای بازیکنان خارجی و داخلی که عملکردشان با مبلغ پرداختی همخوانی ندارد، فشار اقتصادی بیشتری بر باشگاه‌ها وارد کرده و مسیر توسعه ورزش حرفه‌ای را مسدود می‌کند.

● پیامدهای اقتصادی برای کشور
اقتصاد بیمار فوتبال ایران پیامدهای گسترده‌ای دارد. استفاده نادرست از منابع عمومی و سرمایه‌های دولتی، افزایش نقش واسطه‌ها و دلالان در

مدیران زیر تیغ

چه کسانی فوتبال ایران را اداره می‌کنند؟

مدیران فوتبال ایران در جلسه‌ای در ورزشگاه آزادی

ورود مدیران غیر فوتبالی به عرصه باشگاه‌داری، سال‌هاست که به یکی از معضلات اصلی فوتبال ایران تبدیل شده است. هر بار که استقلال یا پرسپولیس مدیرعامل جدیدی به خود می‌پیندد، بحث‌های قدیمی دوباره بالا می‌گیرد. چرا باید سرنوشته بزرگ‌ترین باشگاه‌های کشور در دست‌ان کسانی باشد که نه تجربه فوتبالی دارند و نه شناخت دقیقی از فضای این ورزش؟ بسیاری از پیشکسوتان بارها هشدار داده‌اند که چنین انتصاب‌هایی، به جای تقویت، تنها به بحران‌های مالی و فنی دامن زده است. در این گزارش بازتابی، می‌شود که صریح‌ترین نقدها را علیه حضور مدیران غیر فوتبالی مطرح کرده‌اند.

● علی پروین: مدیران را از قوطی در می‌آورند
«علی پروین» نماد پرسپولیس و یکی از محبوب‌ترین چهره‌های فوتبال ایران، بارها در برابر ورود افراد بی‌تجربه به مدیریت باشگاه‌ها موضع‌گیری کرده است. او در یکی از تندترین اظهارنظرهایش خطاب به وزارت ورزش گفت: «وزارت ورزش هر بار فردی را از قوطی در آورد و به عنوان مدیرعامل استقلال و پرسپولیس انتخاب کرد؛ سلاطینی فر به فکر استیضاح نشدن است»

افزایش بدهی‌ها و مدیریت غیر شفاف همچنین موجب کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی در فوتبال می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاران تمایل ندارند در بازاری که قوانین شفاف و نظارت کافی ندارد، فعالیت کنند. این امر در بلندمدت مانع توسعه حرفه‌ای لیگ برتر و فوتبال پایه خواهد شد.

● مقایسه با الگوهای موفق جهانی

در کشورهای پیشرفته، سرمایه‌گذاری در فوتبال با شفافیت و چارچوب قانونی همراه است. شرکت‌ها موظفند بخشی از منابع خود را صرف آکادمی‌ها، زیرساخت‌ها و توسعه ورزش پایه کنند و حضور دلالان و ایجنش‌ها محدود و قانونمند است. این مدل باعث می‌شود منابع مالی شرکت‌ها علاوه بر تبلیغات و برندینگ، اثرات مثبت پایدار اجتماعی و ورزشی ایجاد کند و الیگ‌ها با ثبات و رقابتی سالم اداره شوند.

تجربه این کشورها نشان می‌دهد، شفافیت مالی، نظارت مستقل و سرمایه‌گذاری در توسعه فوتبال پایه، نه تنها بازده اقتصادی بالایی ایجاد می‌کند، بلکه اعتماد هواداران و کیفیت لیگ را افزایش می‌دهد.

● صدای افکار عمومی
هواداران فوتبال و رسانه‌ها به‌طور مستمر نسبت به هزینه‌های کلان، نقش دلالان و بی‌عدالتی در لیگ اعتراض کرده‌اند. آنها خواستار شفافیت مالی و نظارت حرفه‌ای بر باشگاه‌ها و قراردادها هستند. این انتقادها نشان می‌دهد، ادامه وضعیت فعلی، نهم‌ها به فوتبال، بلکه به سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی آسیب می‌زند.

شفاف‌سازی مالی و ایجاد ساختارهای نظارتی مستقل، تنها راه بازگرداندن اعتماد و جلوگیری از سوءاستفاده‌های اقتصادی است. بدون این اقدامات، منابع عظیم اقتصادی صرف فعالیت‌های کوتاه‌مدت و بدون اثر مثبت خواهند شد.

● هزینه‌های کلان بدون بازده اجتماعی
هزینه‌های میلیاردی در فوتبال ایران، به‌ویژه آسوسی شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها، اغلب هیچ اثر مثبت اجتماعی یا ورزشی به همراه ندارد. تیمداری به جای ایجاد آکادمی، توسعه استعدادهای پایه و کمک به مناطق محروم، صرف خرید بازیکن و تبلیغات کوتاه‌مدت می‌شود و ضمن کاهش پادزهی سرمایه‌گذاری، موجب شکل‌گیری نابرابری شدید بین تیم‌های پرهزینه و باشگاه‌های مستقل شده است.

● هزینه‌های کلان بدون بازده اجتماعی
هزینه‌های میلیاردی در فوتبال ایران، به‌ویژه آسوسی شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها، اغلب هیچ اثر مثبت اجتماعی یا ورزشی به همراه ندارد. تیمداری به جای ایجاد آکادمی، توسعه استعدادهای پایه و کمک به مناطق محروم، صرف خرید بازیکن و تبلیغات کوتاه‌مدت می‌شود و ضمن کاهش پادزهی سرمایه‌گذاری، موجب شکل‌گیری نابرابری شدید بین تیم‌های پرهزینه و باشگاه‌های مستقل شده است.

● هزینه‌های کلان بدون بازده اجتماعی
هزینه‌های میلیاردی در فوتبال ایران، به‌ویژه آسوسی شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها، اغلب هیچ اثر مثبت اجتماعی یا ورزشی به همراه ندارد. تیمداری به جای ایجاد آکادمی، توسعه استعدادهای پایه و کمک به مناطق محروم، صرف خرید بازیکن و تبلیغات کوتاه‌مدت می‌شود و ضمن کاهش پادزهی سرمایه‌گذاری، موجب شکل‌گیری نابرابری شدید بین تیم‌های پرهزینه و باشگاه‌های مستقل شده است.

● هزینه‌های کلان بدون بازده اجتماعی
هزینه‌های میلیاردی در فوتبال ایران، به‌ویژه آسوسی شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها، اغلب هیچ اثر مثبت اجتماعی یا ورزشی به همراه ندارد. تیمداری به جای ایجاد آکادمی، توسعه استعدادهای پایه و کمک به مناطق محروم، صرف خرید بازیکن و تبلیغات کوتاه‌مدت می‌شود و ضمن کاهش پادزهی سرمایه‌گذاری، موجب شکل‌گیری نابرابری شدید بین تیم‌های پرهزینه و باشگاه‌های مستقل شده است.

● هزینه‌های کلان بدون بازده اجتماعی
هزینه‌های میلیاردی در فوتبال ایران، به‌ویژه آسوسی شرکت‌های بزرگ و هلدینگ‌ها، اغلب هیچ اثر مثبت اجتماعی یا ورزشی به همراه ندارد. تیمداری به جای ایجاد آکادمی، توسعه استعدادهای پایه و کمک به مناطق محروم، صرف خرید بازیکن و تبلیغات کوتاه‌مدت می‌شود و ضمن کاهش پادزهی سرمایه‌گذاری، موجب شکل‌گیری نابرابری شدید بین تیم‌های پرهزینه و باشگاه‌های مستقل شده است.



دوران هشت سال دفاع مقدس در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی حاوی موضوعات مهم و ناگفته بسیاری است که یکی از مهم‌ترین، مؤثرترین و کارآمدترین آن، موضوع «فرماندهی کل قوا» است. در این دوران، فرماندهی کل قوا با تدابیر و توانمندی‌های خود و همراهی مردم توانستند کشور را از گردنه‌های سخت عبور بدهند. در این ظرفیت مختصر فقط به چند نمونه از مدیریت فرماندهی کل قوا در دوران دفاع مقدس اشاره می‌شود.

۱- تجاوزات و تحرکات دشمن یعنی قبل از شهریور ۱۳۵۹ با درایت و صبر و تحمل و پیگیری‌های امام راحل مدیریت شد. این در حالی بود که آمریکارژیم بعث را تجهیز و تشویق به تجاوز و اشغالگری می‌کرد و پنج استان مرزی ایران را به تصرف درآورده بود و جمعیت زیادی از مرزنشینان از خانه و کاشانه‌شان آواره شده بودند.

۲- رژیم بعثی عراق با بهانه‌های گوناگونی، جنگ خانمان‌سوزی را در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران تحمیل کرد و به خصوص پایتخت کشور، یعنی تهران از اوضاع عادی خارج شد و آشفتنکی‌هایی را به بار آورد و به تبع آن مرکز استان‌های مرزی زیر آتش سنگین قرار داده شد؛ اما امام راحل در جایگاه فرمانده کل قوا مانند کوه ایستادند و بر اوضاع مسلط شدند و نیروهای مقاومت مردمی را به میدان و عرصه مبارزه آوردند. ایشان در کمترین زمان موفق شدند مانع پیشروی متجاوزان رژیم بعثی شوند و کمتر از سه ماه آنها را زمین‌گیر کردند.

۳- فرماندهی کل قوا ابتکار عمل را در دست داشتند و به سرعت خلا‌ها را تشخیص دادند و نهادهای مسئول را متوجه وظایف‌شان کردند؛ به خصوص نهادی مانند شورای عالی دفاع که مسئولان آن را نصب کرده و جلسات تصمیم‌گیری در جنگ را به عهده آنها گذاشتند. ایشان همچنین تکلیف‌نیروهای سه‌گانه ارتش را روشن کردند و با حمایت و پشتیبانی از نیروهای انقلابی، مانند سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب، نیروهای مقاومت مردمی را تحت پوشش بسیج فعال کردند.

۴- امام راحل که در رأس فرماندهی کل قوا بودند، هر سازمان و نهادهی را که نیازمند ترمیم بود، پیگیری کردند و نقاط ضعف‌ها را بر طرف و نقاط قوت‌ها را تقویت کردند. همچنین، مطابق اختیارات قانونی مندرج در قانون اساسی عزل و نصب‌ها را با دقت اعمال کردند که یکی از حساس‌ترین آن جریان تنفیذ اختیار فرماندهی کل قوا به بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت بود که عزل وی را هم در شرایط خاصی انجام دادند.

۵- آنچه در عالم واقع مسلم است، این است که همه بار مشکلات کشور و جنگ تحمیلی بر دوش امام راحل بود و ایشان با درایت و رعایت مصلحت در سطح بسیار عالی جنگ را مدیریت کردند که در این مختصر نمی‌گنجد؛ برای نمونه، می‌توان به نقش ایشان در مذاکرات، نشست‌ها و هیئت‌ها به خصوص در ایام و روزهای سخت پیچیده پایان جنگ اشاره کرد که با آن کهولت سن در قضیه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تصمیم‌بسیار تعیین‌کننده‌ای را اتخاذ کردند. پس از رحلت امام(ره) هم، حضرت آقا چنان کردند که ایشان می‌خواستند.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

«امیرعباس هویدا» در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۳ مأمور تشکیل دولت شد. وی که پیش از این وزیر دارایی در دولت «حسنعلی منصور» بود، از دوستان نزدیک او نیز به‌شمار می‌آمد. منصور که در سال ۱۳۳۹ نقش کلیدی در تشکیل کانون مترقی داشت، با هویدا همکاری نزدیکی داشت. با این حال، هویدا در آستانه انتخابات مجلس بیست‌ویکم، که انتظار می‌رفت کانون مترقی در آن پیروز شود، ترجیح داد شخصاً در انتخابات شرکت نکند و به جای ورود به مجلس، سمت خود در شرکت نفت را که موقعیتی پر درآمد و کم‌حاشیه بود، حفظ کند؛ اما پس از تشکیل مجلس و انتصاب دوستش منصور به نخست‌وزیری، پست وزارت دارایی به هویدا سپرده شد.

هویدا همچون بسیاری از هم‌مسلمانان و همکاران بلندپایه‌اش، پیوند عمیقی با بافت اصلی جامعه ایران نداشت. او که از کودکی در خارج از ایران زندگی کرده و تحصیلاتش را در اروپا گذرانده بود، شناخت چندانی از مردم، فرهنگ و تاریخ ایران نداشت. اطلاعات او درباره ایران عمدتاً از طریق کتاب‌های فرانسوی به دست

مهره فراماسونری ۱۳ سال بر صدر دولت

آمده بود. انتخاب شغل در وزارت خارجه و شرکت نفت نیز بیشتر به دلیل درآمد بالا و امکان مسافرت‌های مکرر و تفریحات خارج از کشور بود.

به باور هویدا، ارزش‌های معنوی، دینی و اخلاقی‌سی مانند تقوا، حجاب و خویشتن‌داری، امری کهنه و سده‌را پیشرفت به شمار می‌آمدند. او زندگی در محیطی را ترجیح می‌داد که آزادی مطلق جنسی حاکم باشد و بتواند ساعاتی را در جمع زنانی خوش‌صدا و به اصطلاح روشنفکر به گفت‌وگو و خنده بگذراند. ظاهر آراسته، پوشیدن لباس‌های شیک و استفاده از گل طبیعی روی یقه کت از ویژگی‌های ظاهری او بود. او زندگی گروهی و آزاد، بدون قیود سخت خانوادگی و مذهبی را می‌پسندید.

در عرصه سیاست، هویدا بیشتر مجری بود تا استراتژیست. او ترجیح می‌داد طرح‌ها و نقشه‌ها را دیگران بریزند و او تنها مجری آنها باشد. پیش از نخست‌وزیری، شهرهای محروم ایران را ندیده بود و حتی با تهران به خوبی آشنا نبود. حلقه ارتباطات او به ثروتمندان و افرادی محدود بود که در شمال تهران و نقاط خوش آب و هوای کشور کاخ داشتند و در شهرهایی، مانند پاریس، نیس و فلوریدا ویلاهای مجلل. این افراد که ثروت‌های بادآورده و عظیمی را در اختیار داشتند، مسافرت

دهلیز

دیکتاتوری بی‌اعتبار

مروری بر تنفر مردم از دیکتاتور رژیم پهلوی

از ایرانی‌ها به حکومت مطلقه شاه رضا داده و مهر سکوت بر لب می‌زدند؛ ولی ناراضیانی از این شیوه حکومت به خصوص در میان افراد طبقه تحصیل‌کرده فزونی می‌یافت.

با گذشت زمان، شاه که قدرت بیشتری یافته بود، نه تنها حاضر نشد روش خود را در حکومت تعدیل کند، بلکه به نظریات و عقاید اطرافیان خود هم اعتنا نمی‌کرد و حتی به وزیران خود اعتماد نداشت.

پارلمان بیش از پیش مطیع و فرمانبردار شد و نقشی جز مهر تأیید نهادن بر تصمیمات شاه و دولت‌های منصوب او نداشت. مطبوعات بیش از پیش تحت نظارت قرار گرفتند و تبلیغات دولتی بیش از پیش گستاخ و گزافه‌گو شد. پلیس مخفی سازمان امنیت نیز بیش از پیش فراگیر شده بر فشار و کنترل خود افزود.»



به اروپا و آمریکا را همچون رفتن به خانه دوست انجام می‌دادند. هویدا نسبت به توده مردم دیدی تحقیرآمیز داشت و آنان را سزاوار زندگی بهتر نمی‌دانست. او انتظار نداشت مردم برای آزادی و حقوق انسانی خود تلاش کنند. حتی علاقه‌ای به تشکیل خانواده نداشت و آن را قید و بندی بی‌معنی می‌پنداشت. ازدواجی که در دوران نخست‌وزیری به اجبار انجام داد، بیش از دو سه سال دوام نیاورد. عضویت او در لژهای فراماسونری نیز گواه دیگری بر این گرایش‌ها بود.

با ترور منصور، هویدا جایگزین او شد و با حفظ کابینه قبلی کار خود را آغاز کرد. در آن زمان، کمتر کسی تصور می‌کرد دولت او بیش از دو سه ماه دوام آورد، اما هویدا به مدت ۱۳ سال نخست‌وزیر باقی ماند و در این مدت حدود ۲۴ بار کابینه خود را ترمیم کرد. دوران زمامداری او با مجالس بیست‌ویکم تا بیست‌وچهارم هم‌زمان بود. او انتخابات سه دوره مجلس را برگزار کرد، انتخاباتی که مردم در آن نقش مؤثری احساس نمی‌کردند. هویدا به مدت ده سال دبیرکل حزب «ایران نوین» (ساخته منصور) بود و پس از آن، به دستور شاه، دبیرکل حزب «رستاخیز» شد.

هویدا در برابر مجلسین مطیع و منفعل بود و تنها یک بار در سال ۱۳۴۹، در موضوع بحرین،

حافظه

صنعت برده‌داری!

مروری بر حضور استعمارگران اروپایی در آمریکای لاتین

می‌کرد. در همین ایام، کلنی‌های پرتغالی مرتب در تلاش بودند که سرخ‌بوستان را با وجود مخالفت پادشاه و کلیسا به بردگی بکشانند و برای این کار با اعزام نفرات به مناطق داخلی، به شکار واقعی سرخ‌بوستان دست می‌زدند.

برزیل، چهارمین تولیدکننده پنبه در جهان است و آمریکای لاتین، بیش از ۲۰ درصد پنبه صنایع نساجی دنیا را تأمین می‌کند. در پایان قرن هجدهم، پنبه به مهم‌ترین ماده اولیه



دست بردگان کشت می‌شد، مهم‌ترین منبع تأمین مایحتاج اروپا بود.

درباره تعداد بردگان سیاه‌پوستی که از سال ۱۵۰۰ تا ۱۸۵۰ تاریخی که تجارت برده، منسوخ شده بود به برزیل آورده شدند، اختلاف است. بنا بر یکی از آخرین بررسی‌ها، این تعداد بین ۳/۵۰۰/۰۰۰ و ۳/۶۰۰/۰۰۰ نفر تخمین زده شده است که البته طبق بررسی‌های قدیمی‌تر، این رقم تا دو برابر نیز تخمین زده می‌شود. در سال ۱۸۰۸، ورود برده به برزیل ممنوع شد و در سال ۱۸۷۱ قانون برده‌داری تصویب و از سال ۱۸۸۸ اجرا شد.

«برزیل» از جمله سرزمین‌هایی بود که پرتغالی‌ها آن را اشغال کردند و استعمارگران آن را به عنوان سرزمینی مستعد برای کشاورزی برگزیدند. در این ماجرا بود که سیل بردگان سرخ‌پوست و سیاه‌پوست به این سرزمین جاری شد. منبع نیروی انسانی این مستعمره در آغاز متشکل از برده‌های برزیل، سرخ‌بوستان آمریکا و پس از سال ۱۵۵۰، بیشتر متشکل از سیاه‌بوستان آفریقایی بود.

تمامی پرتغالی‌ها، مجاز بودند در ازای پرداخت حقی به تجارت برده دست بزنند. اخذ حقوق مربوط، طبق یک برنامه واگذار می‌شد. «آسینتو» عبارت بود از

یک قرارداد حقوقی عمومی که ضوابط مربوط به خروج سیاه‌بوستان را از آفریقا تعیین می‌کرد. به استثنای پروژه‌ای برای اعزام برده در نیمه دوم قرن هفدهم به مارانهائو، قرارداد دیگری برای اعزام برده به برزیل وجود نداشت.

تفاوتی که در اینجا نسبت به مستعمرات اسپانیایی وجود داشت، این بود که پادشاه اسپانیا برای وارد کردن برده به مستعمراتش در آمریکا، قرارداد منعقد می‌کرد؛ قراردادهایی که با قدرت‌های خارجی (چون هلند، فرانسه و در آخر انگلستان) بسته می‌شد و پادشاه، انحصار وارد کردن برده را به آنها اعطا



سرنوشت مذاکره

تأملی در عبرت‌ها و درس‌های فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک



مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی

اقدام سه کشور اروپایی در کلید زدن فرایند آغاز فعال‌سازی مکانیسم ماشه، اگرچه اقدامی سیاسی به‌شمار می‌آید، با توجه به پیامدهای آن، حاوی عبرت‌ها و درس‌های فراوان و در نتیجه، دارای تأثیراتی بر فضایی گفت‌مانی–سیاسی ایران خواهد بود. درواقع، عبرت مهم این اقدام اروپایی‌ها برای ایران آن است که دل بستن به قدرت‌های غربی، همانند تجربه‌های مکرر تاریخی، فرجامی جز پشیمانی نخواهد داشت.

عبرتی که باید سرمشق قرار گیرد

درس و عبرت بزرگ بدعهدی و نقض عهد سه کشور اروپایی مشارکت‌کننده در برجام و آمریکا، حمایت آنها از رژیم صهیونیستی در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، گستاخی آنها در فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تأکید آنها بر چشم‌پوشی ایران از حق مسلم خود در زمینه غنی‌سازی اورانیوم آن است که به‌هیچ‌وجه نباید به طرف‌های مذکور اعتماد داشت. درواقع، با توجه به قضایای مذکور، ایرانیان و به‌ویژه گفت‌منان و جریانی که غربی‌ها را در مقام راحل مشکلات ایران تعریف کرده و همواره امید دارد تا از ناحیه حل مسائل با غربی‌ها، گشایشی در زمینه حل مسائل ایران رخ دهد، امروز به صراحت می‌بینند که حل مشکلات ایران نه تنها جایگاهی در منظومه فکری و عملی طرف‌های غربی ندارد، بلکه آنها از هیچ فرصتی برای تشدید فشارهای اقتصادی، روانی و عملی علیه ایران هم دریغ نمی‌کنند.

درواقع، کیفیت کنش‌گری طرف‌های غربی اعم از آمریکا و سه کشور اروپایی در قبال ایران در قضیه فعال‌سازی بازگشت تحریم‌ها و فراتر از این، همراهی و حمایت آنها از حمله رژیم صهیونیستی به ایران نشان می‌دهد، هرگونه امید بستن به آنها برای حل مشکلات کشور، سرابی بیش نیست؛ واقعیتی که البته در دو قرن اخیر بارها اثبات شده، اما هیچ‌گاه به عنوان یک واقعیت معتبر در ایران پذیرفته نشده است.

در این زمینه یک سؤال اساسی آن است که چرا ایرانیان با وجود مشاهده بدعهدی‌های مکرر طرف‌های غربی در دو قرن اخیر از پیمان‌های فین‌کنشتاین با فرانسه، مجمل و مفصل با انگلیس و... تا برجام در عصر حاضر، همچنان نگاه خوش‌بینانه‌ای به غربی‌ها دارند و تصور می‌کنند که با مذاکره با آنها می‌توان امتیازاتی به دست آورد؟ فارغ از پذیرش برتری غرب نزد لایه‌هایی از جامعه و نخبگان ایرانی، در پاسخ باید به یک تفاوت اساسی در جهان‌شناخت ایرانی و غربی اشاره کرد؛ به این ترتیب که واقع‌گرایی غربی مبتنی بر سیاست قدرت تعریف شده و در آن تلاش می‌شود به منظور تسلیم طرف مقابل، او را از جوانب گوناگون تحت فشار قرار دهند. این در حالی است که واقع‌گرایی ایرانی توأم با اخلاق‌گرایی و عدالت است و در آن، سلطه و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های مشروع انسانی هیچ جایگاهی ندارد. به تعبیر دیگر، در واقع‌گرایی غربی، خیر کالایی عمومی نیست که همگی مشروعیت بر خوردری از آن را داشته باشند، اما در واقع‌گرایی ایرانی، خیر کالایی همگانی تصور می‌شود و همگان باید از آن بر خوردار باشند. حال کنشگر ایرانی وقتی با چارچوب ذهنی واقع‌گرایی مختص به خود به صحنه سیاست

بین‌الملل می‌نگرد، تصور می‌کند که طرف مقابلش نیز خیر خواه اوست و حتی پذیرش بدعهدی و نقض عهد از سوی طرف مقابل برایش دشوار و بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا خود نه اینگونه می‌اندیشد و نه چنین قصدی دارد.

نکته مهم در این زمینه، ضرورت عبرت‌آموزی از تجربیات مترکم تاریخی در ارتباط با غربی‌هاست، به‌گونه‌ای که حتی باید در جهان‌شناخت و نگرش خود در قبال روابط بین‌الملل هم تغییری ائی ایجاد کرد. با این حال، به نظر می‌رسد عده‌ای در داخل کشور هنوز با این درک و ضرورت فاصله دارند، به‌گونه‌ای که هم‌اکنون نیز با وجود این واقعیت‌های مشهود، برخی نخبگان و فعالان سیاسی حاضر نیستند در دیدگاه‌ها و ایده حکمرانی خود بازنگری کنند تا حدی که برخی‌ها قبل از سفر رئیس‌جمهور محترم به نیویورک برای شرکت و سخنرانی در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل با جدیت تلاش کردند آقای دکتر پزشکیان را طی این سفر به مذاکره با رئیس‌جمهور آمریکا یا لاقفل دست دادن تصادف‌گونه در مسیر حرکت تشویق و ترغیب کنند! حال آنکه طرف مقابل تمایلی به مواجهه عاقلانه با پیشنهادهای منطقی ایران ندارد و با طرح خواسته‌های غیر منطقی، مسیر گفت‌وگو را به بن‌بست رسانده است.

امیدی که باید متکی به داخل باشد

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد ایران اسلامی اکنون در یک برهه تاریخی حساس با یک نقطه عطف تعیین‌کننده قرار گرفته است تا برای همیشه با قطع امید از دنیای خارج و به‌ویژه آمریکا و اروپا و حذف نگاه به غرب در منظومه گفت‌مانی نخبگان و در ساحت‌های عمومی و عملی، در مسیر



اتکا به ظرفیت‌های داخلی و بیشینه‌سازی قدرت و قوی‌سازی ایران از این ناحیه متمرکز شود. نکته مهم در این میان آن است که به میزانی که ایران در مسیر اتکا به خود و شکوفایی ظرفیت‌های داخلی گام بردارد، هراس لازم در طرف‌های غربی ایجاد خواهد شد و آنگاه با درک واقعیت قدرت ایران، مجبور به مذاکره با ایران خواهند شد. درواقع، قطع امید از غرب و اتکا به داخل موجب خواهد شد تا سیاست غربی‌ها در قبال ایران نیز متعادل و واقع‌بینانه شود.

ممکن است سؤال شود که آیا با قطع امید از غرب، راه‌حل جایگزینی برای حل مشکلات کشور وجود دارد یا با اصرار به طریق کنونی در مواجهه با غرب، ایران در انزوای بین‌المللی قرار نمی‌گیرد؟ در پاسخ باید گفت، قطع امید از غرب به معنای قطع ارتباط با غربی‌ها نیست، بلکه به‌طور عمده به‌معنای امید نیستن به آنها و در نقطه مقابل، به‌کار بستن همت، اراده، ایمان، خلاقیت و مجموعه توانمندی‌های ایرانیان است. بنابراین، در اینجا منظور آن است که به‌جای انفعال در برابر اقدامات طرف‌های غربی، باید کنش‌گری فعالانه داشت و به‌جای اعتماد و امید بستن به آنها، به ظرفیت‌ها و استعدادهای گره‌گشای داخلی روی آورد. به‌راستی ایران تا چه زمانی باید معطل حل مسائل با غربی‌ها باشد؟ آن هم طرف‌هایی که قابل اعتماد نبوده و همواره با طرح خواسته‌های غیر منطقی، حاضر نیستند حقوق مسلم ایران را بپذیرند. بنابراین، در مواجهه با این وضعیت، باید بیش از پیش بر ظرفیت و توان داخلی برای حل مشکلات کشور تمرکز شود. امروزه رسالت دولتمردان، مسئولان و نخبگان ایرانی بیش از هر حوزه و زمینه‌ای معطوف به این مهم است.

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۱۲

غلبه شهوات نفسانی!

گرفته‌اند! این به خاطر همین عوامل است؛ هوی‌های نفسانی، شهوات نفسانی، غرق شدن در مطالبات مادی. عامل اصلی اینها هم غفلت از ذکر پروردگار، غفلت از وظیفه، غفلت از مرگ، غفلت از قیامت است؛ اینها موجب می‌شود که به‌کلی صد و هشتاد درجه جهت‌گیری‌شان عوض شود.»

مکانیسم این دگرگونی روشن است. وقتی «ذکر» کم‌رنگ‌ شد، «غفلت» رشد می‌کند و غفلت، توجیه‌گر قهاری است. ابتدا می‌گوید «فعلاً این یک‌بار را استثنا کن»، سپس «برهه حساس کنونی» را بهانه می‌کند، بعد هم «واقع‌گرایی» و «عقلانیت ابزاری» را علم می‌کند تا هر عقب‌نشینی را به نام «تدبیر» ثبت کند. در این مسیر، مفاهیم دینی بی‌صدا بازتعریف می‌شوند: «تکلیف» به «محاسبه هزینه» فایده»، «زهد» به «فقر فرهنگی»، «قناعت» به «انفعال»، و «مرزبندی» به «افراط» ترجمه می‌شود. انسان می‌پندارد همان فرد سابق است، حال آنکه جهت‌گیری‌اش عوض شده است.

باید پذیرفت انقلابی‌بودن بدون «زهد» هوشمندانه» پایدار نمی‌ماند. زهد در اینجا به‌معنای گریز از دنیا نیست، بلکه هنر «مالکیت دل» است؛ بهره‌بردن بی‌وابستگی، مصرف آگاهانه و ترجیح مأموریت بر منفعت. اگر این هنر در فرد و جامعه تقویت شود، نظام محاسبات ایمانی بر جای خود می‌ماند، اولویت‌ها روشن می‌مانند، و پروژه انقلاب-که بیش از هر چیز پروژه‌ای اخلاقی است-از درون فرونی‌یابد. مانع دوم را می‌توان مدیریت کرد، به شرط آنکه هر روز، پیش از هر تصمیم، بیرسیم «این انتخاب، ما را به حق نزدیک‌تر می‌کند یا فقط سفره ما را پرتر؟»

۱۱

خرد

شماره ۱۲۰۶ | دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴

صداقت

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۵۶

از نبوغ تا بایکوت فکری

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

شهید علامه صدر زمانی در ایران مطرح شد که مسئله اساسی آن روزها بحث از اقتصاد اسلامی و مباحث مربوط به «شناخت» با تلقی آن روز بود. مباحثه اندیشه‌ای و حتی گاهی منازعه در این ساحت، فضای کشور و حوزه‌های علمیه در آن برهه را به فضای تقابل بین ایمان و مؤمنان از یک سو و تفکر سوسیالیستی و مارکسیستی از سوی دیگر تبدیل کرده بود. در پرتو همین زمینه‌ها و بسترها، وقتی تعدادی از شاگردان علامه شهید صدر به ایران وقم بازگشتند، فضایی به وجود آمد که بعضی از افسران تندرو آن زمان علامه صدر را متهم کردند که ناقد مارکسیست و سوسیالیست است.

اهمیت این موضوع زمانی بهتر درک می‌شود که بدانیم آن زمان اوضاع به گونه‌ای بود که در بعضی از طیف‌ها بین تفکرات اسلامی و مارکسیستی و سوسیالیستی خلط می‌شد و حتی بعضی از افراد معمم و روحانی هم خود را سوسیالیست معرفی می‌کردند. بعضی از مارکسیست‌های آن زمان فقط به صورت عاطفی و احساسی از آن دفاع می‌کردند و سواد آن چنانی نداشتند؛ چرا که فضای جامعه این گونه بود و تفکرات در این باره سطحی بود و فقط به شعار بسنده می‌شد. بنابراین، وقتی شاگردان علامه صدر بازگشتند، کتاب‌های او بایکوت شد. البته کتب او در آن زمان در دسترس نبود و حتی بعضی از این کتاب‌ها در مکان‌های دوردست از قم مطالعه می‌شد.^(۱)

با همه این سخت‌گیری‌ها و از آنجا که به تعبیر آقای رشاد علامه شهید صدر اهل تحقیق و تفکر بود، شرایط و فضای بسته‌ای که گفته شد هم نتوانست مانع استقبال از آثار و آرای محققانه شهید صدر شود و از «اقتصاد نوین» علامه صدر استقبال شد و امروز که یک دوره چهل ساله از آن زمان سپری شده است، تعدادی از شاگردانش در نجف و قم در افق مرجعیت قرار گرفته و استمرار بخش حیات فکری شهید صدر هستند.^(۲)

علامه شهید صدر از جنبه‌های گوناگون اصول را دگرگون کرده و ساختار و هندسه جدیدی را برای آن پیشنهاد کرد که در تولید ادبیات اصولی و استادسازی بدیع است و ما در شماره گذشته به اصول سه‌گانه دگرگون‌ساز وی اشاره‌ای اجمالی کردیم که چگونسه قوت علمی و قدرت نوآوری و استدلالی شهید صدر سبب شد تا وی ضمن حفظ اصالت برخاسته از قرآن و سنت اندیشه اسلامی، بتواند متناسب با نیازهای زندگی زمانه حاضر این اندیشه را بازسازی کند تا پاسخ‌گوی نیازمندی‌های انسان معاصر باشد. در این مسیر، لازم است مواجهه‌ای علمی و گاهی مقابله‌ای اصولی با اندیشه مخالف صورت گیرد تا ضمن رخ‌نمایی از ایدئولوژی و آرمان برتر، به «ترتیب نسلی فعال و پر نشاط از کادرهای فکری از میان علمای حوزه و روشنفکران دانشگاهی و مسلح کردن آنها با فرهنگ ریشه‌دار و اندیشه نوین اسلامی نیز پرداخته‌شود تا با گسیل به عرصه‌های کارزار اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، ۲۶ فروردین۱۳۹۵؛ به‌نقل از خبرگزاری رسا، کدخبر۱۳۲۵۰۸۶، تاریخ۱۳/۲/۱۳۹۵.

۲. همان.

۳. ار اکی، محسن، دوره‌ها و پیشگامان بیداری اسلامی، ترجمه محمد مقس، تهران: فراتکاب، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰-۱۰۹.

یادداشت

کشتی؛ الگویی برای فرهنگ

گروه فرهنگ

صبح صادق

موفقیت‌های خیره‌کننده تیم ملی کشتی ایران در سال جاری، به‌ویژه کسب عنوان قهرمانی در مسابقات جهانی کشتی آزاد و فرنگی، نه صرفاً یک افتخار ورزشی، بلکه یک الگوی مدیریتی تمام‌عیار و تعمیق‌پذیر برای سایر بخش‌های کشور است. این پیروزی‌ها که با اقتدار کامل رقم خوردند، نشان دادند که چگونه می‌توان با ترکیب درستی از تخصص (نخبگی) و تعهد (مسئولیت‌پذیری، انگیزه و دلسوزی)، به اهداف بلند و دست‌نیافتنی رسید.

ایسن موفقیت بزرگ محصول شانس نیست؛ نتیجه پیاده‌سازی یک مدل مدیریتی کارآمد بود که در آن، کار به کاربلد سپرده شد. وقتی مدیریتست، بدنه فنی و کادر مربیگری بر اساس شایستگی تخصصی و سابقه عملی انتخاب می‌شوند و در کنار آن، ایسن افراد تعهد ملی و اخلاقی به هدف و تیم دارند، یک هم‌افزایی بی‌نظیر شکل می‌گیرد. در کشتی ایران، این دو عنصر در مدیریت و بدنه فدراسیون به‌خوبی جمع شد: برنامهریزی دقیق و استفاده از علم روز و البته تعهد قلبی به اهتزاز پرچم ایران.

حال سؤال اینجاست که چرا این الگوی موفقیت باید در عرصه مدیریت فرهنگی، هنری و رسانه‌ای کشور نیز پیاده شود؟

عرصه فرهنگ و هنر، به دلیل ماهیت پیچیده، حساس و در عین حال عمیقاً تأثیرگذارش بر روح جامعه، نیازمند مدیریتی به‌موانب حساس‌تر و دقیق‌تر است. درست مانند یک فن کشتی که باید در کسری از ثانیه و با نهایت دقت اجرا شود، کنش‌های فرهنگی نیز نیازمند نخبگان کارآزموده هستند.

اگر در کشتی، فردی بدون سابقه و تخصص کشتی‌گیری مدیر شود، نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت. در حوزه فرهنگ، هنر و رسانه نیز وضع به همین منوال است. ما نیازمند مدیرانی هستیم که:

تخصص و درک عمیق از حوزه مربوطه داشته باشند؛ یعنی فردی که سال‌ها در زمین، صحنه، استودیو یا پشت دوربین تجربه کسب کرده و نبض جامعه و هنر را می‌شناسد. تعهد و دغدغه‌مندی فرهنگی داشته باشند؛ یعنی علاوهر بر تخصص، با نگاهی دلسوزانه و متعهدانه به ارزش‌های ملی و انقلابی، برای ارتقای محتوای فاخر تلاش کنند.

متأسفانه، در بسیاری از موارد در این حوزه‌ها، شاهد انتصاب‌هایی هستیم که فاقد یکی از این دو بال هستند؛ یا تخصص هست، اما تعهد لازم برای پیگیری اهداف کلان فرهنگی وجود ندارد، یا تعهد وجود دارد، اما نخبگی و درک فنی کافی برای مدیریت تخصصی یک مجموعه بزرگ هنری یا رسانه‌ای غایب است. در مواردی هم مانند انتصاب معاون هنری سابق وزیر ارشاد، هیچ یک از این دو مؤلفه نبود! یعنی فرد منصوب که البته برکنار شد، نه تخصص کافی داشت و نه تعهد لازم را!

الگوی قهرمانی کشتی، به ما درس می‌دهد که مدیریت باید به دست صاحب آن سپرده شود. مدیرانی که نخبگی‌شان را از میدان عمل به دست آورده‌اند و تعهدشان را با عملکرد اثبات کرده‌اند. این تنها راهی است که می‌توانیم با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و مدیریت جهادی تخصصی، به قهرمانی‌های فرهنگی دست یابیم و جبهه نرم فرهنگی کشور را با قدرت و هوشمندی اداره کنیم. تنها در این صورت است که می‌توان انتظار داشت جریان‌های هنری و رسانه‌ای ما، به تأثیرگذاری و عمق مطلوب دست یابند.

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



انتخاب فیلم «علت مرگ نامعلوم» به کارگردانی «علی زرنگار» به عنوان نماینده سینمای ایران برای رقابت در جوایز اسکار ۲۰۲۶، تصمیمی است که به جای ارزیابی کیفی جامع و در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی، بیش از هر چیز بوی ملاحظات تبلیغاتی می‌دهد. نقد عمیق محتوایی و ساختاری این فیلم نشان می‌دهد، این اثر نه تنها انسجام لازم را برای یک درام اجتماعی نیرومند ندارد، بلکه تصویری به شدت منفی، مصنوعی و غیرواقعی از انسان و جامعه ایرانی به جهان ارائه می‌دهد که شایسته پرچمداری فرهنگ غنی این مرز و بوم در عرصه‌ای جهانی، چون اسکار نیست.

تصویرسازی جعلی

بزرگ‌ترین مشکل «علت مرگ نامعلوم» که آن را برای نمایندگی ایران در اسکار نامناسب می‌کند، تصویرسازی ساختگی و جعلی آن از واکنش‌ها و عمق عواطف ایرانی است. فیلم در تلاش برای بازسازی فضایی شبیه به آثار موفق اجتماعی، به یک موقعیت تراژیک مرگ ناگهانی یکی از مسافران یک ون فرسوده متوسل می‌شود تا به زعم خود، باطن واقعی کاراکترها را عیان کند؛ اما در کمال تعجب و خلاف هرگونه شناخت از فرهنگ مردم ایران، مواجهه شخصیت‌های فیلم با این واقعه هولناک، سرد، بی‌تفاوت و فاقد درک انسانی است. ایرانیان، ملتی به غایت رقیق‌القلب و احساسی هستند که در برابر فاجعه‌ای چون مرگ، عواطف

غلیظ و پرشوری بروز می‌دهند؛ اما در این فیلم، کاروان مسافران که ادعا می‌شود متشکل از طبقات و اقوام گوناگون است به گونه‌ای با جنازه و حقیقت مرگ برخورد می‌کنند که گویی با یک زخم سطحی مواجه شده‌اند. زنان جوان فیلم «همچون مجسمه‌ای بی‌احساس» بالای سر فرد فوت‌شده لحظات را می‌گذرانند. این سطح از بی‌عاطفگی و انفعال در مواجهه با مرگ یک هم‌نوع، نه تنها واقعیت جامعه ایرانی نیست، بلکه نوعی تحریف آشکار و ارائه یک چهره خشن، مادی‌گرا و دور از تمدن از انسان ایرانی است؛ انسان‌هایی که تنها در پی «منفعت خود» در یک «بده‌بستان غیراخلاقی» هستند و مرگ برای‌شان تنها بهانه‌ای برای یک کشمکش سطحی بر سر «مقداری دلار» است. چنین نگاه‌سیاهی که تعمداً بر بی‌رحمی و بی‌تفاوتی تأکید می‌کند، شایسته نمایش در بزرگ‌ترین رویداد سینمایی جهان با پرچم ایران نیست.

ژانر سرگردان

فیلم از منظر ساختاری نیز دچار لغزش‌های جدی است. با وجود ادعاها، «علت مرگ نامعلوم» یک «فیلم جاده‌ای» به مفهوم واقعی آن نیست. در یک فیلم جاده‌ای اصیل (مانند «تِلما و لوییز» یا «لیتل میس سانشاین»)، جاده و مسیر یک شخصیت فعال است و تأثیری تعیین‌کننده بر دگرگونی و قوام شخصیت‌ها دارد. اما در این اثر، جاده به «پس‌زمینه‌ای بی‌اهمیت» و نماهایی «صرفاً تزئینی» از کویر تقلیل یافته و رویدادها می‌توانستند در هر مکان پرت دیگری (خانه، آپارتمان یا باغ دورافتاده) رخ دهند.

علاوه بر این، فیلم دچار سندرم پراگویی و استفاده نکردن از بیان سینمایی است. روایت کند و مقدمه طولانی آن، مخاطب را دچار ملال و دلزدگی می‌کند. شخصیت‌ها نیز به شدت فاقد عمق و تیپ‌وار هستند. مسافران بی‌نام و نشان فیلم (از

برداشت

پیام عشق و آگاهی در عصر سرعت

سعید رضایی

خبرنگار

در روزگاری که سرعت سرسام‌آور زندگی مدرن، فرصت تأمل و درون‌نگری را از انسان گرفته و بحران‌های هویتی، معنوی و اجتماعی سایه افکنده‌اند، بازگشت به گنجینه‌های حکمت ایرانی، به ویژه شعر و اندیشه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی یک ضرورت حیاتی است. آثار مولانا، به‌خصوص «مثنوی معنوی» و «دیوان شمس»، فراتر از متون ادبی، نقش یک آسیب‌شناس اجتماعی و طبیب روحانی را برای جامعه امروز ایفا می‌کنند. حجم این تأثیر و ماندگاری جهانی، گواه بر جهان‌شمول بودن تفکر اوست.

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های انسان معاصر، «از خود بیگانگی» و گم‌شده دانستن خویش است. مولانا با زبان رمز و تمثیل، انسان را به سفری درونی فرامی‌خواند. ناله‌نی در آغاز مثنوی، نماد جدایی انسان از اصل خویش و جست‌وجوی مداوم برای وصل است:

«بشنو از نی چون حکایت می‌کند / جدایی هاشکایت می‌کند»

این پیام، پاسخی است به نیاز امروز ما به معنویت و عرفان کاربردی؛ عرفانی که در عزلت نیست، بلکه در دل جامعه و زندگی روزمره، راه به سوی بیداری وجدان و شناخت ابعاد عمیق‌تر وجود نشان می‌دهد. او به انسان امروز می‌آموزد که ظرفیت‌های والایی دارد و باید از حد خاک فراتر رود و در جهت قرب الهی و تعالی گام

بردارد. در دنیای امروز که تفرقه‌ها و تعصبات فکری و قومی، جهان را تهدید می‌کند، جهان‌بینی وسیع مولانا، نسخه شفاست. مولوی با تکیه بر عنصر عشق آسمانی، فراتر از هر نژاد و فرقه‌ای، به وحدت وجود و یگانگی انسان‌ها می‌رسد. این نگرش زمینه‌ساز صلح و دوستی جهانی است و جامعه‌ای که دچار تهدید تفرقه است، با پناه بردن به این اندیشه، می‌تواند از رنج جدایی‌ها رهایی یابد. این اندیشه، درک ما را از انسانیت گسترش می‌دهد و نشان می‌دهد که اصالت، در جان و جهان‌بینی ماست، نه در ظواهر:

«ملت عشق از همه دین‌ها جداست / عاشقان را ملت و مذهب خداست»

مولانا در آثارش، به ویژه مثنوی، همچون یک روانشناس، به آسیب‌شناسی اجتماعی و نقد

خصیصه‌های منفی بشری، مانند افزون‌طلبی، جاه‌طلبی، خودبزرگ‌بینی و علم‌زدگی دست می‌زند. او با آوردن تمثیل‌ها و داستان‌های پندآموز، زشتی‌های اخلاقی را با بیانی شیرین و مؤثر نمایان می‌کند. این جنبه از آثار او، برای جامعه‌ای که به تربیت اخلاقی و ارتقای فرهنگ عمومی نیاز مبرم دارد، حیاتی است. مولانا به انسان امروز می‌گوید که بسیاری از ظلم‌ها و پستی‌هایی که در دیگران می‌بیند، در واقع انعکاس خوی درونی خود اوست و او را به اصلاح درون دعوت می‌کند.

به این ترتیب، آثار مولانا تنها یک میراث کهن نیستند، بلکه یک نیاز معاصر و منبعی پایان‌ناپذیر برای آگاهی، عشق و تعالی هستند که می‌توانند جامعه امروز ما را از بحران‌های روحی و فکری عبور دهند و به افق روشن‌تر رهنمون کنند.

سینما

ماهی در قلاب

رونمایی فیلم مشترک ایران و تاجیکستان



فیلم سینمایی «ماهی در قلاب» به‌عنوان محصول مشترک ایران و تاجیکستان، شامگاه یکشنبه ۳۰ شهریور در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما رونمایی و اکران شد. در این مراسم، «پیمان جبلی» رئیس رسانه ملی، «غلامعلی حداد عادل» رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، «نظام‌الدین زاهدی» سفیر تاجیکستان در ایران و عوامل فیلم حضور داشتند. سفیر تاجیکستان با خواندن شعری از رودکی، ساخت این فیلم را نمادی از دوستی و نزدیکی فرهنگی دانست و تأکید کرد، این اشتراکات تاریخی و زبانی باید تقویت شود.

سینما

اتاقک گلی

نمایش بر خط فیلم دفاع مقدسی

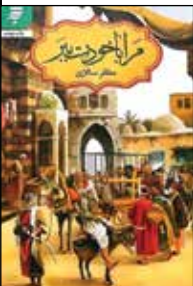


فیلم سینمایی «اتاقک گلی» پس از نمایش در سالن‌های سینما به صورت بر خط اکران شد. فیلم سینمایی «اتاقک گلی» به کارگردانی محمد عسگری و تهیه‌کنندگی داود صبوری از سه‌شنبه، اول مهر ۱۴۰۴ در سینما آنلاین فیلم نت عرضه شد. این فیلم ۸۸ دقیقه‌ای که در ژانر جنگی-درام ساخته شده، محصول سال ۱۴۰۱ است و روایت آن به مردادماه ۱۳۶۷ بازمی‌گردد؛ جایی که در دل جنگ، عشقی شکل می‌گیرد و سرنوشته شخصیت‌ها را رقم می‌زند.

کتاب

مرا با خودت ببر

چاپ چهل و پنجم یک رمان



رمان «مرا با خودت ببر» نوشته «حجت‌الاسلام مظفر سالاری»، به چاپ ۴۵ رسیده است. این اثر روایتگر داستانی عاشقانه و پرماجرا در دوران امام جواد(ع) است و ضمن نمایش زندگی اجتماعی و اقتصادی آن دوران، جلوه‌هایی از کرامات و آموزه‌های معنوی امام را نیز به تصویر می‌کشد. یکی از نقاط شاخص اثر، جلوه‌هایی از کرامات و معجزات امام جواد(ع) است که در متن داستان گنجانده شده است. این تقابل میان واقعیت تاریخی و آموزه‌های معنوی، رمان را از دیگر آثار عاشقانه تاریخی متمایز کرده است.

مهدیه چوپانی

دبیر گروه مجازستان

در جهان امروز که رقابت‌های علمی، فناوری و سیاسی مرز نمی‌شناسد، دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، به‌ویژه انرژی‌هسته‌ای تنها یک انتخاب نیست؛ بلکه ضرورتی است برای استقلال، پیشرفت و بقا در عرصه جهانی. بسیاری تصور می‌کنند انرژی هسته‌ای صرفاً برای تولید برق است و کشورها می‌توانند به‌سادگی با خرید انرژی از دیگران نیازهای خود را تأمین کنند؛ اما واقعیت این است که فناوری هسته‌ای ابعاد بسیار گسترده‌تری دارد و تسلط بر آن می‌تواند ستون مهمی از امنیت ملی، توسعه اقتصادی و ارتقای جایگاه علمی هر کشور باشد.

♦ انرژی هسته‌ای؛ فراتر از برق

در نگاه نخست، نیروگاه‌های هسته‌ای یکی از مهم‌ترین کاربردهای این فناوری شناخته می‌شوند. تولید برق از طریق انرژی هسته‌ای افزون بر ظرفیت بسیار بالا، از مزیت مهمی، مانند کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی برخوردار است. این امر در حالی که بحران انرژی و تغییرات اقلیمی به یکی از دغدغه‌های اصلی جهان بدل شده، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. انرژی هسته‌ای تنها به نیروگاه ختم نمی‌شود و کاربردهای پزشکی آن در تشخیص و درمان سرطان، استفاده از پروتوها در کشاورزی برای اصلاح بذر و افزایش بهره‌وری محصولات، تولید داروهای رادیواکتیو برای مصارف درمانی، کاربرد در صنعت نفت و گاز، کشف منابع معدنی و حتی حفاظت از آثار باستانی، بخش دیگری از توانمندی‌های این فناوری است.

به بیان دیگر، زندگی روزمره بسیاری از مردم در جهان امروز بدون بهره‌گیری از فناوری هسته‌ای عملاً قابل تصور نیست.

♦ چرا خودکفایی در انرژی هسته‌ای اهمیت دارد؟

یکی از پرسش‌های اساسی این است که چرا کشوری، مانند ایران باید در حوزه انرژی هسته‌ای

گروه مجازستان

صبح صادق

ایران در مسیر دستیابی به فناوری‌های نوین موقعیت‌یابی گام تازه‌ای برداشته است. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، راهبرد اصلی کشور برای رسیدن به دقت بالاتر در تعیین موقعیت، اتکای هم‌زمان به ماهواره‌های فضایی و سامانه‌های زمینی است؛ رویکردی که بسیاری از کشورها برای کاهش خطاهای ناوبری و افزایش امنیت ارتباطات دنبال می‌کنند.

فناوری موقعیت‌یابی جهانی با همان GPS و سامانه‌های مشابه، اگرچه امروز بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره و فعالیت‌های صنعتی به شمار می‌روند، اما به‌تنهایی قادر نیستند دقت کافی در همه شرایط جوی و



سرمایه‌آینده

نگاهی به اهمیت انرژی هسته‌ای برای آینده ایران

کشوری که چرخه کامل سوخت هسته‌ای و فناوری‌های مرتبط را در اختیار دارد، نه تنها می‌تواند نیازهای داخلی خود را برآورده کند؛ بلکه می‌تواند در بازار جهانی نیز به منزله یک بازیگر اثرگذار وارد شود.

نقش امنیت ملی و ژئوپلیتیک انرژی هسته‌ای تنها یک فناوری علمی نیست؛ بلکه ابزاری ژئوپلیتیک است. کشورهایی که توان هسته‌ای صلح‌آمیز دارند، در عرصه بین‌المللی از جایگاه متفاوتی برخوردار می‌شوند. نمونه روشن آن، کشورهایی، مانند ژاپن، کره جنوبی و هند هستند که با تکیه بر فناوری هسته‌ای توانسته‌اند جایگاه

گزارش

موقعیت‌یابی با ماهواره‌های بومی

محیطی را تضمین کنند.

تداخل‌های اتمسفری، محدودیت در دریافت سیگنال‌ها و همچنین خطاهای ناشی از ساعت‌های ناهماهنگ، از جمله چالش‌هایی هستند که می‌توانند کیفیت خدمات را تحت تأثیر قرار دهند. برای غلبه بر این مشکل، راهکار جدید بر ترکیب توان ماهواره‌ها با سامانه‌های اصلاح‌گر زمینی متمرکز است. ماهواره‌ها با مدارهای حدود ۲۰ هزار کیلومتری، امکان پوشش سراسری را فراهم می‌کنند و داده‌های موقعیت‌یابی اولیه را در اختیار می‌گذارند؛ اما این داده‌ها زمانی به دقت بالا می‌رسند که سامانه‌های زمینی با پردازش و اصلاح خطاها وارد عمل شوند.

در این شیوه، ایستگاه‌های زمینی خطاهای ناشی از شرایط محیطی را محاسبه کرده و اطلاعات تصحیح شده را برای کاربران ارسال

می‌کنند؛ روشی که دقت ناوبری را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد. اهمیت این فناوری در حوزه‌های حیاتی، مانند حمل‌ونقل هوایی و دریایی دوچندان است، جایی که کوچک‌ترین خطا می‌تواند پیامدهای جدی به دنبال داشته باشد.

کارشناسان معتقدند، هماهنگی نهادی و فنی میان سازمان‌های گوناگون برای توسعه این زیرساخت‌ها، شرط اصلی موفقیت چنین طرحی خواهد بود. از سوی دیگر، ایران برای تکمیل شبکه موقعیت‌یابی خود دو مسیر را در نظر گرفته است.

نخست، بهره‌گیری از ماهواره‌های بزرگ در مدار زمین‌آهنگ (GSO) که امکان ارائه خدمات ارتباطی و پهن‌باند را فراهم می‌کنند. دوم، توسعه منظومه‌های ماهواره‌ای در مدار پایین (LEO) که با تعداد بیشتر ماهواره‌ها

خود را در معادلات منطقه‌ای و جهانی تقویت کنند

از سوی دیگر، برخورداری از فناوری هسته‌ای بومی موجب می‌شود که کشور در برابر بحران‌های جهانی، مانند کمبود انرژی یا رقابت‌های بین‌المللی مقاوم‌تر عمل کند.

این فناوری نوعی قدرت نرم و سخت توان‌ان به شمار می‌آید؛ نرم از نظر پیشرفت علمی و سخت از منظر توانمندی در مدیریت بحران‌ها. دستاوردهای علمی و فناوری توسعه فناوری هسته‌ای بدون شک به رشد علمی در سایر حوزه‌ها نیز منجر می‌شود.

برای نمونه، تحقیقات در زمینه فیزیک هسته‌ای، علوم مواد، مهندسی مکانیک و پزشکی همگی از مسیر پیشرفت در فناوری هسته‌ای شتاب بیشتری می‌گیرند. این امر موجب تربیت متخصصان و دانشمندان برجسته، ارتقای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و در نهایت گسترش فرهنگ علمی در جامعه می‌شود. نگاه به آینده با توجه به روندهای جهانی، آینده انرژی بیش از پیش به سمت منابع پاک و پایدار حرکت می‌کند. در این میان، انرژی هسته‌ای یکی از گزینه‌های اصلی برای تولید برق کم‌کربن و پایدار خواهد بود.

کشورهایی که امروز سرمایه‌گذاری و خودکفایی در این حوزه را جدی بگیرند، در آینده نه چندان دور دست بالا را در اقتصاد انرژی جهان خواهند داشت.

در نهایت اینکه انرژی هسته‌ای صرفاً یک فناوری صنعتی نیست؛ بلکه سرمایه‌ای استراتژیک برای استقلال، توسعه و امنیت کشورهاست. ایران با توجه به ظرفیت‌های علمی و منابع طبیعی خود، اگر در این مسیر خودکفا شود، نه تنها نیازهای حیاتی مردم خود را تضمین کرده؛ بلکه می‌تواند به الگویی برای کشورهای دیگر نیز تبدیل شود. خودکفایی در این حوزه به معنای تضمین آینده‌ای مطمئن‌تر برای نسل‌های بعدی است؛ آینده‌ای که در آن وابستگی جای خود را به توانمندی و فشارهای خارجی جای خود را به اقتدار ملی خواهد داد.

می‌توانند پوشش گسترده‌تر و انعطاف بیشتری

در ارائه خدمات داشته باشند. البته این مسیر با هزینه‌های بالاتر و نیاز به فناوری‌های پیشرفته‌تر، از جمله ساعت‌های فوق دقیق همراه است.

با وجود این چالش‌ها، راهبرد ترکیبی ایران چشم‌اندازی روشن برای آینده ترسیم می‌کند. توسعه موقعیت‌یابی دقیق، علاوه بر کاربردهای عمومی و روزمره، می‌تواند در حوزه‌های امنیتی، نظامی، لجستیک، کشاورزی هوشمند و مدیریت بحران نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا کند.

به این ترتیب، ایران با ترکیب فناوری‌های فضایی و زمینی در حال حرکت به سمت نسلی تازه از ناوبری است؛ نسلی که دقت، امنیت و استقلال فناوریانه را به‌طور هم‌زمان هدف گرفته و می‌تواند جایگاه کشور را در میان قدرت‌های فضایی ارتقا دهد.

خبر خوب

همراه ملی

استقبال بازار از گوشی‌های ایرانی



گوشی‌های تولید شده در کارخانه‌های منطقه صنعتی پیام با ظرفیت تولید روزانه هزاران دستگاه، نشان می‌دهند که ایران در مسیر تحقق رؤیای ساخت تلفن همراه ملی و رقابت با برندهای جهانی گام برداشته است. روزانه حدود هزار دستگاه گوشی دکمه‌ای در خط تولید این کارخانه ساخته

می‌شود و مراحل تولید با دقت و استانداردهای بالایی انجام می‌گیرد. ابتدا بردهای گوشی به صورت خام وارد کارخانه می‌شوند و سپس چهار مرحله اصلی نرم‌افزار مربوطه به روزرسانی می‌شود.

۱۳

مجازستان

شماره ۱۲۰۶ | دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴

صداق

نکته‌گرام

الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی

دولت: اتهام‌زنی‌های رئیس‌جمهور آمریکا نمی‌تواند واقعیت را پنهان کند؛ امروز تهدید اصلی صلح و ثبات جهانی، اشغال‌گری و تروریسم دولتی اسرائیل است که با حمایت همه‌جانبه آمریکا ادامه دارد. جهان فراموش نکرده است که در همین دو سال اخیر، رژیم صهیونیستی با حمایت واشنگتن، بزرگ‌ترین جنایت‌های تاریخ معاصر را در غزه رقم زده است و مدعیان امنیت، شریک کشتار کودکان اند.

علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم

جمهوری اسلامی ایران در امور بین‌الملل:

در ایران عزیز پهلوانی سابقه‌ای کهن دارد و پهلوانان همواره محبوب دل مردم بوده‌اند. ثبت رکورد تاریخی قهرمانی هم‌زمان تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی جمهوری اسلامی ایران را به مدیران و مسئولان این تیم و ورزشکاران باغیرت و مردم شریف ایران تبریک می‌گویم.

کنعانی، سخنگوی پیشین وزارت خارجه:

«دفاع مقدس» تجلی «اتحاد مقدس» ملت غیور ایران در دفاع از وطن و نوامیس اسلام در برابر تجاوز بیگانگان به تحریک آمریکا بود. پاسداشت و ترویج فرهنگ دفاع مقدس امنیت، پیشرفت و اقتدار ایران را تضمین خواهد کرد.

سیدمحمد حسینی، وزیر اسبق فرهنگ و

ارشاد اسلامی: بعد از تجمعات مردمی،

اعتراضات در دانشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و پارلمان‌های اروپایی نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی، حالا نوبت دولت‌هاست که زیر فشار افکار عمومی در حمایت از مظلومان غزه موضع بگیرند. با ایستادن در طرف درست تاریخ نخست‌وزیر اسپانیا گفت: آنچه در غزه رخ می‌دهد نسل‌کشی است.

محمد مخبر، مشاور و دستیار رهبر معظم

انقلاب: از خاک‌پزهای فاو تا سنگرهای خان‌یونس، خط ممتد مقاومت کشیده شده؛ خطی که نه مرز می‌شناسد و نه زمان. از دفاع مقدس ۸ ساله تا ۱۲ روزه، پیام یکیت: دفاع همچنان باقیست.

جمال ریان، مجری شبکه خبری الجزیره:

خداوند ایران مسلمان را جایگزین‌ما عرب‌ها کرده تا با صهیونیست‌ها بجنگد. ایران کشوری است که اکنون پرچم اسلام را به دوش می‌کشد و این پرچم جز با حمایت و اتحاد عرب‌ها با ایران به آنها (عرب‌ها) باز نخواهد گشت.

محمدحسین پویانفر، مداح اهل بیت(ع):

زور مدال‌های بچه‌های کشتی از اسنپ‌یک بیشتر بود! وقتی مردم با افتخار از قهرمانی‌ها حرف می‌زند، دیگر کسی حواسش به اسنپ‌بک و سنجاق‌قفل‌ی نیست. مدیریت افکار عمومی فقط با بستن دکمه کت انجام نمی‌شود؛ گاهی باید به حال و احوال روح و روان ملت هم سری زد.

بهادری جهرمی، سخنگو و دبیر هیئت دولت

شهید رئیسی: شورای امنیت و غرب بارها به مشروعیت خود ضربه زدند؛ اما هربار جریانی در داخل بجای روشنگری، آثار فروپاشی این نظم ظالمانه را می‌پوشاند! رویه اعتمادساز، اکنون نیازمند تجدیدنظر جدی و اقدام متقابل مناسب است. بانیان بر جسام صادقانه بخاطر تضییع گسترده حقوق مردم، اقلاً عذرخواهی کنند.

امانی، دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی: رأی

منفی ۹ کشور به قطعنامه تأیید پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای، جلوه‌ای آشکار از سیاسی‌کاری و معیارهای دوگانه در نظام بین‌الملل است؛ اقدامی که بیش از آنکه ایران را هدف قرار دهد، مشروعیت و اعتماد به شورای امنیت را خدشه‌دار می‌سازد.

قبیله عشق

مهر بان مثل محمد



«شهید محمد شایان‌فرد» متولد ۱۳۷۸،، سحرگاه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، در ۲۵ سالگی در پایگاه عاشورای چیتگر تهران، طی جنگ ۱۲روزه ایران و رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. وی که تنها شهید استان سیستان و بلوچستان در این نبرد بود، به دلیل شایستگی‌های نظامی و استعداد درخشان، از زادگاهش به نیروی هوافضای سپاه در تهران منتقل شده بود. نام او اکنون در کنار «سردار شهید حاجی‌زاده» ثبت شده است؛ شهیدانی که با خون‌شان پاسخ تجاوز را نوشتند، پیش از آنکه پهلپادها و موشک‌های ایرانی بر فراز حیفاً و تل آویز پرواز کنند.

مادر شهید می‌گوید: «محمد عاشق حاج قاسم بود. روزی که محمد در جه و لباس نظامی‌اش را تحویل گرفت، به حرم حضرت معصومه(س) در شهر قم رفت تا لباس هایش را متبرک کند، سپس در مسیر قم-زاهدان به مزار حاج قاسم می‌رود و مجدداًلباس‌ها را در آنجا متبرک می‌کند و از خداوند می‌خواهد تا شجاعت سردار سلیمانی را به او بدهد. روزی که خبر شهادت حاج قاسم پخش شد، محمد گفت: «دعا کنید منم مثل حاج قاسم شهید شوم؛» شجاعتش را داشته و در راه مبارزه با دشمن و کفار شهید شوم که همین گونه نیز شد. محمد بار دوم که بعد از شروع کارش با یکی از همکارانش به کرمان رفته بود، با همکاریار تصمیم گرفت لباس نظامی بپوشد و سر مزار حاج قاسم بروند و برای شهید سلیمانی ادای احترام نظامی کنند که این کار را کردند.» مادر شهید درباره مهربانی محمد می‌گوید: «در حرم اسام رضا(ع) برای زوار امام رضا(ع) خدمت می‌کرد و در حرم با ویلچر به استقبال پیرمردها و افراد ناتوان می‌رفت. در محیط کار نیز با روحیه‌ای جهادی، پس از پایان شیفت، کنار همکاران می‌ماند تا از پایگاه دفاعی محافظت کند.

یادم است یک بار بعداز ظهر، محمد به بازار رفته بود وروبروی سازمان انتقال خون متوجه می‌شود که شخصی یک بسته مشکوک را می‌گذارد و به سرعت دور می‌شود؛ محمد بلا فاصله به نیروی انتظامی و اطلاعات خبر می‌دهد؛ وقتی مأمورهای چک و خنثی می‌آیند وبررسی می‌کنند، متوجه می‌شوند در آن بسته و در قالب یک کارتن گوشتی، بمب کار گذاشته شده بود که خنثی می‌شود.»

پدر شهید می‌گوید: «محمد خیلی زیاد به حضرت آقا علاقه داشت. طوری که صدای زنگ گوشی او همواره سخنرانی‌های رهبری بود. در ایام محرم خانه را سیاه پوش می‌کرد؛ همیشه در هیئت‌ها و دسته‌ها شرکت می‌کرد و تا آخر مراسم می‌ماند و می‌گفت: به برکت اسام حسین(ع) در این کار و شغل قبول شده‌ام. آرزوی محمد این بود که عضوی از سربازان گمنام امام زمان(ع) باشد و عمرش را برای نظام و رهبری صرف کند.» پدر شهید درباره مهربانی محمد می‌گوید: «یک روز زمستان بدون کاپشن به خانه آمد. وقتی پرسیدیم، گفت آن را به نیازمندی بخشیده که در سرمای زاهدان می‌لرزید.» همچنین مادرش می‌گوید: «محمد همیشه پیاده به دانشگاه می‌رفت تا هزینه‌ای بر دوش خانواده نباشد.»



کتاب، والاترین جایگاه را در گستره‌های فردی و اجتماعی داراست که بر اندیشه‌ها و دل‌ها می‌درخشد و پیوسته بر زندگانی نورافشانی خواهد کرد. با توجه به اهمیت مسئله کتابخوانی در نبرد شناختی، سپاه برای انجام یک اقدام فراگیر برای توسعه و افزایش سرسرا نه مطالعه کارکنان در قالب نهضت کتابخوانی در سپاه برنامه ریزی کرده است که با ابلاغ راه اندازی ستاد برگزاری نهضت کتابخوانی در رده های سپاه، همزمان با هفته دفاع مقدس، نهضت کتابخوانی آغاز شد. برای اطلاع از سازوکار این نهضت و شرایط شرکت در آن با «سردار حسین محبی» معاون فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه مشروح آن آورده می‌شود.

ابتدا درباره نهضت کتابخوانی در سپاه توضیح مختصری ارائه دهید.

ضمن گرامیداشت هفته دفاع مقدس، در شرفیابی اخیر نماینده ولی فقیه در سپاه به محضر فرمانده معظم کل قوا، در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۴۰۳، پس از ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده در حوزه تبلیغ و ترویج کتاب و کتابخوانی در سپاه، معظم‌له فرمانی مبنی بر توسعه، ترویج و گسترش فرهنگ کتابخوانی در سپاه به شرح زیر صادر فرمودند: «کتاب تولید بشود، یکی از چیزهایی که تأثیر زیادی دارد، شرح حال شهیداست، شرح حال شهدا ترویج بشود. کتابهایی که بنده می‌خوانم و گاهی با عنوان تقریظ پشت آن کتاب چند کلمه می‌نویسم، خیلی خیلی اثرگذار است. وقتی یک جوان در کتاب می‌خواند: جوانی با داشتن زن و فرزند یا پدر و مادر مهربان و محتاج، ترجیح می‌دهد به دفاع برود و جان خودش را فدای اسلام بکند، این خیلی اثر می‌گذارد. بنده که این کتاب‌ها را می‌خوانم خیلی اوقات اشک می‌ریزم، یعنی تأثیرش در من که پیرمردی هستم، این جور است، یقیناً خواندن کتاب هاد در آن جوان اثر می‌گذارد. فکر کنید و کتاب‌هایی از این قبیل را پیدا کنید که اثر هنری داشته باشد و تأثیرگذار باشد و به شکل مناسبی برنامه ریزی شود که دست به دست بچرخد که جوان‌ها بخوانند، به نظم اثر می‌کند.»

پس از برگزاری جلسات متعدد هم اندیشی با معاونین و کارشناسان مرتبط در حوزه نمایندگی، کمیته ای تحت عنوان کمیته نهضت کتابخوانی با مسئولیت معاونت فرهنگی و تبلیغات در سپاه راه اندازی شد تا برنامه ریزی لازم به منظور عملیاتی نمودن فرمان صادره به عمل آید. در این کمیته در ابتدا اسند انتظار نهضت کتابخوانی در سپاه و ذیل این سند، شنش طرح مرتبط با موضوع نهضت کتابخوانی به شرح زیر تدوین شد:

تدوین منشور ولایت پیرامون کتابخوانی و ترویج فرهنگ انس با کتاب در جامعه مخاطب؛

تدوین سند راهبردی انگیزشی کتابخوانی و ایجاد اشتیاق و تعمیق روحیه مطالعه و کتابخوانی در جامعه هدف؛

تدوین پیوست فرهنگی نهضت کتابخوانی برای محیط های اداری، شهرک های سازمانی، فروشگاه های عرضه کالاها ی مصرفی سپاه و بسیج؛

تدوین راهبردها و راهکارهای تقویت و توسعه کمی و کیفی کتابخانه های عمومی ثابت و سیار و شیوه اداره و بهره برداری از آن؛

تدوین سند حمایتی سازی سازمان از کتابخوانی (اختصاص یارانه ویژه کتاب)؛

پیاده سازی، فراگیری و فرهنگ سازی کتابخوانی.

پس از تدوین سند انتظار و شنش طرح تکمیلی سند توسط کمیته نهضت کتابخوانی، همزمان با راه اندازی ستاد نهضت کتابخوانی در ستاد سپاه، همزمان با هفته دفاع مقدس راه اندازی این ستاد در سلسله مراتب سپاه در رده های زیر مجموعه از طریق حوزه فرماندهی و نمایندگی ابلاغ شد.

در این ستاد که با حضور معاونت های ذیربط از فرماندهی و نمایندگی تشکیل خواهد شد علاوه

معاون فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

نخستین نهضت سراسری کتابخوانی سپاه برگزار می‌شود

کنند و در فروشگاه‌های سپاه غرفه‌ای برای عرضه و فروش کتاب ایجاد شود یا کتابخانه‌های سیار یا اتاق‌های مطالعه تأسیس شود؛ «سند مطالعاتی» و «سند حمایتی» که براساس آن فرماندهان و مسئولان سپاه به حمایت از کتابخوانی خواهند پرداخت.

به موضوع تولید کتاب‌های صوتی اشاره کردید، پیشتر هم چندین کتاب صوتی در مجموعه شما تولید شده است، در این باره توضیح می‌دهید؟

تولید کتاب صوتی در موضوعات مختلف از جمله اقدامات ویژه و مهم در حوزه تبلیغ و ترویج کتابخوانی است. این برنامه با نام همسفر دانا، با هدف پر نمودن اوقات فراغت فرماندهان، مسئولان، مدیران، کارکنان و خانواده‌ها در مأموریت‌ها و مسافرت‌ها باعث شده است علاوه بر کارکنان، خانواده‌های آنها نیز از این تولیدات بهره‌مند شوند. ۳۰ کتاب تولید شده تاکنون، به مدت زمان ۲۱۵



عکس: حامد گودرزی

ساعت توسط ۶۱۰ نفر از هنرمندان در قالب نمایشنامه صوتی تولید شده و تاکنون نزدیک به ۷۲ میلیون دقیقه توسط مخاطبین شنیده شده است. ۲۴ویژگی موجود در کتاب های صوتی معاونت فرهنگی و تبلیغات آثرا از دیگر کتاب های صوتی تولید شده در کشور متمایز می کند.

در حوزه فضایی مجازی هم اقداماتی برای افزایش کتابخوانی انجام داده‌اید؟

راهاندازی کانال ویژه کتابخوانی، انتشار فایل های کتاب صوتی در فضا های مجازی در اختیار و بارگذاری در سایت های مختلف از جمله سایت فرهنگیاران، سایت سراج اندیشه، سایت بصیرت و سایت های متعدد رده‌ای و استانی برای بهره برداری رایگان کارکنان و مردم، برگزاری کارگاه های توجیهی برای همیاران و مروچین کتاب، برگزاری پویش های مجازی کتابخوانی و همچنین معرفی کتاب های مهم و اثرگذار در بستر فضایی مجازی برای فرماندهان و مسئولان از جمله اقدامات محوری برای ترویج و تبلیغ کتاب در فضای مجازی است.

منابع مسابقه نهضت کتابخوانی انتخاب شده‌اند؟

بله کتاب های مورد نظر انتخاب شده اند اما موضوعاتی که مهم است: یکی منابع مسابقه و دیگری شیوه برگزاری آن است. در مورد منابع مسابقه، بر اساس جست‌وجوها، حضرت آقا بالغ بر ۲۵۰ کتاب را تقریظ کرده‌اند. از این ۲۵۰ کتاب، حدود ۵۳ کتاب مربوط به دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم است. این ۵۳ کتاب تهیه و برای بررسی به کارشناسان ارائه شد تا مطابق با مطالبه رهبر معظم انقلاب کتاب های مورد نظر برای جامعه مخاطب انتخاب شوند.

ایسن کتاب چقدر شرح حال شهدا را ترویج می‌کند؟ چقدر مباحث دفاع مقدس را ترویج می‌کند؟ چقدر برای خواننده اثرگذار است؟ کارشناسان بر اساس فرم خاصی نمره دهی نموده و بعد از تبادل نظر کتاب نهایی برای پنج صنف انتخاب شد که بعد از بررسی های نهایی و انجام هماهنگی با انتشاراتی های مورد نظر، این کتاب‌ها معرفی و مبنای مسابقه کتابخوانی قرار خواهد گرفت.

درباره شیوه و نحوه برگزاری این نهضت هم توضیح می‌دهید؟

طی یکی دو سال گذشته برگزاری همایش رده ای نماز، یک اقدام موفق در سپاه بوده که موفقیت خوبی داشته است. با این تجربه موفق، برنامه ریزی برای اقدام مشابه در حوزه کتابخوانی و نهضت کتابخوانی مطابق الگوی همایش های نماز در رده های سپاه به شرح زیر انجام شد:

الف: مرحله استانی و رده ای شامل:

– اطلاع رسانی برگزاری مسابقه بصورت فراگیر از طریق چاپ و توزیع پوستر فراخوان، رسانه های داخلی، صدا و سیمای استانی و پیام رسان های فضای مجازی و ... شامل: منبع مسابقه، زمان و مکان مسابقه و جامعه هدف و ...

– برگزاری مسابقه در بازه زمانی یک ماهه در تمام رده ها بصورت حضوری و برخط

– برگزاری مراسم تجلیل از برترین ها با اطلاع رسانی وسیع از طریق صدا و سیما و تبلیغات داخلی ، پیام رسان ها و ... و با دعوت از فرماندهان، مسئولان ، مدیران و آحاد کارکنان و دعوت از مسئولان لشکری و کشوری استانی و سازمان های فرهنگی استان و شخصیت های برجسته حوزه کتاب استان و ... و اهداء جوائز برگزیدگان

– ارسال اسامی برترین ها هر صنف برای شرکت در مسابقه نهایی بین رده ای (کشوری)

ب: مرحله سراسری در ستاد کل سپاه: (مسابقه بین رده ای)

– اطلاع رسانی برگزاری مسابقه سراسری بصورت فراگیر از طریق چاپ و توزیع پوستر فراخوان، رسانه های داخلی، صدا و سیما و پیام رسان های فضای مجازی و ... شامل: منبع مسابقه، زمان و مکان مسابقه و جامعه هدف و ...

– برگزاری مسابقه در تاریخ اعلام شده به صورت متمرکز توسط ستاد کل سپاه

– برگزاری مراسم تجلیل از برترین ها با اطلاع رسانی وسیع از طریق صدا و سیما و تبلیغات داخلی، پیام رسان ها و ... و با دعوت از فرماندهان، مسئولان، مدیران و آحاد کارکنان ستاد کل سپاه و دعوت از مسئولان لشکری و کشوری و سازمان های فرهنگی کشور و شخصیت های برجسته حوزه کتاب و ... و اهداء جوائز برگزیدگان

لازم به ذکر است که مرحله اول مسابقه بین کارکنان در رده های سپاه برگزار خواهد شد و مرحله دوم مسابقه بین رده ای بوده و نمایندگان برتر هر رده با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت.

نماینده محترم ولی فقیه در سپاه تأکید فرمودند، تا سال آینده، همه کارکنان سپاه و مخاطبان با توجه به هر صنف، کتاب های مورد نظر را مطالعه کرده باشند. چه آنهایی که در مسابقه شرکت می‌کنند و چه آنهایی که از راه‌های دیگر این کتاب‌ها را مطالعه می‌کنند.

آیا در موضوع ایجاد نهضت کتابخوانی به وظایف سازمانی هم اشاره شده است؟

بله، یکی از طرح شنش گانه سند نهضت کتابخوانی، ایجاد بسترهای زیرساختی برای کتابخوانی است. همچنین الزام به کتابخوانی البته با مشوق های لازم، پیش بینی گنجاندن کتاب برای مطالعه در دوره‌های عقیدتی، ایجاد زنگ کتاب در سازمان، ایجاد کتابخانه های ثابت و سیار مجهز، پیش بینی سبد حمایتی برای خرید کتاب از جمله مواردی است که سازمان برای ایجاد بستر مطالعه کتاب به آنها توجه ویژه ای خواهد داشت.

در مهر ۱۴۰۲، پژوهشی به نام «پروژه وضعیت شناسی کتابخوانی در سپاه»، به سفارش معاونت فرهنگی و تبلیغات توسط پژوهشگاه امام صادق(ع) قم، در رده های سپاه انجام شد. در این پژوهش الگوی مطلوب مطالعه و کتابخوانی در سپاه

بررسی و ضمن وضعیت سنجی سرسرا نه مطالعه، به ارزیابی برنامه‌های اجرا شده در حوزه مطالعه و کتابخوانی پرداخته شد. مزیت این پژوهش ارائه الگوی مطلوب کتابخوانی و مطالعه در سطح سپاه بود که با تکیه بر وضعیت شناسی، وضعیت سنجی، مشاهدات میدانی، مطالعه نمونه‌های داخلی و خارجی و مصاحبه با مسئولان و خبرگان حوزه کتابخوانی بود. در این الگو وضعیت کتاب و کتابخوانی کارکنان سپاه در کشور به تفکیک هر رده، به صورت مشخص انجام شده است.

امروز زمان روایت فتح و پیروزی است!



وعده نصرت به مؤمنان داده است. این روایت نصرت الهی در این دو جنگ و البته در ۴۶ سال گذشته در حوزه‌ها و مقاطع مختلف، امید به آینده را بیشتر و تصویر آینده را برای ما شفاف‌تر می‌کند.»

سردار جوانی خاطر نشان کرد: «شهید بزرگوار حاج کاظم کاظمی، که آن موقع در سازمان حفاظت اطلاعات بود، در مصاحبه‌ای با سایت دفتر آقا گفت: «در فتنه ۱۳۸۸، حضور ۲۰ کشور و قریب به ۵۰ سرویس جاسوسی و اطلاعاتی غرب، مثل MI۶، موساد و CIA را داشتیم.» آقا فرمودند: «من در دل خود مهندسی دشمن را دیدم.» همه‌چیز آماده بود. سال ۱۳۸۸ گفتند: «دیگه تمومه!» جمهوری اسلامی تا پایان سال ۱۳۸۸ دوام نمی‌آورد. در این جنگ ۱۲ روزه، در همان لحظات ابتدایی عملیات، تعداد

مراسم تکریم از رزمندگان، آزادگان، جانبازان دوران هشت سال دفاع مقدس، کانون وابستگان و معاونت نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه برگزار شد.

به گزارش خبرنگار صبح صادق، در این مراسم «سردار یدالله جوانی» معاون سیاسی سپاه با اشاره به اینکه دیدار با رزمندگان، جانبازان و آزادگان هشت سال دفاع مقدس یک توفیق است، خاطر نشان کرد: «زمانی تعدادی از همسران شهدای لشکر فاطمیون در محضر رهبر معظم انقلاب بودند. ایشان خطاب به آنان فرمودند: «شما می‌دانستید که همسران‌تان از اولیای خدا هستند.» فلذا قدر این مسیر را بدانید و شاکر باشید. با همان نگاه شهید سلیمانی که در ابتدای وصیت‌نامه‌اش، پیش از هر چیز، حمد و سپاس خدا را می‌گوید که او را از نسلی به نسلی، از صلبی به صلبی، تا در دوره قیام امام، حکومت اسلامی و ولایت فقیه حیات بخشیده است. میاد با دلایلی، مشکلاتی یا گله‌هایی، از آن لحظه‌های نورانی ابراز پشیمانی یا ندامت شود. یا کسانى را ببینیم که راه دیگری رفتند؛ و این دنیای فانی را انتخاب می‌کنند و می‌روند. آنچه شما اندوخته‌اید، هم‌ا‌تان می‌برید.»

وی ادامه داد: «ما دو فتح در این رویارویی‌ها داشتیم که باید مدام از جنبه‌های گوناگون روایت شود؛ نخست، چرا با ما جنگیدند و دشمنی‌شان برای چه بود؟ دوم، اهداف‌شان چه بود؟ و سوم، چرا با این همه عده و تجهیزات موفق نشدند؟ این سومی اگر خوب روایت شود، نشانه‌و دلیلی بر حقانیت این ملت و صدق کلام الهی است که

سردار نقی‌زاده خبر داد

مسابقات ورزشی پاسداران ادامه‌دار است



پس از پیروزی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، روحیه‌بخشی به کارکنان یکی از اقدامات روان‌شناسانه در سازمان‌هاست. در این راستا «ورزش» بهترین و ساده‌ترین گزینه است که می‌تواند هم روحیه نیروها را نشاط ببخشد و هم انگیزه آنها را برای ورود به ورزش بیشتر کند! از این رو معاونت انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه مسابقات ورزشی برگزار کرده است؛ برای آگاهی از روند این مسابقات با «سردار حسن نقی‌زاده» گفت‌وگو کردیم.

هدف از برگزاری این مسابقات چیست؟

به مناسبت گرامیداشت هفته‌دفاع مقدس، مسابقات ورزشی را برای کارکنان خودمان در پنج رشته ورزشی، شامل ورزش‌های تیمی مانند فوتبال و ورزش‌های انفرادی مانند تیراندازی، پیش‌بینی کردیم. گفتنی است، تیم‌ها معرفی شده‌اند و ان‌شاءالله طی چند هفته این مسابقات برگزار می‌شود.

در شهرهای دیگر هم این مسابقات برقرار است؟

این مسابقات در تهران و قم برگزار می‌شود. همچنین، با همه رده‌ها هماهنگی کرده‌ایم تا این روند را دنبال کنند. تعداد تیم‌ها و شرایط‌شان ان‌شاءالله در همین ایام پیگیری و اجرا می‌شود. این مسابقات در راستای افزایش آمادگی جسمانی، روحی و روانی و برای ایجاد نشاط، تازگی و شادابی پیش‌بینی شده است.

چه کسانی در این مسابقات شرکت می‌کنند؟

فرماندهان و معاون‌ها در این مسابقات شرکت کرده‌اند. در تیم‌های ما، سربازان و کادر حضور دارند. از آنجا که آمادگی جسمانی اهمیت بسیاری دارد، معمولاً افرادی که آمادگی جسمانی بالایی

دارند، به‌ویژه فرماندهانی که تحرک و دوندگی زیادی دارند، در این مسابقات شرکت می‌کنند. برخی از مدیران ما نیز در این تیم‌ها حضور دارند. بنده قبلاً در رشته تکواندو شرکت می‌کردم.

آیا این مسابقات ادامه دارد؟

تیم‌های منتخب معرفی می‌شوند و باید خودشان را برای مسابقات بعدی، چه در داخل مجموعه و چه در خارج از آن، آماده کنند. برای نمونه، مسابقاتی در سطح کلان‌تری پیش‌بینی شده است که با مجموعه‌های دیگر برگزار می‌شود. ما هیئت کوهنوردی فعالی داریم و هیئت‌های دیگری نیز برای مجموعه پیش‌بینی کرده‌ایم. ان‌شاءالله این مسابقات به‌صورت مستمر و ادامه‌دار برگزار شود.

مسئولیت این مسابقات بر عهده کدام مجموعه است؟

مسئولیت کلان مسابقات بر عهده مجموعه ماست. برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌های لازم انجام شده و امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای این مسابقات فراهم شده است. الحمدلله با همکاری همه برادران و انگیزه ورزشکاران، امروز شاهد این طراوت و شادابی هستیم. این موضوع ما را تشویق می‌کند تا به سمت برگزاری مسابقاتی که تاکنون برگزار نشده‌اند، حرکت کنیم.

سردار فرجیان‌زاده مطرح کرد

ایجاد شادابی در محل خدمت اولویت ماست



معاونت انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه مسابقات ورزشی در ورزش‌های تیمی نظیر فوتبال و ورزش‌های انفرادی نظیر تیراندازی برگزار کرده است؛ برای آگاهی از روند این مسابقات به گفت‌وگو با «سردار فرجیان‌زاده»، معاون هماهنگ‌کننده نمایندگی ولی فقیه در سپاه نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

سردار فرجیان‌زاده، به نظر شما ویژگی اصلی این قبیل مسابقات چیست؟

از جمله تدابیر نماینده محترم ولی فقیه در سپاه، توجه بیشتر به مسائل ورزش و آمادگی جسمانی است. این ورزش و آمادگی جسمانی در سلامتی، نشاط و شادابی کارکنان تأثیر دارد و این نشاط و شادابی طبیعتاً در کارشان، پیشرفت وظایف‌شان و انجام مسئولیت‌های‌شان تأثیر بسیار مثبت و مؤثری خواهد داشت. امسال به مناسبت چهل‌وپنجمین سالگرد هفته دفاع مقدس، جشنواره ورزشی پیش‌بینی شد. این جشنواره ورزشی در رده‌های نمایندگی برگزار می‌شود.

یکی از اقداماتی که می‌توان برای روحیه‌بخشی در کارکنان ایجاد کرد، مسئله ورزش است.

اعتقاد ما این است که در حوزه شادابی و نشاط در محیط کار باید اقدامات مؤثرتری انجام دهیم. پس از عملیات دفاع مقدس ۱۲ روزه، ضرورت بیشتری احساس شد که در حوزه نشاط و شادابی در محیط کار اقدامات بیشتری انجام شود. این جشنواره و مسابقات ورزشی می‌تواند بخشی از این هدف را محقق کند. روحیه کارکنان ما از وضعیت بسیار خوبی برخوردار است و استقبال خوبی از ورزش صورت می‌گیرد.

یکی از درخواست‌های کارکنان ادامه‌دار بودن این قبیل مسابقات است.

برنامه‌ریزی شده است که ان‌شاءالله به‌مناسبت‌های دیگر در طول سال نیز این جشنواره‌ها ادامه یابد و این روند تقویت و توسعه داده شود. این برنامه که به مناسبت هفته دفاع مقدس برگزار می‌شود، بیشتر نیز برگزار شده بود، اما امسال به حمدالله با رشته‌های بیشتر، حضور گسترده‌تر کارکنان، برنامه‌ریزی بهتر و تقویت بیشتر کار، شاهد حضور همه کارکنان در این مسابقات هستیم.

الحمدلله استقبال از این مسابقات چشمگیر است؛ نظر شما چیست؟

بله! بسیاری از کارکنان در این مسابقات شرکت کرده‌اند؛ تیم داده‌اند؛ حتی عزیزان روحانی ما نیز افتخار می‌دهند و در ورزش شرکت می‌کنند. این برای ما بسیار آموزنده است. آن‌ها همیشه پیشنهاد داده‌اند و در این حوزه نیز پیشنهاد هستند.

خود شما هم با لباس ورزشی در این مراسم شرکت کرده‌اید؟

وقتی لباس ورزشی می‌پوشید، حس ورزشی به شما دست می‌دهد. پوشش واقعاً تأثیر بسیاری دارد. امیدوارم بتوانیم در خدمت برادران‌مان باشیم و در این عرصه نیز خدمت کنیم. علاقه من به ورزش والیبال بوده، اما الان بیشتر به شنا و فعالیت در استخر مشغولم. مطمئناً جوانان در این مسابقات بهتر می‌توانند حضور پیدا کنند و به سبب انرژی و نشاط بیشتری که دارند افراد بیشتری را جذب کنند.

خبر

صعود قتل سرکچال

در حرکتی نمادین و با شکوه، تیم‌های منتخب کوهنوردی نیروهای مسلح هم‌زمان با ایام‌الله هفته دفاع مقدس، قتل سرکچال را صعود کردند. این برنامه با حضور ۲۷ نفر از کوهنوردان منتخب از سازمان‌های ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، فراجا و سپاه به سرپرستی «جواد نوروزی» مربی با سابقه و مسئول کمیته همپالیانوردی فدراسیون کوهنوردی، پس از اقامه نماز صبح و توجیهات فنی آغاز شد. کوهنوردان نیروهای مسلح، پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران را بر بلندای این قتل به اهتزاز درآوردند و با قرائت فاتحه، صعود خود را به روح پاک شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس تقدیم کردند.

افتتاح پروژه آبرسانی

با حضور وزیر نیرو و پروژه بزرگ آبرسانی به ۷۲ روستای شهرستان الیگودرز با احداث ۱۳۲ ایستگاه، مخازن جدید و خطوط انتقال آب به بهره‌برداری رسید؛ طرحی به ارزش ۳۵ میلیارد تومان که با همکاری سپاه استان لرستان و قرارگاه امام حسن مجتبی (ع) اجرا شده و آب پایدار را به هزاران خانوار روستایی رسانده است. «عباس علی آبادی» وزیر نیرو، در آیین افتتاح پروژه بزرگ آبرسانی به ۷۲ روستای شهرستان الیگودرز وضعیت آب کشور را بحرانی‌ترین چالش پیش‌روی ایران خواند و هشدار داد، پس از پنج سال خشکسالی پیاپی، پاییز سختی در انتظار کشور است. وی گفت: «ایران شرایطی سخت‌تر از میانگین جهانی دارد.»

روی خط

تنها یک نسخه وجود دارد!

۰۹۳۷۰۰۰۶۳۱۷/ این روزها دشمنان حتی از یادبود شهید سیدحسن نصرالله می‌ترسند! سیدجان چه آتشی بر جان این ظالمان تاریخ انداختی که بعد از فتنه هم هنوز می‌سوزند. **۰۹۱۷۰۰۰۳۳۴۳/** هفته دفاع مقدس را به همه خانواده‌های شهید، جانبازان، ایثارگران و آزادگان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم؛ از مسئولان تلویزیونی و رسانه‌ای می‌خواهم جنگ تحمیلی هشت ساله و دوازده روزه را با هم مقایسه کنید و نقاط اشتراک هر دو را بازگو کنید و پیشرفت کشورمان را به مردم نشان بدهید.

۰۹۱۲۰۰۰۳۰۲۱/ آقای ظریف باز هم می‌آیی با همان ژست روشنفکر مآبانه بنشین روی صندلی و بگویی مکانیسم ماشه در برجام وجود ندارد؟ مکانیسم ماشه قابل عملیاتی شدن نیست؟

۰۹۲۱۰۰۰۴۴۵۷/ ای کاش همان موقع که ایران از پای سخنرانی‌ها تانیا‌هو بیرون می‌رفتند کشورهای دنیا یک توجهی به این اقدام ایران می‌کرد شاید در این سال‌ها دیگر شاهد این حجم از کشتار بی‌رحمانه صهیون‌ها علیه مردم مظلوم غزه نبودیم.

۰۹۱۲۰۰۰۶۶۷۱/ باید در همه عرصه‌ها قوی بشویم. این تنها نسخه شفا بخش کشور در این شرایط است؛ نگویید پیر شدیم از ما گذشته است یا به فرزندانتان نگویید که بچه است بگذارید بازی کند. امروز پیر و جوان و کودک و نوجوان همه باید به میدان بیایند و تلاش کنند. امروز روز تلاش است.

۰۹۳۷۰۰۰۴۱۴۵/ دم شما گرم آقای پزشک‌بان! همین که عکس کودکان و زنان و مردان بی‌گناه ایران را در سازمان ملل نشان دادید و صدای خونخوااران عالم را درآوردید از شما ممنونیم. **۰۹۳۷۰۰۰۶۷۸۸/** کشوری که خود را در بالاترین نقطه پیشرفت می‌بیند نمی‌تواند یک پله برقی، یک صفحه نمایش را مدیریت کند؛ حالا وقتی برق برای چند دقیقه در ورزشگاه ما می‌رود این کاسه‌لیسان غرب زبان باز می‌کنند و هو می‌کشند. خاک بر سر بی‌وجودتان کنند.

۰۹۲۱۰۰۰۹۹۷۳/ خدا رهبر معظم انقلاب را حفظ کند که با این سخنرانی هم دل ما را شاد کرد و هم نقشه‌ای را که اصلاح‌طلبان برای پزشک‌بان کشیده بودند را خنثی کرد؛ چرا این اصلاح‌طلبان از رو نمی‌روند چرا این همه اصرار به دیدار با ترامپ دارند! شما مگر نمک ترامپ را خورده‌اید که امروز نمی‌توانید نمکدان او را بشکنید.

۰۹۱۲۰۰۰۲۶۵۱/ توضیحاتی که آقای لاریجانی درباره مسائل می‌دهند بسیار جامع و کامل است؛ صحبت‌های او موجب دلگرمی مردم می‌شود امیدوارم رسانه بیشتر از این شخصیت استفاده کند.

۰۹۱۵۰۰۰۹۷۹۸/ شروع مدارس یک فرصت مناسب برای مسئولان و هادیان سیاسی است تا مسائل روز را برای دانش‌آموزان روشن کنند؛ نسبت به شبهات روز آگاهی پیدا کنند و آنها را پاسخ بدهند. امروز دانش‌آموزان از هر طریقی مورد حمله شناختی دشمن هستند.

۰۹۳۶۰۰۰۷۴۵۷/ مردی که یک زمان جایزه ۱۰ میلیون دلاری برایش می‌گذاشتند امروز در سازمان ملل پای سخنرانی تانیا‌هو می‌نشیند! الجولانی اصلاً فکورش را هم می‌کردی؟!

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیامک باقری،سعدالله زارعی،

عزیز غضنفری،فرهاد مهلوی،مهرداد سعیدی،

فتح الله پریشان،علی قاسمی،حسین عبداللهی فر

دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی

مدیر فنی: محمد صالح نادری

نگارش و ویرایش:محبوبه حاجی آقایی

صفحه‌ها:را:علی اکبر هدایتی

عکاس: حامد گودرزی

ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰و ۱۱۰

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۰۲۳۰۳۰۰۹۹۰۳

شماره ۱۲۰۶ | دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴

کتابخانه

اوبشر است

جای کیف و کتاب مدرسه اش

قابللمه کهنه آورد در دست

تا بریزد در آن حقوق بشر

شاید اثبات شد که اوبشر است

قبل از آنی که میوه ها برسند

می خزد از بهار سمت خزان

که خزان پیشتر خریده کنار

می خورد ناگهان به یخبندان

برگ زیتون همیشه سبز نبود

سال ها اشتباه می گفتند

شده نارنج ها چونارنجک

وقتی از شاخه، خشک می افتند

نرسیده هنوز دست او

بر همین شاخه های پایینی

نکشد وزن لاغر او را

وزن این شعر های آیینی

می پرد از میان رویاهاش

می خورد بر زمین که قابللمه

دل او مثل دیگ می جوشد

می شود سوزهای برای همه

زینت کرمی نیا

تمام جاده

چراغانی نفس هایت

کجای وسعتی از آفتابگردان ها

نشسته ای به تماشای ما پریشان ها؟

کجای این شب مهتاب می زنی لبخند

به روی مزرعه ی آفتاب گردان ها

شهید باغ اشارات چشم های تواند

که مانده اند در اوصاف شان غزل خوان ها

تمام جاده چراغانی نفس هایت

نشسته اند به پایوسی ات خیابان ها

زمین قلمرو گل های آفتابی توست

زمان پر از هیجان شکوفه باران ها

دوباره دست تکان می دهی از آن سوها

دوباره شور شگفتی ست در نیستان ها

کنار تپه ی نرگس مسافری می خواند

خوشا هوای تو و جشن گل به دامان ها

در آ که تفرقه تعطیل کرده عاطفه را

پرندگان پراکنده اند انسان ها

بهار می رسد از راه تازه مثل ظهور

خوش است فرصت گل چیدن از فراوان ها

محمد حسین انصاری نژاد



صبحانه

باید قوی شد

در زندگی مشکلات، بن بست، تفاوت ها، کارشکنی، مخالفت، همراه نشدن اطرافیان و... وجود دارد اما مسئله این است. باید ماند و قوی شد و شکست داد، برای برنده شدن تنها راه، قوی شدن و همراه کردن دیگران در راه حقیقت است و راه سومی وجود ندارد.

داستان

برای یک لیوان آب!

رسیدند.»

ناگهان احساس خفگی کردم. لیوانی آب برداشتم و به سمت دهان بردم. انگشتم را لرزان روی دکمه پخش کلیپ زدم. هفت کودک آرام خوابیده بودند. چشم های شان خسته نبود. دیگر خواب برای شان مثل بمب ها ترسناک نبود؛ شاید چون می دانستند فردا چشم باز نمی کنند و نمی بینند که آسمان بر سر شان خراب شده. پیراهن یکی از پسر ها آبی بود؛ آبی کبود، مثل آسمانی که مدت هاست بر فراز غزه امنیتش را از دست داده. مردی با دستانی لرزان که ترس از هر انگشتش می بارید، با وسواس دکمه های پیراهن پسرک را می بست. انگار می خواست با بستن هر دکمه، لحظه ای دیگر زندگی به او برگردد. ذهنم پرید سمت منطقه العطار، جایی که کودکان برای گرفتن آب در صف ایستاده بودند. بچه هایی که تنها به یک چیز فکر می کردند: «آب! نه جنگ! نه مرگ!»

مرجان اکبری

نویسنده

صدای قل قل آب کتری و بوی جای تازه دم فضا را پر کرده بود. دست هایم مشغول آماده کردن شام بود، اما دلم گیر کرده بود میان بازی و خنده بچه های کوچه، که هر شب صدای شان از پنجره آشپزخانه هل می خورد داخل. بشقاب ها را روی میز چیدم، لیوان ها را کنار هم ردیف کردم و پارچ آب را آرام وسط سفره گذاشتم. همه چیز عادی بود؛ درست مثل هر شب. صدای جیغ شادی دختر بچه ای از کوچه بلند شد و همان لحظه صفحه تلفن همراهم روشن شد. خبری تازه از کانال بچه های غزه مقابلم ایستاد: «در حمله و وحشیانه رژیم صهیونیستی به چادری که آوارگان در آن پناه گرفته بودند، هفت کودک که برای گرفتن آب در صف ایستاده بودند، به طرز وحشیانه ای به شهادت

تلخند

نتانیا هو، زباله ای در سازمان ملل! کارتونست: ناصر جعفری / اردن



سلامت

با صبحانه شروع کنید

محبوبه سادات ر شوی

کارشناس تغذیه

«صبحانه» در همه افراد به خصوص کودکان به دلیل تأمین انرژی نقش مهمی در سلامت انسان ایفا می کند، زیرا خوردن غذاهای سالم و مغذی در وعده صبحانه، در یادگیری و رشد کودکان اهمیت ویژه ای دارد. صبحانه انرژی کل روز را تأمین می کند، به خصوص در بچه های مدرسه ای که پشت میز می نشینند و به تمرکز نیاز دارند.

کودکان بیش از هر گروه سنی دیگر جنب و جوش دارند، به همین دلیل باید برای تأمین انرژی خود غذای سالم و مقوی مصرف کنند تا اختلالی در رشد و یادگیری آنها به وجود نیاید. مطالعات نشان داده است، صبحانه نخوردن موجب کاهش یادگیری و افزایش وزن می شود، چرا که کودکان در ساعت های بعد از صبحانه به شدت گرسنه شده و به ریزه خواری و غذاهای ناسالم روی می آورند.

اگر واقعیت بر نامه شما و فرزندتان به گونه ای است که به طور معمول بدون هیچ زمانی برای صرف صبحانه منزل را ترک می کنید، پس سعی کنید با تهیه غذاهای متنوع و مقوی که به سادگی تهیه می شوند، غذایی را برای صبحانه همراه خود آماده کنید.

کودک هر چه زودتر بخوابد صبح سر حال و زودتر بیدار می شود و به موقع می تواند صبحانه را میل کند. مهم نیست کودکان چند ساله هستند، خستگی و کم خوابی کودکان را بد خلق می کند و به این ترتیب نمی توانند برای خوردن یک صبحانه متعادل راحت بنشینند. برای کودکانی که به خوردن صبحانه تمایل ندارند، قرار گرفتن در جمع می تواند به افزایش اشتهای آنها کمک کند. بهتر است صبحانه در جمع خانواده و همراه مادر صرف شود.

صادقانه

جایگاه رفیع علم

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «به وسیله علم، خداوند شناخته و یکتا شمرده می شود و به وسیله علم، صله رحم انجام شده و حلال و حرام شناخته می شود. علم جلودار عقل است.»

تحف العقول، ص ۲۸

غیر رسمی

تدبیر فرمانده



در بحران جنگ خلیج فارس، رهبر معظم انقلاب ابلاغ فرمودند: «واحد های نظامی در منطقه جنوب و غرب گسترش پیدا کنند.»

ما جزء واحدهایی بودیم که در منطقه جنوب، حوالی «پادگان حمید» اردوزده بودیم. ایسن حرکت در پی همان فرمان بود، فرمانی که در آن آورده بودند: «به هیچ وجه، نباید پذیرفت که کسی حتی به اندازه یک وجب به خاک ما تجاوز کند.»

این دستور قاطع فرماندهی کل قوا، همه ما را مصمم کرده بود که کوچک ترین رخنه و نفوذ را نپذیریم. ما هر چه در توان داشتیم، به میدان آوردیم و آماده مقابله احتمالی با دشمن شدیم. آمریکایی ها تصمیم داشتند با تصویب مصوبه ای در کنگره خود، از خاک جمهوری اسلامی ایران برای حمله به عراق استفاده کنند. تدبیر فرمانده معظم کل قوا و در پی آن، حضور گسترده نیروها در مناطق غرب و جنوب، آمریکایی ها را از تصمیم شان بازداشت.

سردار سرتیپ پاسدار علی فضلی

حسن ختام

شاید هیچ اتفاقی نیفتد...

شاید دعای عهدی که قولش را امروز داده بودیم، فردا هم بخوانیم اتفاقی نیفتد. شاید امروز هم نشود که نمازمان را اول وقت بخوانیم و آب از زندگی مان هم تکان نخورد. شاید برنامه های زیادی را که بعد از محرم و صفر مان چیدیم، تا محرم و صفر سال بعد هم به سراغ شان نرویم و اتفاقاً مشکلی هم پیش نیاید.

اما فقط کافی است لحظه ای به این فکر کنیم که امام ماان «هل من ناصر ینصرنی؟» گفته و منتظر است یک قدم، فقط یک قدم کوچک، به سمتش برداریم؛ آن وقت آیا رواست یک سال و یک هفته و یک روز که هیچ، «یک لحظه» هم پشت در دل مان منتظرش بگذاریم؟

آن که می گوید: «از شنبه، هفته بعد، شب قدر سال آینده...»؛ ندای شیطان است. از همین ماه، همین هفته، امروز و «همین لحظه»، به سمت او برویم. او که منتظر منتظر است.

